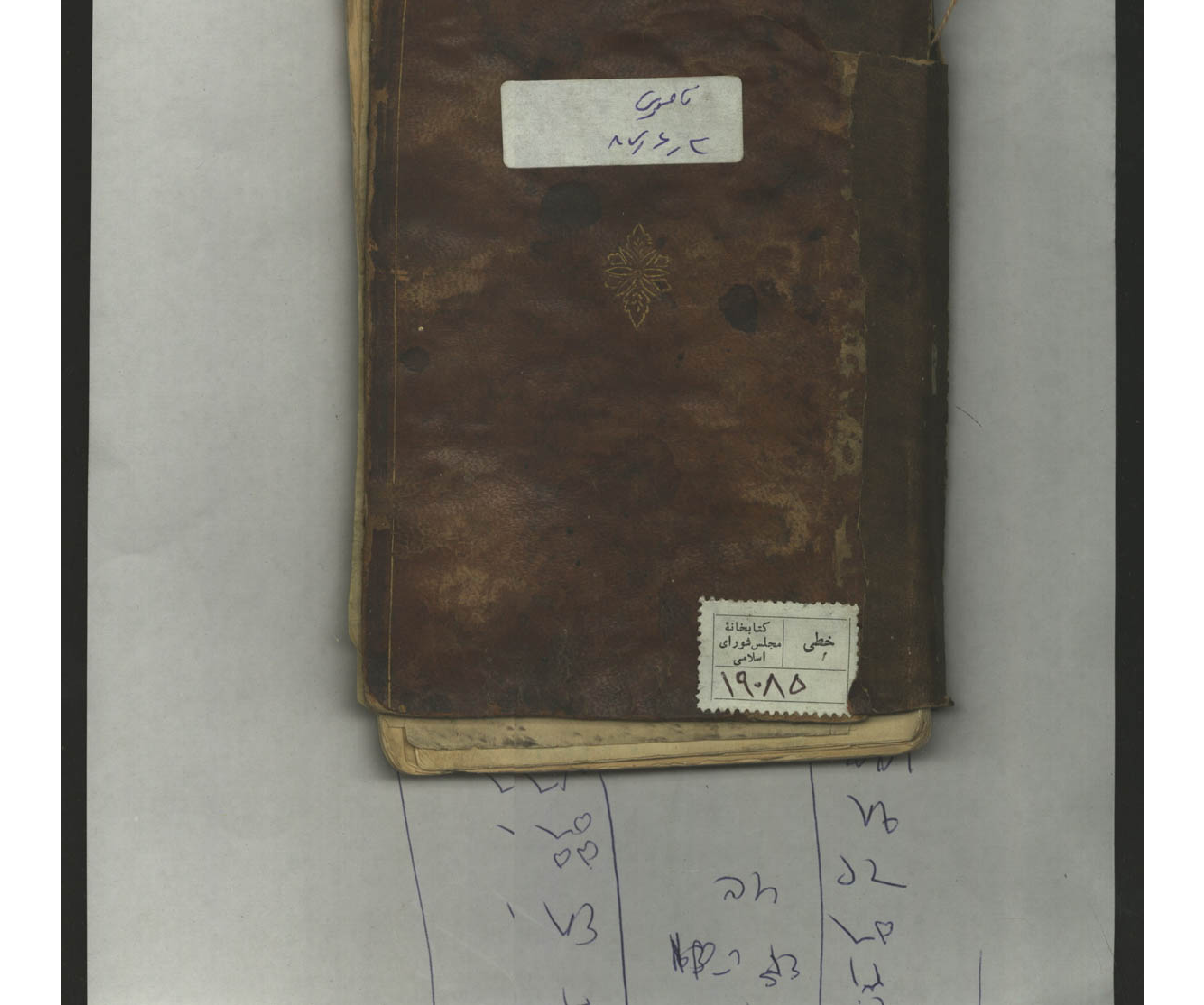
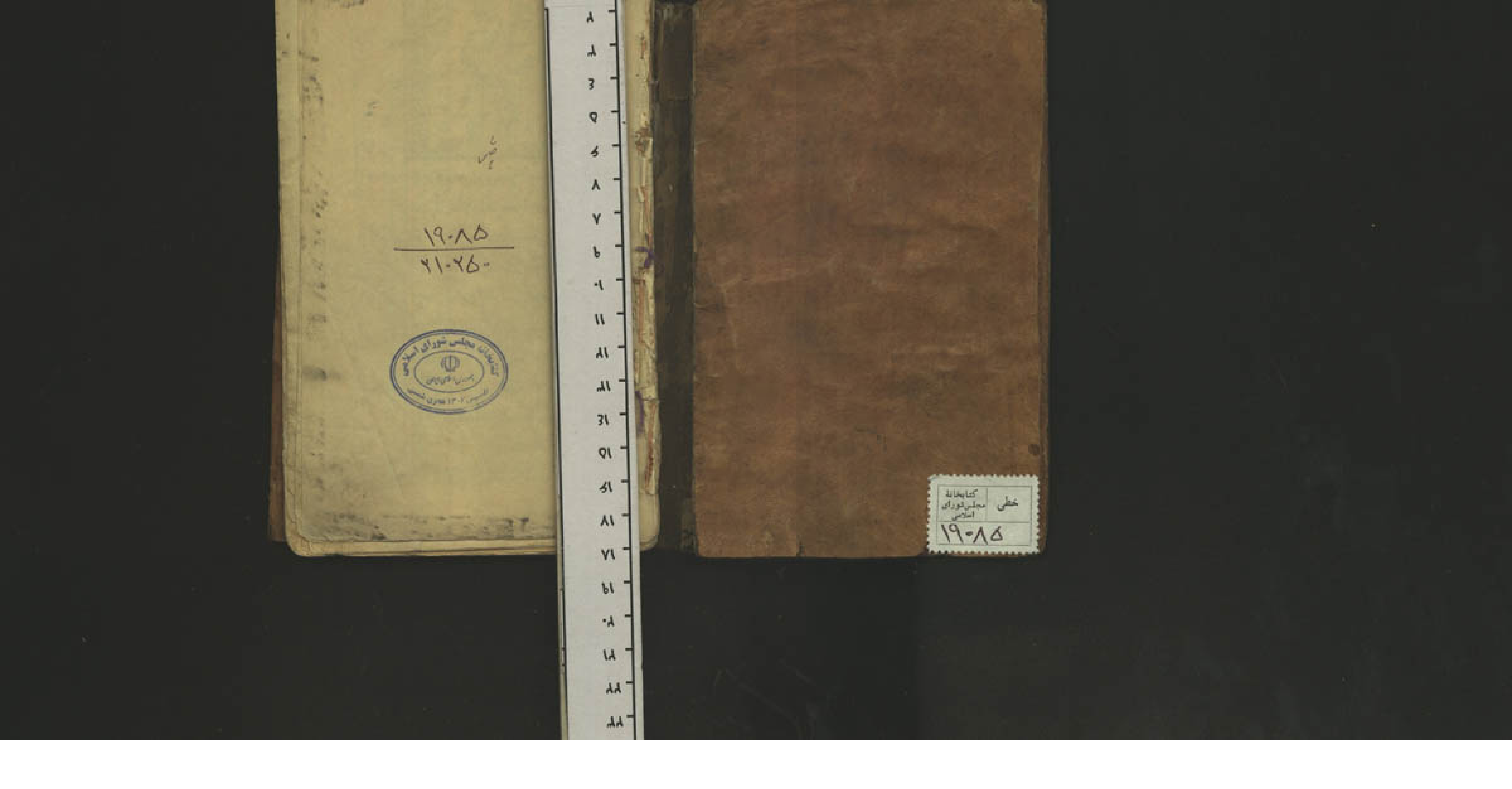

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۹۰۸۵


۱۹۰۸۵
۲۱۰۲۵۰
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۹۰۸۵



کناس
قدیر
اوان
اسقف

قدیو کی نسی جناب اسف این کتابها شیله شما است رینمایید غرض شما
چیست ومطلب چیست
گوهف مسلمان اسم شن انصف است شما که باید انصف بکنی شما بخرده
باشد ولابد این بی زحمله داده میشود در است راین کتابها بی تجدیدات
بدون غرض وسبب بنست شما هرگاه خواسته باشید چند بار امروز
وارد شده بهند زبلی نداده ام کتاب خوبی است برود شما بیخود فارسی
نوشته در هند چاپ شده بحش کتاب مشکوه صدق است
قدیو سیو مشکوه صدق غلط است صدق وکذب از لوازم خبر است
مشکوة بمعنی چراغ است چراغ دروغ وراست نمیشود
گوهف مسلمانان هنوز ندیده نخوانده ایراد میکنی شنیدالم میکویم چرا
این کتابها لو است رمیکنی البته یک معنی که بان خطر سارف دیگر
میکنند بلکه فرض عقلاتی دارند بقدر تول شما نمیدانند
قدیو این نخجه نمی پرسید ازهمانی کتابها بشیله شما است رداره مسلمانان
این کتابها لو غبی میدانند جلدش لو میکنند واوراق اولو در مجلس
افکنده واینهم بد اجزای است مذهب وملت شما
گوهف فرض کن در هزار کتاب بلنفز نگاه کنند ودر هزار نفر
بلنفز خوانند ودر هزار نفر خوانده بلنفز اثر کنند چنین قدری است

غدیو

درو قصه نصاری بحراق

قدیو چه میگوئی از یک کتاب بلنفز نوشته نشود و چندانی حرب و خوار
و به اجزای مذهب وملت شما نتیجه حاصل نشود
گوهف مسلمانان شما خواهید هشت سال قبل این کتابها است رینافتند ملت
نصاری اینها حملی نبود در شهرها مینه انگشت نما بودند اهالی شهرها او خوشحال
میدادند عقب بعد از این اقدامات ملاحظه نما غالب اهالی شهرها لباس انگلیسی
فرنگی خوراک فرنگی اداب فرنگی اداب فرنگی من نشرت انها من حرکت
فرنگی وبلکه هم الزامی ما جلسا عیسه خود مدارند باز میگوئی تا اثر ندارد این
اشتاه بشیله علماء شما داده اند میگوئید کتب است زنکنید دعوت بلکنید
باز بکنید اینکه خلاف ادارست جلوگیران با این بشیله انها هم نقاط
این است رفقاح کنند بلکه بجای دفاعیه مدرسه باز کنند واطفال مسلمانان
منع کنند از دخول در مدرسه نصاری و دعوت خانه مقابل دعوت خانه
نصاری ومریضخانه مقابل مریضخانه نصاری افتتاح نمایند تو میگوئی کتاب
مشکوة صدق غلط است همانی که لفظ غلط است غلط شد اگر راست میگوئی
یک کتاب از من بگیر مطالعه کن مطالعه بکن تو با ملت خود موازنه نما
بها ایراد وارد مباحثه کن

تقدیم به دین ولا ابطه همیشه بوده و است یعنی احوال ملت نصارا
و سایر ملل تنزل نموده و اینها هستند باعث عدالت ضاله ملت و اینکه لفظ
علماء اشتباه کرده اند باید دفاع کنند این مقامات شان علماء اسلام [illegible]
و اوقات انها اعز و اشرف است در اینکه در اینکه به مقامات حاضر شده
فقط هر گاه شبهه علمی در نظر لی باشد در صدد رفع ان شبهه و استدلال [illegible]
وی جدا باحضور حاضر و اینکه لفظ من حاضر شوم در مقام بحث حاضر [illegible]
بده که با تحقیق و تو بهتر کتب به نشکه ملت نصارا سر بلند نموده محتاج [illegible]
با علما و ملت تواجه بودن عوام بقول تو کتبی پیشتر ملت اسلامی تو [illegible]
ملت نصارا عنوان بحث کتاب مشکوة صدق که نسخ شرارتها [illegible]
کتاب مشکوة صدق تو بده و ادامات دعوت تو [illegible]

کشف این کتاب مشکوة صدق در هند طبع شده از کف ان بجاه از نصارا
بیت المقدس است ملاحظه کنا همه روزه اول صبح مطالب اندراج شده [illegible]
هر گونه دیدار [illegible] داخل داری [illegible]

ملاحظه این حقیقه هذه بر چون کتاب مشکوة صدق ملاحظه نمودم [illegible]
ان رو بر اسلام و کلمات [illegible] در بیان اینکه باشرف بنجم مخلوقات شد
این نمره مخلوق به ادراک پیدا شود باین حماقت که در صدد رد بر دین [illegible]
اسلام که امروزه روشن اسلام شد افتاب تابنده فرقه فرقه ترک دین

چهارم

و بیخ سوران و عده و شرط نموده و به اسلام رجعت برده مخلفه از اوایل روزنامه [illegible]
انگلیسی نوشته و داشت به اسلام داخل شدند در ۱۹۲۵ در برابر عده [illegible]
سه هزار [illegible] ۱۹۲۸ که تعداد [illegible] به اینها نموده [illegible]
شده در طرف سه سال [illegible] اتقضا [illegible]
[illegible] شده مسلمان شده و در اول امر [illegible] مستحکم اسلام [illegible]
داده و شکوت [illegible] که به طریق احق [illegible]
[illegible] معلوم میشود [illegible] در مقام [illegible]
[illegible] در ترجمه [illegible] معلوم میشود [illegible]
[illegible] روایات [illegible]
[illegible] جواب داده [illegible]
[illegible]
[illegible] چنانچه مطابق سه اناجیل [illegible] حوادث [illegible] بابه بر سید [illegible]
[illegible] ادم از خاک [illegible]
ادم [illegible] از خاک [illegible] عیسی [illegible] از خاک [illegible] ادم [illegible]
[illegible] عیسی [illegible]
چه غرض [illegible]
[illegible] عیسی [illegible]
[illegible] چیزه بوده [illegible]
[illegible] باشند
[illegible]
[illegible]

معلوم میشود که از بودن این مقام فائده ندارد که حقیقی تکلیف این فرقه عبارت بتلبه
همه بیشتر از یکمرده حق نشده بیک جزء از جمله خلق بره نصرانی کرسف گفته
وایشان او دوست میدارد چو پرورش میدهد یعنی خدا جمیع نوع
بشر او از مرده و مشرک دوست میدارد و دشمن او دوست او پرورش داده است شد بلکه
گوشنه دار بلکه کلکه گرسنه دارد هر کدام او بیشتر دوست میدارد و علاوه بهتر میدید همه و شنید
بیک قاطر را بلکه هر کدام قاطر او بیشتر دوست میدارد از همه او بهتر و فراوان تر میدید همه این در واقع
رد است بر تمام دیانات عالم که معتقد این نصرانی خداوند فرعون او بیشتر از موسی دوست
میداشت زیرا که به او سلطنت داده ثروت داده مکافات بی طبیعی داده بود اما بموسی چیزی نداده
اما جماعت بهائیه که عیسی او صلب نمودند و کشتند بعقیده این نصرانی خدا ایشان او
بیشتر دوست میداشت با ایشان امداد داده مملکت داده بعیسی چیزی نداده پس مناط
خوبی و بدی و دوستی خدا و دشمنی خدا پرورش داده است هر که او خدا بهتر پرورش
داده او او بیشتر دوست میدارد هر که او کمتر دوست دارد کمتر پرورش میدید همه دلیل
بطلیموس و عیاض یعنی چه مخالف دیانات عالم خداوند دشمنی داشت فرعون و عاد و ثمود و لکوه
ولی لیکن او این همان مذهب طبیعی است که امروز نصاری اختیار نموده دنبال طبیعت اند
خدا تماماً قائل نیستند دنبال طبیعت اند خالق موجودات او طبیعت میدانند
این صاحب رساله هم طبیعی است عقیده خود او در ضمن کلمات لغزان
رد بر دین اسلام ظاهر کرده که از مطالب شاه او بوجه عقیده او واضح
میشود چنانچه اقوال کلیه نصاری در تمام عالم در میان علمیات و عملیات بوجه
واضح میکنند که ابداً مشت دیانتی بنیستند و منکر دیانات اند نهایت
اسمی از مسیح میدهند

ونیز طالب هیچ هلاکت هیچ کدام از ایشان نمیباشند الا
یعنی خداوند این طبیعی حکم دارد خصم بر اکثر انبیاء سلف و نسبت
مخالف با نها داده زیرا که با پیغمبران انبیاء سلف جا حق رسالت خود
هلاک نمیشد حضرت موسی فرعون و فرعونیان را و تابعین سامری را
دعا در حق عاد و ثمود و نوح بلکه اغلب انبیاء دائماً لازمه ایشان
نجات دشمنی است نابود دشمنان خدا را یکی بعقیده این گزاف انبیاء نسبت
طلب و پیغمبری را در کار خود نخواهند بلکه خداوند از انها طلب کرده چهار
با کفار رود با طاعت خداوند با انها جهاد نمود و استعانت خداوند با انها
نصرت داد [2] نصرانی کرسف گفته بلکه او ذهل بیت را که
بر چشمان ایشان میتابد تا حجاب تعصب و گمراهی را از ایشان
میبرد خود نفع و دفع نموده ایشان را از ظلمت روحانی رهانیده
بمعرفت خویشتن برساند الا اولا عرض است جمله بعینه مسئله در مورد
نیست را میگوید جمله در صدد مسئله موعظت بهائیت انها او نفع و دفع کند چنانچه
لازمه عدم طلب او این است عبودیت در ذات بوده مطلب خراب و ثانیاً اگر خداوند
نور هدایت او بر چشمان نمیتابد تا بدینجا گفته دلیل علمی نسبت ای ضعف است اعتقاد
مردم مجبول بر اطاعت نیستند و بنده با اختیار است و ثالثاً لعن رسل

و از صد ... ییکر ... از ... را ... خداوند ... مخالف ... میکنند

واینرا ل کتب نحو احمد بود و در صورتیکه نا بنر نوم لزنه ایت

در جهان تمامی بشره تا بعبه لی بستیله کرد و زینب بجشمهاها

ریخته که فعل جدا رحم لو از اثر انوا ختر نمودم لضوولت افتاده شد

طولعه فصل بضرانی کرهف کفته   واما بعکل

برهمه مد ققان با اخلاص معلوم ومشهور باد که مولف

اصلی این کتاب یکی از علماء بیت المقدس ومصنف

کتاب نو بو شهر بن است الخ معلوم میشود از الف مصنف کتابرا

نمیشد چه که اولو تعبیر شده نموده والا اسم مصنف ونیز بیت او و بیان

تولد وزمان مردن اولو مع المرحوم نوشته بود بضرانی کرهف کفته

وچون آن یعنی صاحب کتب مشکوة صدق ان باره مجهول الموضع

بفیض خدای حی رحمن به معرفت حق و بفیض

تام رسیده بود این را بر خود واجب ولازم انکاشت

که در کوشش نجات دیگران بوده چیزی بنویسد که برای

جلال خدا وفائده عام مفید باشند الخ و در صورتیکه اولو

نوشته ازل جدا از قلب او سید بهرشاید در حال اثل راه ونیز که

از کلمات

از کلمات کفر امیزان بشک ف نموده کلمات او ولالت دارد و ازانیکه

در چاه ضلالت ضلالت کرده وجهت نموده دیگرانرا مثل خود دروادی

ضلالت حیران کند و هم در حال بر حجه نموده از خوب وبد وشیکه خودش

شده بر احوال خدا افتره نموده اجمله کائنات کافر کرده بود و نیز

ایرانیش بشنیده از   نصرانی کرهف کفته

ومترجم اقل نیز اقل الکفار بتعقید المضاف الیه   این کتاب

وقتیکه در ایران بود ان کتابرا مطالعه نموده چنین مصلحت

دانستکه انرا از لغت عربی بزبان فارسی ترجمه کنند تا

حق جویان ایران نیز بهره از ان حاصل نمایند الخ با جرات

خصم حق جویان بنظر انه با ایرانیان زیراکه معلوم است که این عتره

فرق نصاری که در عالم متفرق اند مسیح نشه لانو لز نصاری

با فرقه لز انها بلکه پاپ صاحب با پاپان در روس هست انها احکام

خودشان که مخالف احکام مسیح وقوانین انها حیرت رفتار کنند

و از نصاری دیده نشده و شنیده نشده بجز کردن بر بنای دنیا واقوام

در معاصی واقدام فسق وفجور بنوعیکه هیچ لز نصاری نیست

که اکنون متعدده مهیا نموده زنانخانه و شرابخانه که محل رفت و آمد تمام
طبقات ملت حتی پاپها و کشیشها و خلیفها که خود را جانشین حضرت
عیسی ع میدانند و خود اعتراف دارند که این مناصب حرمت از شریعت
آنجناب و آن جناب قناعت مینمود در دنیا بعلف صحرا و ساتر عورتی
که برهنگی بدن خود بپوشانند چنانچه در اخبار از اهل بیت عصمت وارد
شده که پیغمبر فرش من زمین است و طعام در زمستان آفتاب
و طعام علف صحرای و خورشم گرسنگی الی آخر الحدیث و بر هر ذی
شعوری که ملاحظه حال امروزه نصاری کند واضح میشود که این جماعت
مسیحی و منتسبین ناصری از انبیاء بیزارند و اسم به مسمّی است حضرت
عیسی از آنها و از اکنون در طریقه و اعمال و کردار و رفتارشان بیزار است
ظلم طایفه امروزه نصاری بجناب عیسی ع بالاتر است از کسانیکه آن
جناب را مصلوب نمودند و در صدد قتل آن جناب برآمدند و نسبتهای
زشت و بهتانهای زیاد بآن جناب دادند در عرصه قیامت آن جناب
برائت میجوید از این طایفه با این طغیان و سرکشی میل دارند که تا بحال
حق و حق جویان ایرانند باعتراف همین خصم ثابت است اما مخفی نیست
از این

از این دانایی حظ بردارند که تاکنون کفر در تمام ممالک رایج شده بعضی
که بعضی گفته‌اند و این کتاب خصوصاً در این زمان برای ایشان باید مخفی باشد
زیرا که شخصی مسمّی بفخر الاسلام رفتی رباطی مخفی الخ کی میگویم مطلع از تواریخ
هر ملت و دولت هستند میدانند که چه قدر زمان تغییر نموده قبل از بعثت پیغمبر ص
خدا صلی الله علیه و آله در اطراف و جوانب انطاکیه و بلاد بیت المقدس در
بیابانها هر گوشه بتکدها ... نان و رهبان نصاری اعتزال از مردم نموده
و منتظر بعثت پیغمبر آخر الزمان بودند تا آنکه آفتاب جمال آن سرور طالع
شد رهبان از اطراف از دیرهای خود تفحص حقیقت نموده بشرف اسلام
مشرف شدند و جمعی از آنها در غزوات در رکاب آنجناب بفیض شهادت
رسیدند که این مطلب از ابده بدیهیات است که رهبان بعضی در قسمی
خوب است از گوینده سؤال شود چه شد که دیگر رهبانان در بیابان
... پیدا نمیشود چرا دیر نشین پیدا نمیشود ... اینها که طالب حق بودند
بحق رسیدند کسانیکه دنیا طلب و ریاست جو بودند پنبه غفلت بگوشها
نهادند که ندای منادی اسلام نشنوند فعموا و صموا الخ جناب ...
فخر الاسلام که از رؤسا و بزرگان روحانیین نصاری بود و نصاری

۲
این که ... مقصب
بعضی ... است
وانقراض ... بشود باطل
باشد زیرا که انقطاع
... است و ...
حقیقه ... است
... و ...
هم ... واقع بشود
باطل است ...
... گوید آنان
... باطل است
و ... ثابتکه
حقیقت ...
... که ... را
... است

یعنی طبیعیه هستی ابرا معتقد به هیچ شرعی نیستی و از کلام شما ملت

معلوم شد نصرانی کریف گفته که مبادی ان نورالهی که از

اوراق انجیل جلیل برایشان میتابد ایشانرا منورشان نمیکند کدام انجیل

کدام نور کدام ایشان کدام اوشان کدام یوشان کدام یوشان این

مزخرفات تاریخی مختلف که هر یک بروایتی میباشد این کلام خالق نیست

بلکه کلام از اول خلق است با نهایت اختلاف حق و اوراق بعد از

مصلوب شدن عیسی بوم نوشته اند امر بر هیچ نور ندارد و کلام مخلوق

مشتبه بکلام خالق نشود بلکه مطلب او بجمعه جور نوشته و همین اختلاف

دلیل بطلان از تصحیح توجید را قتیرا ^2 نصرانی کریف گفته مخفی نماند

والی این کلمات تو ۹ جلیل میدانی این قدر اوراق او در محل قاروات ولکشافات طرات م

که ان شخص مذکور در رساله مسمی بتحریر المسیحیین نه تا صد برهان

مسیحین انرا نوشته اسکه بر هر فردی از افراد مسیحیان واجب و لازم است

که اعتقاد نماید که این توراه و این انجیل که الیوم متمسک یهود و نصاری است

ان توراه و انجیل نیست که خداوند عالم بر حضرت موسی و عیسی علیهما السلام

نازل فرموده در اثبات ان قول ست کتب مطول و دیگر نیز هستی به

انیس بالاعلام به فی نصرة الاسلام تالیف کرده مسیح نزد دعوت

فخر نمودند بر جهاد او و چون امر جوم نور اسلام بقلبش طلوع نموده بشرف

اسلام مشرف شده وار کتب خود انها مطالب اثبات ردشان و دعوت نموده

عموم نصاری تو بدین مبین اسلام البته اسلام فخر انها است و سرمایه نجات

دولت و باعث ترقی دولت از خصیص نکبت کفر باعلا مدارج روح

اسلام ور زمین وبه اصحاب کسیکه هستند که با این روشنائی امروزه اسلام

بکفر — کفر تو پناه خود نموده و بکلا اتفاق دارند مثل این نصرانی کریف . . . . نصرانی

کریف . . . . میگوید کوشش میکنند یعنی فخر الاسلام که کرد فرزند برادر

عجب پس معلوم شد با کمال افسوس چشمان بصیرت شان انداخته ایشانرا نابینا کرده ^2 بلکه ان جناب در صدد

محو روز اسلام ضد بیت با خدا میکنند هر چه ان اسکه سرمه هدایت بچشم نابینای انها نماید و پنبه غفلت از گوشهای

خدا نور هدایت در چشمهای ان ارائه میکنند بجز لطف انها بدر آرد و سواد قلب انها را مبدل به بیاض کند و کلمات حق و حقیقی

حقاوی یعنی میشود محو الله ۲۳ حقیقت میکنند از ترسب پرستان با ماهی طغیان برساند از پیدا شدن چنین مردی در حوضه اسلام

در چشم از انها میکنند و حال انکه فخر نور و تضادیه دینی و لوله در ارکان ملت مسیحیان افتاده جا عقل کثیر از طوایف مسیحی بشرف

للاضداد عرفان لا اضداد م م

اسلام مشرف شده اند اکنون کریف صاحب از این مطلب دلتنگ شده تعجب

ندارد کریف صاحب ته کاسه بجهت شما باقی است بسیطا چرب میشود مخفی

کی چند کریف تو غیرت کی ره بکشی تو که داخل طایفه دهریه دیگر چه هستی

رسالتی

بجا بود که جواب انرا بنویسند این اتقی لا یعنی اتق الکفر که ان بنویسد که
ان کتاب لزوم بجوابی داشته باشد زیرا که بحرف حسابی جواب نوشته میشود نه
هذیان جاهلانه نقیضیکه با دلیل قطعی باشد با آنکه نفی دلیلی نمیخواهد وقتی است
دلیلی بخواهد و عدم الدلیل دلیل علی العدم مع ذلک هر ذی شعوری
میداند که این مطالب و مزخرفاتیکه در این کتاب نوشته شده کلام خداوند
عز اسمه نیست اینها دروغ است که نوشته شده بجهت تسخیر عوام و بازار گرمی
خلفا و کشیشان که نان بچنگ آرند و شکم سیر کنند چنانچه جناب ملا الاسلام
بادله قطعیه از بیانات محققانه معلوم کرده مجعولیت این دروغ نو را که هم
ان جناب بیان فرموده که اهل شرایع اگاه بفهمند که اینها کلام رذل اهل عقول است
و بازار گرمی و دکان داری است عزیر و عیسی بخدا خسته شده و کلام ایشان
و نصاری تورات و انجیل نوشته شده و ۲ پس انکه گفته حضرت
از این جهت که چنانکه بر هر خواننده هشیار قرآن هویدا بلکه اظهر من الشمس است
هر مسلمانی که بر کتب مقدسه اهل کتاب طعن زنند همیشه برده قرآن حق
نبوده است چنانکه واضح است که هیچ مسلمانی طعن بر کتاب تورات منزل بر موسی
و انجیل منزل بر عیسی طعن نمیزند بلکه مقدس میشمارد ولکن کتاب تورات جعلی
و انجیل جعلی که مصنف ان معلوم نیست و مضامین آن مخالف با بیانات عالم است

لازم و دیانت اسلامی اظهار برائت این کتاب مزخرف و جاهلانه
ف و مضامین ان و لیک نه که این دو کتاب نو نیست مؤمنین
و پیرو دکان داری اهل تحریف اند رسول زاده و
از این مضامین برائت جویند است و این مطلب جدیدی
تازه نیست هزار و سیصد و کسری است این مطالب ذکر شده این همه فرق
نصاری که بصورت خود را عیسوی میدانند و از شریعت آنجناب بیگانه اند
هرگز قادر نشده اند که جواب بدهند هر وقت دنبال بحث اظهار بی‌اعتنایی شریعت
مقدسه اسلام افروختند که مدعی هستند که این کتب از جانب خداست برلیس ثابت
کنند دلیلی ندارند شریعت اسلام را ناچار منکر شدند پس انکه گفته
واما اگرچه این کتاب مسمی به مشکوة صدق است مشکوة صدق غلط است
زیرا که صدق و کذب از لوازم مخصوصه اخبار است و صدق هر گاه صفت
مشکوة است با موصوف مطابق نیست مطلب نیست هرگاه مشکوة دروغ باشد
اسم هم باید دروغ باشد تا دروغ اندر دروغ باشد پس انکه گفته
البته عجب عجیم کو چطور است اما قبل از ظهور آن مجمع اتفاقات با طلع
که ذکر شد یعنی انیس الاعلام مطبوع گردیده از اتفاق اگر دیانت میگوئید
این کتاب قبل از انیس الاعلام تصنیف شده و بطبع رسیده چگونه

مطالب او بود جواب میدهیم ملا آنکه چون جهات فساد مذهب نصاری

بر خود ایشان معلوم نیست چنانچه بر غیر ایشان هم معلوم است لهذا صاحب مشکوة صدق

فاش جهات بود میان ملا که ده یا نود دلیل برده اگر هم باز روز نبیند احمق

با سرشان بچسبانند صاحب کرسف سرشان نه نوشته مطالب خود

گفته ملاحظه از خود باید گذاشته تو هم با اینکه حلول روح به اولو باید

بگیرم تا هر کسی در اشعار این مذهب سخیف نظر کند عین از

که خودش چیزی ببیند نباشد

کرسف نفر انگفته زیرا که عقلاء گفته اند ذره حق بر کوه باطل غالب آید

و سنگ بر ذرن بیند کلام عقلاء بوضاحت مخصوصه عقلاء از مصداق کم من

فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة حتی جوان مسلمان بتفصیل قرآن کریم میکنند

غالب آمدند بر گمراهان نصاری اگرچه زیاد بودند تا حالا از زنبور تر بود در اینجا

دیگر گو ذره و کوه حق رضی نمی دانند نفر انگفته کرسف میگوییم

و اما هر که بیشتر بخواهد در این امر اهم کاوش کند باید کتب مشهوره میزان

الحق و مفتاح الاسرار و طریق الحیات و شهادات قرآن را ملاحظه نماید

و اگر کسی بخواهد فساد و شناعت مذهب یهود و نصاری بو باید رجوع

کند بمجلدات عشره فخر الاسلام مسمی به بیان الحق والصدق که کشف

جمیع

جمیع مفاسد خواهد شد اگرچه اگر کلی عاری هم باشد وضع و کیفیت معاش

و معاد و عبادات و افعال و غیر اینها دو فرقه بلکه بین فرق ضاله در دنیا هیچ

کیفیت و هیئات مشکوة خودش شاهد صدق است بر فساد مذهب ایشان

و محقق خواهد بود تا اینجا کلمات صاحب کرسف بود و خودش گفته کتاب

مشکوة صدق را عربها بفارسی ترجمه پیش خودم دقایقش برده لکن آنچه از حال

این کرسف معلوم شده نفر انگلیسی است و این کتاب بود او نوشته

و هر روز یک دانه از خانه خود بیرون انداخته که یک دانه او لوده رکت

خودش بهت می افتاد این جانب عقیده کرسف چنین معلوم داشتم خودش را

ملاقات کنم و مطالبش بنوشتم تا سؤال و جواب کنم زیرا که احتمال میدهم که

یک سطر بالگ باید بنویسد طول داده مطالب غیر مرتبط در میان آورده سرها

در دنیا قرار دهد بهتر آنکه خود او را ببینم جمیع زود و هر روز اول صبح که دیدم

که کم پیر دم کتاب برادر بچه خوب اسباب که مسلمانان مطلع شوند آنکه من میخواهم

خراب بکنم فردا صبح است پیرزن دم افتاد تمام

اول صبح شنبه ۱۴۱۴ سمت پشت ... در خانه کرسف صاحب

آمدم در باز بود ۵ صبح خانه اثبه ... وارد داخل خانه شدم

پیرزنی که آثار کفر و ظلمت باطنی از او ظاهر بود در نهایت کراهت منظر با ...

اخ دوم گفت چیزی نداریم چون هر کس میداند که شغل این جناب
از هر جهت بی مدار دستش این است که اول صبح هر خانه بخواهیم راه
نمیدهند گفتم خواهم تو میخواهم مشتبه شده که من بی خانت میخواهم در واقع
مرا میخواستم گفت برو گفتم خودش تو میخواهم گفت نداریم در این بین
صاحبخانه شد خود کربف آمد در بالاخانه روی صندلی نشست من هم
پیش او نجه پهلو نشستم



گومف سلمان که ترا موعظه ادن از خوب فلان دیگر برای شما
چاره غیر از ایمان آوردن بمسیح که راه نجات است نیست
غدیم عجب کتاب تصنیف کرده عجب ایرادها تو کرده عجب خطها نوشته
حیف این کاغذها حیف آن زحمتها حیف آن پولها که مخارج شده و این
کتابها نوشته با این جلد خوب و خط خوب و کاغذ خوب بهم شده
گومف در دلت چه داری غدیم تماش کتاب بهتر که در حاشیه آن ایراد مطلع کرده
نوشته ام و الاخه ملکی بزور مملکت از ایران فرار کردم ایرادهام نداره تمام
گومف انچه تو کتاب نوشته است بده که ترا دادم موعظه میکردم و میرفتم خود بجای
منهم با پیر خود باز میکردم
غدیم این مطالب که حاشیه نوشته شده شما میتوانید بخوانید یا خیر
گومف شما ایرانیان واقعه وحشی هستید اسم تو گفتم بلغت
کرسف به منه است
غدیم خیر حضرت مثالا که دلالت الفاظ بالذات باشد
گومف بلی بله ما هم دلالت الفاظ را بالذات میدانیم لکن مقصود شما از
آوردن این چیست
غدیم میل دارم این شخص جناب کتاب شکرهٔ صدق کوشش روز
با شما مذاکره کنم تا بفهمی کتاب ماهیت ندارد

کشف ۲۴ عمده همین شخص باب ۲ ایشلره ایچنده کتاب اهمیت نیز دارد
ملتی ثنا ایند صحبت ایلمیشد خطاب خود او سوال ایلیند و ماشی صحبت بیلمز شما
سخن نظر ایتید توجه شماتی باشد
لاقدیر صد جهت قبر حضرت عیسی ع الی سنه شما زیارتگاه نیز اید اظهار
اخلاص و خضوع با آن محل کنید آخر شما بیلور سیز او بو مصلوب نمودند
کشته خاک نمودند پس قبر انجیل و قبر مادرش کجا هست حاله اعتقاد ...
ایشلره الیبیر ... گشته و کمان پس نمودند که او بو گشته و انجیل حق ...
رفت شما که بیلور سیز او بو گشته و در چنین مردن آمدن روح حاله نمود پس قبر
او کجا هست و نه ... با جهد الکتاب چرا ... قریش معلوم بود این
همه نصارای امروز زیارتگاه داشته
کشف ۲۵ از خود بیلورسیز یهودیان او بو مصلوب
نمودند و کشته و خاک نمودند لکن از قبر بیرون آمد و در آب
رفت و در باب سیم از انجیل یوحنا و لوقا و باب اول از انجیل مرقس
چنین نوشته اند پس فی الفور از آب بیرون آمده دید که افلاک شکافته
و روح چون کبوتر نزول نمود و ندائی از عالم علوی رسید تو ...
فرزند محبوب منی که از او خوشنودم قدیم کتابی صاحب ...
در همه اناجیل نوشته هست باید خصوص این ... انجیل کشف

کشف ۲۶ در تمام اناجیل این مطلب نوشته اند این الفاظ حضرت
عیسی ... محمد پس معلوم میشود این اناجیل بعد از مصلوب شدن عیسی نوشته شده
کشف ۲۷ قدیم کتابی ... که انجیل نازل بر حضرت عیسی است
که در حیات عیسی ... به نبوت او که عبادت ... بعد از ... نمود
که میفرمود من بنده خدا هستم و خداوندگار ... فرشته ده ... قرار داده
کشف چنین انجیل ... قدیم کتابی پس این انجیل ها الهی حضرت عیسی دارد
حضرت عیسی که این اناجیل که خوانده و دیده بچه جهت شما انجیل عیسی میخوانید کشف
لا قدیر ... حواریین نوشته اند از زمان حضرت عیسی و ما حواریین خود عیسی ...
انجیل ها گفته اند و نوشته اند مسیح گفته ... خلفاء امروزه او خود عیسی ...
شنیده خلفاء کارهای مسیح ... بیلمشه که ... بیلمشه ... عیسی ...
کلیب ... بیلمشه قدیم کتابی محمد خلفا ... بیلمشه کشف ۲۸ ...
... بیلمزه ... عیسی ... قدیم کتابی
محمد ... چه ... خلیفه ... حضرت عیسی ... کشف
... سلمان ... خلیفه و حواریین و عیسی و خدا ... چهار ورق کاغذ
که ... قدیم کتابی محمد ... این خلیفه ...
عیسی ... خدا ... [illegible]

پس چرا کلام های مسیح را قبول نمیکنند چرا مرده زنده نمیکنند با شده نازل نمیکنند بلکه [illegible]

شراب میخورد بعضی از اوقات باز [illegible] و در بعضی اعمال قبیحه میکنند دروغ میگوید فحش

خیلی اخلاق رذیله دارد در [illegible] قبول که آن خلیفه شش سید کشته و چند تو [illegible] نموده که

اول او در اداره نظمیه توقیف نمودند و [illegible] از [illegible] بوده شما این شخص [illegible]

خوار [illegible] اعمال قبیحه او کرده با اخلاق او عیسی میدانید خدا میدانید [illegible] پرستان

[illegible] منظر او از طلا [illegible] عبادت میکنند که حرف مسلمانان اینها به

البته [illegible] خود [illegible] مسیح مسیح شوق خدا [illegible] غذا [illegible]

[illegible] نمیخواهیم [illegible]) شما [illegible] که حضرت عیسی [illegible]) چرا [illegible] دارم

و [illegible] رفتار میکنید و اینرا که کتاب خود میدانید حال فهمیدم که شما [illegible] انجیل [illegible]

که این انکار [illegible] از عیسی خواننده انجیل هست و [illegible] در آن

که کتاب آسمانی [illegible] خبر داده که عیسی [illegible] بنده خدا هستم و خدا [illegible]

و [illegible] خدا [illegible] هستم و شما [illegible] این عیسی و این کتاب [illegible] پس چرا [illegible]

[illegible] شما [illegible] این کتاب و این عیسی [illegible]

قائلید و این کلام [illegible] که کتاب [illegible] اول [illegible] از

[illegible] رفت و از [illegible] روح [illegible] روح [illegible]

که [illegible] چون [illegible] خوب [illegible] که [illegible] شما

[illegible] فرض هم که [illegible] باید [illegible] نشد

که بان

که بان اب برکت [illegible] از [illegible] که [illegible]

[illegible] که از [illegible] اینست

و [illegible] از [illegible] شده

حضرت عیسی [illegible] بود

[illegible] که [illegible] شما

[illegible] به [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] خفه

[illegible] که [illegible] باشد

و [illegible] از زمان حضرت صلی الله علیه و آله [illegible] که تمام قرآن

حفظ [illegible] ربیعه

[illegible] فرض [illegible] تغییر [illegible] این کتب [illegible] و حقوق

و [illegible] این کتاب [illegible] که [illegible] تحریف و تصحیف

[illegible] و عبارت او [illegible] و [illegible] که

[illegible] تحریف و تصحیف [illegible] و [illegible]

شما [illegible] این کتب [illegible] این وضع [illegible]

دارد باید احتمال تحریف و تصحیف [illegible] که [illegible]

یا [illegible] شما [illegible]

انجیل یوحنا انجیل یوحنا انجیل متی این چهار انجیل که نصف در کتب خود نیز اند عقیده
شما چیست میگوئید این شئ حق مطالب منزله بر مسیح را نوشته اند یا اینکه مراتب
بر خود ایشان وحی شده و زمان عیسی ۳ چیز بوده از انجیلها اسمی برده نه ایشان
صحف این کتب را اظهار شده و هرگاه این چهار منزله چهار انجیل نوشته اند
اعتقاد ما آنست که مراتب منزله بر مسیح را نوشته که در واقع اینها کتب وحی بوده
و بعد از صحف محفوظات و ملفوظات خود را جمع نموده از جهت ما باطل است اولا اینکه
دین انصاری به همه عقوبات مسیح را نموده حرمت لحم شئ نجس بود نه کرامت
و ثانیا اختلاف در فقرات آن دلیل بر آن است که مراتب منزله نبوده و الا اتفاق بود
بعلاوه اینکه بعض صفحات از نظم بعضی افتاده چنانکه قبض را دو نوع خبر دادن
پیدا وجود و عدم دلیل بر کذب است و ثالثا بعضی آن کتب دلالت قطعی میکنند بر اینکه
اینها ایات منزله بر مسیح نیست حکایات بعد از صلب او نزول سلطنه آسمانی نمیشود
این عبارت او نسبت بعد از آن که خطاب به عیسی نموده باشد چنانکه [illegible]
در صورتیکه این شئ نفس مضمون را نقل کنند یا چهار انجیل عبارت و الفاظ کنند
ممکن است که اختلال بهم رسد نه فی ترجمه بر مسیح است در صورتیکه احتمالات [illegible]
و آن مطالب به او که حکایت بعد از صلب او [illegible] واما هر گاه [illegible] این چهار [illegible]
بر اشخاص وحی شده چنانکه ظاهر قول [illegible] بر مسیح [illegible] نسبت [illegible]
میگوئید انجیل یوحنا انجیل [illegible] این مطلب [illegible] دروغ است وحی [illegible]
میشود و اینها پیغمبر نبوده بعلاوه بر اینکه این کتب را بهم نسبت [illegible] میتوان داد

خرافات [illegible] احتمال در او میرود خبر تواتر آنستکه تمام طبقات ناقلین آنها
جمعی هستند که عادل باشند تعمد کذب آنها یا اشتباه در آنها حرف صحت این
در باب چهارم خواهد آمد فعلا امروز صاحب گریف مطلب این مسئله
شما کتاب مشکوة صدق [illegible] در دست ندارید و بگوئید حاصل باب اول
آن چیست خلاصه بگوئید تا جواب دهم والا که حالت ندارید که فردا بگوئید
مستبعد اگر کسی خوردم که فردا آن خورده مستانه بگذارید وقت دیگر
گریف صاحب لا عذیر میدانم اینجا حرف نیست من با شما اول صبح
حالتی ندارم میترسم با تو معدوم کنی لا عذیر کشیش صاحب گفتگوی
دینی حالت میخواهد شما شنیده اید که من کشیش هستم و پنج و شش سال است درس دارم کنی
شما از خود مطلق باشید فعلا مخصوص تنها گوئید شما لذت های محصول تنها گو
نهاده ام من هیچ جا شما را نمیگیرم تنها که دافع ندارید دم شی در دست من مطلب
باب اول را مختصر بیان کنید تا جواب دهم گریف صاحب
۵ آیه از آیات قرآن هست که دلالت دارد بر اینکه کفار از پیغمبر ما معجزه
خواستند و او سکوت نمود و طفره رفت عذیر کشیش صاحب
اما معجزات پیغمبر ما که زیاده از حد احصا است و هر پیغمبری که شما معجزه

از او از اول ام ثابت بکنید من بهتر و بالاتر از آن از پیغمبر خودمان از آنها
شما نقل میکنم و ثابت مینمایم ۱ دیده قرآن در آیات کثیره دلالت میکند که پیغمبر
ما با معجزه نبود مثل قوله تعالی وشهدوا ان الرسول حق وجاءهم
البینات الخ و ما تأتیهم من آیة من آیات ربهم الا کانوا
عنها معرضین انعام و ما تغنی الآیات والنذر عن قوم لا یؤمنون سوره یونس
أفمن کان علی بینة من ربه ویتلوه شاهد منه ومن قبله کتاب
موسی اماما ورحمة سوره هود ولئن جئتهم بآیة لیقولن الذین
کفروا ان انتم الا مبطلون سوره روم
واذا رأوا آیة یستسخرون سوره والصافات

وقوله تعالی واذا رأوا آیة یستسخرون الخ و آیات دیگر از این
قبیل همه دلالت دارد بر اینکه پیغمبر ما با معجزه نبود و عیب ما الخ شما از
هر پیغمبری ثابت نمودید من بهتر از آنرا بتصدیق شما ثابت میکنم لکن
این پنج آیه که میگوئید با یک ذکر کنید تا شما بدو بفهمانم که از هر کس بود اگر
به شما هرگز نخواهیم فهمید کشف صاحب مقام اثبات معجزه انبیاء
و قدری دیگر که من کتابهای خودمان به بینم و برای شما نقل کنم قصه [illegible]
من کتابهای شما را قبول ندارم زیرا که بنابر اناجیل شما بقول خودتان معلوم
شده اعتبار ندارد اگر تاریخ هند و فرس در معجزه حضرت عیسی ع
نوشته آنها آن وقت من قبول میکنم اگر چه من آنها را صادق القول نمیدانم
لکن چون با شما محاجات میکنم و آنها دشمن مذهب شما هستند هر چه دشمنی
بگوید من متقبل میشوم کشف صاحب آیه اول
در سوره انعام آیه ۳۷ وقالوا لولا نزل علیه آیة من ربه
قل ان الله قادر علی ان ینزل آیة ولکن اکثرهم لا یعلمون
و این اگر چه مطلب طولانی است و کلمات تفاسیر چندان مربوط باین
مطلب نیست و آنکه با مطلب ما بدون تو مختصر میگویم که اسباب

سر در د تو تشوق معنی این آیه این است که کفار گفته‌اند چرا معجزه از جانب خداوند
نیاورده بلکه او پیغمبر خدا قادر است بر اینکه معجزه نازل کند ولکن بیشتری
از شما نادانید اگر پیغمبر شما معجزه داشت چرا چنین جواب کفار میداد
بلکه میگفت بخواهید از من چیزی که خارق عادت و معجزه باشد تا آنکه آنها
ایمان آورند چرا از آنها مایوس شده با آن اهتمام پیغمبر شما در ایمان کفار
و تفاسیر هم معنای این آیه را چنین ذکر نموده‌اند

غیر کرنسی

واقعاً شماها چه قدر به عقل هستید با این ادعا که میکنید مثل یک طفل
خورد میدانید بر شما جهول مانند خودتان به نفهمی میزنید خودتان اعتراف
دارید که پیغمبر ما ص اول عاقل روزگار بود چنانچه جمعی از عقلاء و دانشمندان
ملت شما در کتاب خود نوشته‌اند چنانچه جرجیس سال صاحب در کتاب
خود در صفحه ۸۲ از مقاله اسلام از نسخه مطبوعه سنه ۱۸۹۰ در اوصاف
آنجناب نوشته که ترجمه آن این است خلافی نیست که آنجناب در غایت
عقل و ذکاوت و نهایت طهارت هم راستی و محبت با مردم داشت
و مورخین اروپا نوشته‌اند در کمال عقل و در نهایت قوه ذاکره و کلیه
صفات حسنه را دارا بود و از کلیه صفات رذیله خالی بود هرگز لغوی

لذا او دیده

لذا او دیده‌اند پر تواضع خوش خلق و تمام مکارم اخلاق آن حضرت را
ذکر نموده و در صفحه ۱۳۸ در نهایت مراعات آن حضرت را در احتیاط
ذکر نموده که هرگز از آن حضرت کشف خلاف نشده و در صفحه ۲۳۹ از کتاب
میزان الحق از نسخه مطبوعه لندن سنه ۱۸۶۲ م صریح اقرار و اعتراف
میکند که آن حضرت در خورده بینی و مال اندیشی مانند نداشت و عبد المسیح
کشیش در کتاب شعاع‌های تابنده که خود تعریف او نموده‌ای در صفحه
۲۴ مطبوعه انارکلی لاهور چنین گفته و هیچ کس منکر این نیست
که حضرت محمد ص شخص عاقل با فطانت بوده است و نیز مسیو ژرژ دوادی
در رساله که در عقل نوشته به زبان فرانسه و عقلای عالم را ذکر نموده و تمثال
آن جناب را کشیده و در ورق قرآن به دست مبارک و اول عاقل دنیا شمرده و
غیر ذلک از کلمات رؤسای ملت شما نوشته و جناب فخر الاسلام در کتاب
خود جمع نموده آیا آن صاحب کریف احتمال میدهی که پیغمبر با این نوع
از عقل کمالات اظهار کند و در آن هم معجزات همه انبیاء را ذکر کند و از خودش
معجزه نخواهند طفره رود اگر چنین باشد یک نفر متابعت او نکند صاحب
تو میدانی که معجزات آنجناب از همه انبیاء بالاتر بود همان نوع معجزه باشد

[illegible]

اشرف انبیا، خاتم انبیا، و ناسخ احکام و کتب انبیا، باید معجزه او هم
بالاتر باشد کاملتر باشد و بنابر قرارداد فی مابین این شد که هر معجزه که ثابت
نمودی مرا بالاتر از آن ده تصدیق تو ثابت کنم لکن صاحب جواب لذ
ایراد ایه بو بشنو صاحب کریف طبقات مردم مختلف هستند بعضی دلر
هستند که معتقد خوبا طینت انها نور ایمان در قلوب انها تا بیده بعض د
رؤیت معجزه و خارق عادت ایمان میاورند انهم باختلاف اشخاص و ازمنها
هر زمانه طبقات مردم در هر صنعتی کاملتر بوده از آن صنعت اظهار
و طلب معجزه مینمودند در زمان پیغمبر ما چون بالنسبه به از زمان سابق مردم
کاملتر بوده از ازمنه سابقه بیشتر معجزه میخواستند و بیشتر هم اظهار شد
و ما همه طایفه تمام معجزات پیغمبران سلف را بهر طریق ثابت نمودی
ما هم ثابت خواهیم نمود لکن طایفه از مردم هستند که از جهت خباثت ذاتیه
هرگونه ایه و خارق عادت رؤیت کنند ایمان نخواهند اورد از قبیل
کرهیرودس که انهم معارضه با مسیح نمود و انقدر اطفال بیت المقدس را
بیجرم و گناه کشت ایا اطلاع بر معجزات مسیح پیدا نکرده بود

صاحب کریف چرا هر روز خارق عادت از مسیح میدید بلکه

شبهه

نموده باشد [illegible]
نموده باشد با ستمدیده تمام در میان
جزیره العرب که از تمام طبقات
روز [illegible]
با این کیفیت و احوال تمام
که تمام [illegible] تصدیق نمودند
که این احکام تمام [illegible]
دیگری [illegible] معجزه [illegible]
و این اظهار [illegible] خارق
[illegible] قطعیه بر صدق
[illegible] و این احکام
و این کتاب از مثل این
شخص امی دلیل قطعی است
بر صدق [illegible] او هم

عذیر کناس

شبهه در معجزات انجناب نوشت
پس چرا ایمان نیاوردند و انقدر معارضه و مجادله و قتل نفوس نمودند

صاحب کریف شما که گفتید یهود بوده معاند بوده

عذیر کناس خوب اگر هیرودس میامد خدمت مسیح و اظهار
میکرد که بیدرم یا برادرم از بنده کمی تا من ایمان اورم و مسیح میدید [illegible]
قصه شرح داده در معجزه است ایا قبول میکرد و بر او [illegible]

صاحب کریف نه نه فایده نداشت از برای هیرودس
ظالم اگر هزار معجزه میاورد ایمان بمسیح نمیاورد چون معاند بود

عذیر کناس صاحب کریف این طایفه هم که در این ایه شریفه
اول باب اول معجزه خواستند حتی عرض بت پرستان گفتند که معجزات
انبیا سلف را دانسته و فهمیده و معجزات انجناب را شنیده و دیده
گفتند و ایمان نیاوردند و پیغمبر ما از انها مایوس بود بجز انکه خداوند
بانجناب داده بود که در چند ایه قبل از این ایه ذکر شده خداوند
فرموده وان یروا کل ایة لا یؤمنوا بها و تمام ایات قبل از این

یا غرض شخص [illegible]
معجزات هیرودس [illegible]
کند با او [illegible] کند [illegible]
[illegible] در سینه کسی بود
چرا که همه روزه دیده
و شنیده بودم

وبعد ازان درخدمت انبات پیغمبر صم میفهمند که اینها تجربه خواهند عف
کرده معجزه بیاورد بلکه بعض کتاب تمام معجزات او را اکثرشان مینمودند
ایمان نیاوردند و هرگاه با این وضع و اطلاع از حال انها اظهار معجزه
مینمود اولا که عمل لغو بود و لغو از انبیاء سر نمیزد و ثانیا چون مطلق
میشه تجربه و استهزاء انجامیت لابد عذاب نازل میشه چنانچه تمام
طبقات تا الکهای ملت انبیاء سلف همین قسم بوده که بعد از خواستن
معجزه هرگاه استهزاء مینمودند عذاب نازل میشه و پیغمبر ما پیغمبر رحمت بود
علاوه میفهمیدند که در اخلاف انها هستند که جمله ایمان خواهند اورد
چون کلام باینجا رسید زنگ ساعت زده صاحب الغرض برخواست ادوارم تعطیل
تمام شد گفت دیگر فرصت ندارم فردا زودتر بیا باز صحبت میکنم ابن الفضل کلاهش برداشت
مرخص شده سر راه خود رفت ... حلقهٔ صدق زیر بغل کردم نفهمیدم چه قدر وقت دیدن امکم

یوم یکشنبه ۱۴ لاعذیر وارد شدم در درب خانهٔ کرسف بجهة سؤال و جواب باب
اول از کتاب مشکوة صدق این دفعه دیره زن مزاحمت ننمود بلکه تعارف
رسمی نمود گفت صاحب منتظر شما است داخل شدم دیدم کرسف با زنش با یک
سگ پشم الو در روی نیمکت نشسته چند کتاب مقابلش نهاده میان خودش
و زنش سگ نجس نزد خانمش مقابلش صندلی بود رفتم مقابلش نشستم گفت
مسلمان آقا بیا که من تو روبرو بودن به از پهلو بود



بعد از ملاحظه ات تعارف رسمی کتاب مشکوة صدق را در آوردم گفتم خواهم
مقصود شما از باب اول این کتاب چیست معنی مختصر یعنی کلام خود را مختصر
کنید شما کلام مردم را مختصر نکنید کلام مردم را هر چه مختصر میشود از بهشت
گفت اهل تفاسیر وجوه تفسیرات که در آیات وارد شده آنچه مقصود شما است
بگوئید و جواب بشنوید اگر هم ایرادی بکلام اهل تفسیر دارید آنهم بگوئید جواب

بشنوید

بشنوید مراد خود را مختصر بگوئید من کار دارم شما بیکارید باب اول
چیست   صاحب کرسف

لاعذیر پیغمبر با معجزه میشود و پیغمبر را بدون معجزه تحقیق میشود یا خیر

لاعذیر شریعت پیغمبر شریعت با براهان ثابت کامل میشود که معلوم شود دین خوب بود [illegible]

کرسف لاعذیر پیغمبر شما معجزه نداشته و از سابق هم خبر نداده

عذیر پیغمبر شما هم مانند صاحب معجزه نداشته اگر داشته بیان کنید تا مرا جواب
قرار داد بعد از بیان معجزه پیغمبر خود ما را بیان کنم

کرسف مگر شما پیغمبر ما را قبول ندارید که منکر معجزه او میشوید مسلمانان
که عیسی را قبول دارند

عذیر مسلمانان عیسی را از تصدیق قرآن و پیغمبر خودمان قبول نمودند [illegible]
والا انوجیلی که نصاری بیان میکنند در اثبات مسیح محل اعتنا مسلمانان
نیست سندی در دست شما نیست مسلمانان شما و یهود دین را با کتاب
میگوئید یعنی توراة و انجیل در دست شما نیست آنچه هست امروزه آن
توراة و انجیل منزل نیست اینها را خود شما [illegible] تواریخ است احکامش
خلاف عقل قطعی است زیرا که از [illegible] انجیل نسبت به مسیح داده اند شما

[illegible]

سؤال [illegible] نمود [illegible]
[illegible] بعد از [illegible]
[illegible]

۳
[illegible] عیسی
[illegible] امام
[illegible]
چنانچه [illegible]

این شش الجمیره رخیت اگر دیده خود شما تصدیق دارد کریسف لاغیر
ما از قران شما دلیل میدارم که پیغمبر شما معجزه نداشته و این خلاصه باب
اول از کتاب مشکوة صدق است

لاغیر میگوید دلیل میدارم بیان کنید بجز قول نیست هر چه خیال چیزها
میگویم

کریسف پنج ایات از قران
دلالت دارد بر انکه کفار از پیغمبر شما معجزه خواستند و در ان طفره رفت
یکی در سوره انعام که روز گذشته گفتگو داشتیم وقالوا لولا نزل الایة
دوم در سوره اعراف ایه ۲۰۲ واذا لم تاتهم بایة قالوا لولا اجتبیتها
قل انما اتبع ما یوحی الی من ربی هذا بصائر من ربکم وهدی
ورحمة لقوم یؤمنون
۳ در سوره رعد ایه ۸ ویقول الذین کفروا لولا انزل علیه ایة
من ربه انما انت منذر ولکل قوم هاد
۴ سوره بنی اسرائیل ایه ۶۱ وما منعنا ان نرسل بالایات الا
ان کذب بها الاولون الایة
۵ سوره عنکبوت ایه ۴۹ وقالوا لولا انزل علیه ایات من ربه

قل انما الایات عند الله وانما انا نذیر مبین الایة حاصل این
پنج ایه انکه کفار از پیغمبر شما معجزه خواستند و طفره رفت و در کتاب مشکوة
صدق مطلب همین است لکن چون معاندانه و کلام تفاسیر و تحقیقات
فرنگها نابکار شده طولانی شده

غذیر در اناجیل شما است در احوال یهود که گفتند این دروغها نصاری
در آورده و عیسی از خود اینها یعنی انهم از نوع بشر بوده بت کرده بود نجار بود
از ضیق معیشت مدعی نبوت گردید و ما در همه جهت موضع از او معجزه خواستیم
که دلیل صدق او باشد غیر از فحش جواب دیگری نشنیدیم و ما مسلمانان
از قول طرفین شما و یهود دیاباری و عزیز هم و موسی و عیسی را پیغمبر میدانیم
از تصدیق قران خود مان و معجز اینکه در قران از انها نقل شده نه انهائیکه (حضرت سلیمان [illegible])
شما نقل میکنید در توراة و انجیل ساخته اند نه اینکه در دست شما هست که خود لفظ [illegible]

کریسف یهود دیها دروغ میگفتند معجزات حضرت عیسی زیاد بود
شایع شده بود لازم نیست برای هر یک نفر معجزه اورد وقتیکه خارق عادت
از پیغمبری معلوم شد دیگر اظهار آن بی فایده است خصوصا وقتیکه اغراض شخصی داده باشد

غذیر کفر است پرست هم دروغ میگفتند معجزات پیغمبر شما شایع شده بود
لازم نیست برای یک نفر معجزه اورد خصوصا در وقتیکه پیغمبر بهانه انها که

یعنی قرآن معجزه نیست که خدا وسبب هدایت در حقیقت آن برای
کسی نیست که یاقت ایمان آوردی دارند اما معجزه بودن قرآن حقیقت است
از زمان بعثت پیغمبر تا در مکه معظمه تحدی بتوان عظیم [illegible] این
مطلب هم در قرآن بیان شده که دعوت شده کسی نیست مثل این را قرآن
یک آیه مثل او بیاورند ۲ [illegible] صاحب کشف [illegible] صاحب مشکوة [illegible]
از علماء بیت المقدس است این قدر زحمت کشیده در تصنیف این کتاب
و جمع نمودن تفاسیر و کتاب عام و خاص بجهة ثبوت آوردن احکام
و قوانین قرآن خوب بود کاری بهتر از این [illegible] تا از این [illegible] اوقات
صرف کند یک سوره مثل این قرآن بیاورد اهل اسلام بقول شما
بلکه خوب است [illegible] الفلیس و سایر [illegible] عیسوی که [illegible]
[illegible] کیسه [illegible] مسیحی [illegible] و با شاگل
مثل و در قرآن [illegible] دعوت کنید [illegible]
[illegible] خوب است این زحمت [illegible] تحمل بشوند [illegible] یک قرآن جعل
کنند مثل این قرآن که [illegible] تحمل خارج [illegible]
با هم اجماع [illegible] بلکه یک سوره مثل سوره قرآن بلکه یک مطلب مثل

معجزه میخواهند مقصود ایشان ایذاء و تجزیه است و هر قدر معجزه بیاورد ایمان
نخواهند آورد چنانچه روز گذشته [illegible] که خداوند برسولش خبر داده که این
جماعت هر قدر معجزه ببینند ایمان نخواهند آورد که در چند جا [illegible] از آیه
اول در قرآن خداوند میفرماید ولو [illegible] وان یروا کل آیة لا یؤمنوا بها هر قدر
معجزه رؤیت کنند ایمان نخواهند آورد مقصود آنکه پیغمبران سر خود نیستند
[illegible] خداوند هر کس مامور شدند در اظهار معجزه [illegible] کنند و هر که
مامور باشند و خداوند مصلحت بداند اظهار کنند چنانچه در این آیات واقع
بعضی اشاره شده که بگو ای پیغمبر آیات از جانب خداوند است و ما
امت سر خود نیستیم [illegible] مصلحت داند بخواهیم [illegible]
[illegible] غیر بین معنای قرآن شما و کلمات اهل تفاسیر تفاوت
عظیمی است زیرا که در قرآن ذکر نشده [illegible] قرآن معجزه است و در تفاسیر
[illegible] ذکر شده که قرآن چون معجزه بود کفایت میکرد لذا ایشان معجزه دیگر
و این مطلب [illegible] در ملاحظات کتاب مشکوة صدق بیان شد
غیر از چشم شما [illegible] و گوش شما [illegible]
[illegible] که [illegible] استدلال [illegible] مطلب [illegible] داشت
هذا بصائر من ربکم وهدی ورحمة لقوم یؤمنون یعنی

مطالب قرآن باشد چاپ کنند در میان مسلمانان که اتمام حجت تمام شود
و اگر از عهده بر نیایند استعانت بجویند از سایر کفار مثل یهود و بت
پرستان و هنود و چینیان و سایر فرق کفار بلکه شیاطین نیز کمک خود
بنمایند یک سوره قرآن درست کنند اگر هم ممکن نشد آنوقت تصدیق باعجاز
قرآن کنید صاحب کریسف این زحمات شما بیفایده است کتب بی حرف
تصنیف نکنید و اعیان مسیحی در اطراف عالم منتشر نکنید این قدر
ضرر به دولت و ملت خود نزنید بجهت کار بیفایده و اگر شما ذره ادراک داشته
باشید و تدبر نمایید می‌بینید که این زمان مدید که تحدی بقرآن شده و این
جماعت کثیره که در صدد اطفاء فتنه و فساد در ملت اسلام بوده‌اند و قادر نشده
یک سوره مانند سور قرآن بیاورند دلیل قطعی است بر اعجاز قرآن بلکه فوق
همه معجزه‌های انبیاء سلف است که باقی است تا روز قیامت دیگر [illegible]
و [illegible] و سایر معجزه‌های پیغمبران سلف که نباشد هر کدام را به هر طریقی شما
[illegible] نمایید ما بهتر از آن را به آن طریق بیان خواهیم نمود کریسف چون
کلام باینجا رسید دست دراز نمود کتابهای روی میز را ورق ورق نموده
چند سیگار کشید قدری کتاب مشکوة [illegible] را مطالعه نمود من هم تماشای

وضع رفتار

وضع رفتار و اسباب خانه او نمودم سر بلا [illegible] و الحمد به هیئت [illegible]

کریسف   لاعذیر ما به معجزات پیغمبران که در مذاهب [illegible] چه می‌گویید
عیسی فلان معجزه داشت شما می‌گویید اینها را هم طریقی نداریم غیر از تصدیق
اناجیل و اقوال عیسویان و شما هیچ کدام را قبول ندارید و کلام ما را
چطور بجا می‌آورید لکن شما می‌گویید پیغمبر ما معجزه داشته که همین قرآن باشد
که تا روز قیامت هست معجزه بودن آنرا معلوم کنید

لاعذیر   معجزه چیز چه اول شما بیان آنرا بنمایید

کریسف   کار پیغمبر باید کند که عموم مردم قدرت آنرا نداشته و عاجز
باشند از مثل آوردن مثل آن مثل شکافتن دریا و زنده نمودن مرده

لاعذیر   شما تصدیق دارید که این قرآن را در هزار و سیصد و کسری پیش [illegible]
صلی الله علیه و آله ابراز نمود و مدعی شده که از جانب خدا آمده است و از صدق این معجزه
هرگاه تمام جن و انس جمع شوند مانند یک سوره آن نخواهند آورد

کریسف   این قرآن زیاد و کم دارد و بعضی اختلاف است و در بعض الفاظش بجهت
قواعد عربیت موافق نشده

لاعذیر   دروغ نگو زیرا که آن طایفه نمی‌دانند جز قوم مسلمانان است که این
ما انزل الله حقیقی قرآن منزل است نهایت اختلاف قراء علاوه است

که بازهم بعد اسقاط شده واما موافق نبودن با قواعد عربیت خیلی عجیب است
از سوء فهم تو که اینقدر با المطلع عزی از میزان عربیت که تمام علماء صناعت
عربیت حجت هر قاعده از قواعد عربیت را موافقت بلاغت قران میگیرند
از احمق اگرچه حجت نمود درایات قرانیه حجت در قواعد عربیت است
وحاصل الکلام علماء عربیت مستفق هستند بر اینکه جمیع ایات قرانیه مطابق
با قواعد عربیت است واما اختلاف قراءت باعث زیادتی بلاغت و فصاحت
قران است که مطابق با لحان مختلف لغات اعراب است حاصل مطلب فی
اینکه مانحن الدعیتی معجزه است و بیان تحدی شده و از زمان نزول الی الان
تمام فصحا و بلغاء عالم در صدد معارضه مانند ان بیاورند نتوانسته خصوصا از شش لیستوا له

در سن نوزده
وخط نوشته
و تعلیم نگرفته
صح

کریسف از یکی غیراز الکم این مطلب بالاخره راجع میشود بدان مذهب
خود تان شش معجزات اسلام ادعا میکنیم از عیسی

ملا غدیر شما عیسیان مذهب خود هرگاه تصدیق کنند در امر از قران قبول
دارید یا انها را کاذب میدانید

کریسف مالکات عیسیان خود مانند وحی منزل میدانیم هرچه بگویند
مقبول است بلکه گفتن قول او قول مسیح ملا غدیر حرجیس صال
صاحب عیسی لندرفرق پروتستنت که دشمن بزرگ مسلمانان

در کتاب

در کتاب حقه در صفحه ۱۹) و ۸۹) که بزبان انگلیسی بعد
و ترجمه عربی شده و ترجمه فارسی او این است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله
جل افتخار خویش بود بر معجزه قران قرار داده بود برای اثبات بعثت و نبوت
و رسالت خویش و قران تحدی مینمود و طلب معارضه مینمود از فصحاء و بلغاء
عرب که جزیرة العرب در ان وقت مملو بود از الوف ایشان که فصاحت
صنعت ایشان بود که شرف و فخر و مباهات ایشان بود و حضرت محمد
نداء در میداد در میان ایشان از برای تعجیز ایشان که بیاورند سوره از مثل
قران (اشاره) ایه ۹ از سوره الاسری و ایه ۲ سوره بقره و ایه
۱۶ سوره هود و از خواهد بسیاری است نزد من که ثابت میشود از انها که عرب
در انوقت ارباب این صنعت بودند انها متعجب ساخت ایشانرا از قران
حسن نظم و تالیفش لکن فی الحقیقة حکیم برابر کی شده از انها
و ان این است که لبید بن ربیعه که از عقلای عرب بود از جهة صدقت ذهن
و ذکاوت و در ایام حضرت محمد چون معلق کرد قصیده خود بود در
کعبه و این فخر بود که بان غیر لبید ملزم منظومات معززه و اصل از عول
شعرای عرب جرئت و جسارت نکرد بر مبارزتش در این امر پس
چون سوره مبارکه بقره از قران مجید از جانب ان قصیده اویزان شد

حرف لبید که دران وقت مشرکین بوده اند و نفوا کرده و نخوانده از سوره مبارکه
مرفوقات ادعا بود تا اینکه از حسن نظمش بغایت متعجب گردیده دیگر را
متیقن شده به یقینیکه قرآن دعوت میکرد بسوی او و گفت کسی قادر نمیشود بر
مثل این کلام مگر اینکه وحی شود بسوی او و لبید بعد از آن کثیر المنفعه
بود برای حضرت محمد ص زیرا که رد میکرد از آن حضرت هجو مشرکین بود و لبید
هجو امرء القیس نمود که ملک قبیله بنی اسد بود و صاحب یکی از معلقات
سبعه مشهوره بود انتهی پس از کلام مبین قسیس معلوم میشود که حرف
نصاری قبول دارند اعجاز قرآن را و تا بحال هیچ خارج مذهبی نقض این معجزه
مذاهب غیر بود نکرده

کریسف: من کتاب جرجیس سال ندیده ام لکن سخن چنین مطلبی نوشته
باشد چرا خود من ببینم نصاری باقی بود و جواب بر بعضی دیگر از عرب ایمان
نیاوردند هرگاه معجزه قطعی باشد باید هر کس مطلع شود ایمان آورد

ما عذیر: این مطلب مسلمه شماست جمیع کفار است که هرگاه بعد از اتمام حجت
برایشان باشد متعذر نیست شد انا وجدنا آباءنا علی امة ما پدران خود را
دیدیم نصاری بعضی مام تابع آنها هستیم از شما میپرسم چرا یهود دنیا مسیح
ایمان نیاوردند پس چون آنها ایمان نیاوردند معلوم میشود معجزات

مسیح

اولا در زمان ایمان نیاورده باشد
همین تصدیق و اعتقاد منصف نبود او
دلیل بر اینکه باطل محض نبوده
چنانچه از حال اعیان از منصفان
فرق ضاله معلوم شده که کتمان
ایمان خود نموده اند
و تا نیا ص

مسیح قطعی نبوده اگر تحقیق شده نزد شما که قرآن باین جهت معجزه باید
ایمان آورید ولو جمیع دنیا ایمان نیاورند و اگر هم بگوئید این
مطلب را قبول ندارم و کلمات قسیس را حرف دروغ میدانم بگو تا بیان
دیگر کنم تا اینکه حرف من بینه امروز تمام فرق کفار عاجزند از آوردن
مثل یک سوره از سور قرآن با تمام قوای خود در دنیا ملت اسلام و جمیع
ملت نصاری چون کلام باینجا رسید سکوت کردم او برخواست نزد انگریز
ادعا نقل نمود کریسف حرص بحثی تمام شد و گفت بهتر آنکه یعنیه و دلت
مرا گرفت امروز بس است فردا بیا تتمه کلام صحبت میشود برخواستم
تنجیم و کنجکاوی بسیار برداشته رو براه شدم بکریسف گفتم فردا یوم پنجشنبه است
یوم عرض احوالات خوشی ندارم این مذاکرات در روزنامه احکام مندرج شده
پس خود را میفرستم انهم قابل است باب سیم از کتاب شکوه صحه قاعه
با او صحبت کن کلام حق یکی است چه بمن چه بیه

لاغذیر اول آفتاب یوم پنجشنبه ۱٤ واردخانه کرسف شدم دیدم
خوابیده زنش بالای سرش شیر لنامه سک چشم الو نگاه کاهی میل مکیدن با نه
بان کیلاس میاله زن ان سلو مخالفت نکنه گفتم اینی نجس شده
بایه طرفش ببره کجا مال کجا گفت مطالب مال کل ما مانقه کرسف
برخواسته ان شیر که چند بنی نجاست ررا درایت عمه خورد عجب دران بعد
ان کیلاس را خیلی بمن تعارف میکرد گفتم خواهی که نجاست غوطه بخورم لکن
نخوردم شما هم غوطه بخورید وهم اقسام نجاسات را بخورید
کرسف گفت دیروز که شما نجا بود پیر شما خیلی تند است کار رساله
عمه حجت بیرشتی نیشه از قضا مطلب مادر چهار رده ایراد ابد
که ذکر شده که عمه ۳ بتندی ماموریه سؤال وجواب شده داو مطلب جان دلیل ارد
لاغذیر خوب واقعا صاحب مطلب این باب حرم چه بود شما میدانم
ایراد که ادارید یا به پیغمبر یا بقران تا ره ایراد سکینه که پیغمبر مبعوث
نشده که باکراه خلق را مسلمان کنه که لعنت الجناب بونقه یی
سکینه نهایت ایراد در اعمال الجناب دارید و آخری میگوید لعنت
رسل وانزال کتب باکراه نبود و آخری ایراد بر صفحاتی کتاب
عزیز سکینه خوب است محل نزاع عقیدی کنه که من بدانم چگونه باید

باشما سؤال وجواب بکنم

کریف مطلب باب دوم اثبات نبوت مسیح و الوهیت اوست به طریقی
ثابت شود

لاعذیر عجب دعوی بدیهیه ثابت نشود خوب ازشما سؤال میکنم شما
نبوت محمد بن عبد الله را چونکه سابق مذاکره شد یقین دارید یا نه یا یقین
به بطلان آن دارید یا شکوک است نزد شما صدق و کذبش احتمال میدهید
الحال واقع قلب شما است بیان کنید

کریف من شک دارم در رسالت آن جناب اگر بگویم یقین دارم به بطلان
شما میگوئید مدلل کنید از کجا یقین پیدا کرده و یقین به رسالت هم تکلیف
حقه ندارم اظهار کنم شک دارم بر شما است که مدلل دارید رسالت آن جناب را

لاعذیر هیچ میدانید در شک زیاد از یقین شک در ما هم موجب شک در دیگر است

کریف شما میگوئید من از روی بی علمی حرف زده باشم بلی و لکن اگر [illegible]
بقول این علیه [illegible] میکنید من [illegible] چیست و معنی در شما
چیست

لاعذیر اگر شما در تاریک خانه باشید و بدانید الان یا روز است یا شب
هر گاه شک داشته باشید که الان روز است یا نه شک دارید که الان شب است

بایقین

با یقین به بعضی شک در روز ممکن نیست

کریف مقصود چیست باین مقدمات چه چیز ثابت شود

لاعذیر شک در نبوت محمد بن عبد الله با یقین به بقای رسالت مسیح
و دعوی الوهیت منافی است زیرا شما که میگوئید نبوت محمد نزد من مشکوک است
دایم باید از همه فرقه خارج شوید یا عمل به شریعتی بکنید پس شما
خودتان مشکوک و متیقن قرار داده اید از روی عصبیت

کریف من نفهمیدم چه شد و از زبان چه درآمد که شما ادعا غلبه
میکنید باید فکر کنم مقصود جواب از باب دوم بعد بگوئیم

لاعذیر مقصود من هم جواب از همه کتب شما بود زیرا اگر شما یقین
دارید بالوهیت مسیح بگوئید دلیل شما چیست کتابها [illegible] که انصاف
باین خواهید قطعیه مدعی الوهیت مسیح اند تا آنکه مسلمانان هم این
طریق سوگرفته بر شما مدلل دارند رسالت پیغمبر خودشان که موسی و عیسی این
نشود باین حساب که شما شک داشتید در دین خود دارید چگونه در صدد
مجادله با خصم حرف بزنید آمده اید

کریف حالا من بت پرست شما از کی اثبات نبوت پیغمبر حرف
میکنید

ملا عزیز شما فرض نکنید یهودی آمده و حرف پیش شما چه نوع اثبات از نبوت
مسیح میکنید

کرسف یهودیها با تورات که انها جهودند ملزم بپیشگوییات اند انهم
معجزات مسیح را منکرند

ملا عزیز بعینه شما هم مثل ایشان هست شما هم با این همه معجزات و خارق
عادات پیغمبر ما که بضرورت و بداهت ثابت شده است شما منکر شده
با انکه باکمال پیغمبری انحضرت معجزات محمد بن عبدالله بیا بوده زیرا که آیات
سایر رسل بر سبیل حصر بود یک وقت بود [illegible] بود لکن محمد بن عبدالله
در هر روزی از انجناب آیات باهرات ظاهر شده و غالب علما یهود
و دیر نشینان و رهبانان نصاری که طالب حق بودند و چشم بر ریاست دنیا
نداشتند ایمان اوردند از آیات باهرات انجناب شما و امثال شما که
بقول خودتان سالها یکصد و هفتاد و پنج کرور [illegible] مال اهل ایمان
فروختنی دارید بچه دل خوشی رست از ایمان ابا نموده حرف بردارید که بشما
پول میدهد

کرسف شما بخیال ایمان یکصد و هفتاد و پنج کرور بمن میدهند که ما صد تومان
بیشتر از این وجه نمی موظف نیستم بقیه بخارج [illegible] پیدا میکنم

ملا عزیز میخواهم بدانم این مبلغ از دولت شما میرسد یا از عموم ملت
نصاری

نصاری

کرسف فراوانی وجه از ادارات مریضخانه میشود لکن عمده پولش از وجوه
صحیح میشود یکی از چیزهای کارخانهای بزرگ که در اروپا افتتاح شده
که در هر روزی زیاده از یک ملیون لیره عایدی معروف مسلمات است
و یکی دیگر از مادستگاه خانها که در اروپا مهیا شده محض رفاهیت
ملت در هر روزی ده ملیون لیره عایدی دارد این گونه ابواب دخل
در ایران شما نیست وجه اعانه داعیان مسیحی ازاین محل پیدا میشود

ملا عزیز عجب وجه مطلبی که اولا شما باطلی میناییم عجب مصرفی
صرف میشود خوب صاحب شما در این باب هم که چیزی داده ایم
قرار گذاشته اهل شرع که دین باید با اکراه نباشد بلکه با رشد و ایمان
پرواضح است آخر پول هم مثل شمشیر است و اما شمشیر بعد از معلوم شدن
حق و باطل چه ضرر دارد اهل باطل را دنبال کردن خصوص وقتیکه
در صدد واحیای باطل باشند و اما ترویج حق مثلا هرگاه ملت نصاری و داعیان
مسیحی زمانیکه یهود مسیح را مصلوب میساختند بفریاد یا یا از مسیح میکردند
و مجادله و نزاع با ظالمان مینمودند و میگفتند لا اکراه فی الدین یا کم
انها را میکشتند

کرسف   چطور که نیکه در صدد قتل خداوند مسیح بر آمده بودند
ایشان را نکشتند بلکه هرگاه بعضی ایشان را توهین میزدند لکن اگر یک جا عرضه
بگیرند بگوئید یا مسلمان شو یا ترا بکشیم این خوب نیست

لاعزیز   پیشکی شما خیلی بی اطلاعید لذا اول بعثت پیغمبر ص در مکه معظمه
یک نفر تنها و یک عالم دشمن چطور اگر او فرض میتوانست ...
در کوچه و بازار میگردید و میفرمود قولوا لا اله الا الله تفلحوا و کفار
انجناب را اذیت میکردند تا بعد از آنکه حق واضح شد و جمع کثیری مشرف باسلام
مشرف شدند کفار در صدد قتل پیغمبر ص و اصحاب انجناب و اضمحلال
اسلام بر آمدند این غزوات پیدا شد غالباً سؤالات و ایرادات شما
و ابناء جنس شما از جهالت و بی اطلاعی است

کرسف   شما چه جواب داده اید از این چند آیه که از قرآن خودتان
معلوم شده که پیغمبر شما مأمور بوده با شمشیر مردم را دعوت کند و اخذ
غنائم و اموال کند چه در این صورت رسالت او ثابت است و انا ارسلناک و ما
ارسلناک الا مبشرا و نذیرا جهت چه بوده که از صدد خود تجاوز کرده

لاعزیز   سایر انبیاء سلف هم میخواهم بدانم جهت ارسال ایشان چه بود

کرسف   کلیه بعثت رسل و انزال کتب بجهت بشارت و انذار است انبیاء
کاری دیگر نداشتند

لاعزیز

لاعزیز   جهت چه بوده که تمام انبیاء با کفار جهاد و قتل و کشتی کرده‌اند مثل
ابراهیم و موسی و سایرین غیر از حضرت عیسی که تا بجنگ پیدا نکرده و الا در صدد
جهاد بر آمد چنانچه در انجیل شما هست که داخل بازار شد و کرسی صرافها و تخت کبوتر
فروشان را سرنگون نمود بچه جهت تخت و کرسی سرنگون کرد و از صدد خود که بشارت
و انذار بود تجاوز نمود و نیز ابراهیم و موسی و سایر پیغمبران که قتل و کشتی نمودند
از صدد خود تجاوز نمودند و در جای دیگر میگوید ... که لکنت تورات و انجیل ... از راه شیطنه ...

کرسف   لابد از جانب خداوند مأمور بوده‌اند سرخود نکرده‌اند

لاعزیز   واقعاً شما خیلی ... اینها چه میگوئید صاحب علم را رسی
رسل و انزال کتب هرگاه منحصر باشد باین دو چیز بشارت و انذار منافات ندارد
که خداوند از روی مصالح و حکمت تکالیف دیگر را برای تمام امت با خصوص انبیاء
قرار دهد و این منحصر بجز نه و جهاد در شریعت ما از جمله فروع دین است
همچنانکه تمام امت مأمور بوده باقامه صلوة که ... مأمور بوده بجهت فرستادن
در جهاد با کفار شما ابدا اطلاع از اصول دین و فروع این شریعت مقدسه ندارید
لیکن بگوئی شما خودتان نفهمیده ایراد میکنید خودتان وقت خود را تلف میکنید
مسلمانان میگوئید چه قدر فرنگیان ...

کرسف — ازکی حرکت ما مسلمانان معلوم شد با این همه اعتراضات که ما
اهانت میکنیم که عقل مسلمانان هنوز بحد ادراک اینها نرسیده [illegible] صاحب و
وجنس الصورت و غیره و غیره
لاعزیز — صاحب شما با این اعتراضات تمسک نمودید بعقل اهل جنس
خود زیرا که مسلمانان اولاد این وادی که شما اسم مینهید بر فرض هم خواسته
باشند داخل شوند اسباب از برای ایشان هیچ نیست
مثلاً هرگاه مرد ... شرع که اصل از فرنگیان مثل مرد ماهر این کار نیست دلیل
دلیل عقل خود برای نهایت بعقالات زیرا که اینها در این خط نیستند و هر کسی
از خود سو میزند کی از اینها داخل این صنعت نشده تا معلوم شود باندازه مرد
میرسد یا ماهرتر میشود
مسلمانان اهم امور اینها تحصیل آخرت است زیرا که غیر از این عالم عالم دیگر
معتقدند که این عالم عبارت از منازل آخرت و تمام قوای فکریه خود در تعمیر
آن عالم بلکه معروف میدارند چندان در بند این عالم نیستند و اگر احیاناً
بجهت ترتیب معاش داخل در صنعتی شوند تمام خیال ایشان نیست این جهت
صنایعشان ترقی نکرده

وتنها وقت تکمیل صنعت ندارند زیرا که اغلب اوقات شب و روز خود
بعبادات حق مصروف دارند و جزئی وقت دیگر باین اندازه نیست که تکمیل
صنعت کنند میخواهند نان پیدا کنند
آقا شما معتقدین مذهب حق که غیر از این عالم عالم دیگر تقریر ملزم داده اید
و در اینجا هم تکلیف ندارید چه در حقیقت جنس اسم شما نسبت بمسیح میدهید که
گفت خته نکنید که در قید تکلیف افتید و بنابراین شما خود دوش بلا مانع تکلیف
میدانید تمام مشتهیات نفس نیز بجا بیاورید ابداً اعتقادی ندارید و هیچ در دنیا
ندارید غیر از تعمیر بنای خود اگرچه معلوم است که با این حالت طبایع شما باید خیلی تکمیل
بلکه این اندازه هم با این حالت شما و تیقنات اسباب کم است اگر ایرانیان
چنان باشند قطعاً فاضلتر خواهند بود
چون کلام باینجا رسید یعقوب کرسف در حالیکه برگشته هر دو تیز بخود روی نمود
که پس حالا او بخود برگشته رو بکرسف کتاب مشکوة صدق الله که در دستش بود
حوالۀ او نموده کتابرا بادب بجا دید خواهی برداشته و دنبال ... ۴
اسباب برداشتم از خانه بیرون آمدم
اول آفتاب یوم چهارشنبه ۱۴ ربیع بخانۀ کرسف رفتم چون در ب
خانه رسیدم کرسف بودیم رانت الیشم شعار با بخود خانه کلاب



بیوار دل نخود قرار جدا ایستادم ترسیدم خجالت بکشد که در اینجا لباس همه

کنه ازدار قربان مخفی لاقیدیر بیابیا پیشش رفتم دیدم دستش بر سلمان خوامیده

که ترشی ت دل خوب بکورد بپیشش رفت سلام ردش نمود گفتم خواهم ثابت

الفلانه دارید اخر سلیس نمیشد شما چه رسوا دارید چرا نشسته دول یکلیه را ظلیر

یکلیه تمام پیچ ندارید نه تربیت دارید نه اطلاع دارید اتو عرفیت لامقت

شوید شما در عالم نه مسلمانان همیشه این چه رسم است این چه عادت

کریسف: لاقیدیر شما روز اسلام مطلق گفته جواب باب دوم داده شد

در جواب چند دلایل باب دوم از آیات قرآن نمی فهمم اخر کتاب مشکوة صدق

احصش ذکر شده جواب انها داده نشد

لاقیدیر: من از ریش پیرم شما از پیش جواب همه باب دوم را فقره

فقره جواب دادم باز شما قانع نشده اید حالا بگوئید جوابی تکرار کنم

کریسف: اول اینکه اجبار و جدال از وظیفه پیغمبر خارج است

ختم

لاقیدیر: اگر در کلمه ادیان بیکویه جواب دادم نقطه‌گاه تمام خرابی ست تمام حتی

شریعت شما که در انجیل است که عیسی لحرات لا دهد داد اذیت بنی اسرائیل

برای که کوس رحمت حرافان دیگر ترفروش را سر نکون نمود درخت انجیر

مردم نو خود نمود فقط الکه در عرض انجیل غلاست که هزار ایات دراین

اینکه شما نسبت بانجناب میدهید وارد است که انجناب این دعوی را این

نسبتها اسلام شما میزنید بانجناب وحالا اگر سابقا گفتم که قبل از اتمام حجت

بیان خداوندی بر اکراه نشده چه قسم باختیار رسیده است وبعد از اتمام حجت

هرگاه کفار در صدد انبیاء وحضرت بادین خدا ورسول خدا براینه بر پیغمبران

ودنیا بیان انها لازم است که دفع اشرار اعداء دین نمایند ومنافات با عقل ندارد

نه عقلا و نه شرعا وازاین قبیل است غزوات پیغمبر ما صلی الله علیه وآله

کریسف: دوم جواز رسانیدن با انکه از پیغمبر رفتن دعوت کاره

جسته جائز نبود

قدیر: هرگاه مقصود قتال کردن با مسلمانان مقصود شما باشد اول

دوم جواب ... که حد بسیار ... اما تو رفع کنند

کریسف: سیم اینکه واجب نبود که کسی را از دادن صدقه باز داشت

منع کند

قدیر: واقعا شما چه قدر بی عقلید صدقه از عبادات است مقصود از

عبادات ان است که بنده را بخداوند مقرب پروردگار شود وعلامت مقربیت

فرض شد در جهاد کردن با دشمنان خدا

اربعة — چهارم بیان ان کاری بیاشد که مجبور کردن آن درست نه شد وان خرده وادف وجم کردن بعد وانیکه عل ادشخر بانی صد بعد

لا ادر — این چهار وجه عین الفاظ کتاب مشکوة صدق است و نیز شاب تقا گفتم که علت بعث رسل و انزال کتب مجبور بودن با نزار و شریت منافات ندارد اوامر دیگر و احکام دیگر بود که از روی مصالح و مفاسد نوعیه باشد حفظت شیئا وفاتت عنک اشیاء شما چیزی بگوش شما خورده منتفیه کی با ید گفت بعثت پیغمبر صلی الله علیه واله با جبر نبود که شما میگوئید اگر جبر بود شما فعلا معدوم بودید ملاحظه فرمائید که در نهایت قوت و شوکت انجناب در مدینه طیبه فرقه فرقه یهود در مدینه ساکن بودند ابدا اکراهی و جبری با ایشان نشد با انکه جبر نمودن ان عده کم در ان زمان قوت در نهایت سهولت بود و در ان زمان نصاری کوچ میکردند از بلاد و بخدمت انجناب میرسیدند و بحجة مسیطیه نوبیض ایمان میاوردند بعضی نمیاوردند ابدا شما سراغ ندارید در هیچ جا شما ببرید انه مسیحی صدا و بر اوقتند شمشیر کشیده نه یا ایمان بیاور یا تو را میکشیم

اگر بخواهم ذکر فرامع بکنم در وقایعیکه در این باب واقع شده طول میکشد و فایده ندارد مقصود انکه شما هر گاه اعتراض به نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دیگر موقعی از سر این ایرادات بار دیگر عیب باشد و اگر هیچ فایده داری قرض کرد از برای شما لازمی بود بیان کردم دیگر این هم به معنی کفیق کلام مشکوة صدق

معنی ندارد و قران مجید ابدا مخالفت و منافی ندارد لا اکراه فی الدین با ایات جهاد و قتال با کفار ابدا تنافی ندارد چنانچه بیان شد و تفسیر و شروع کن عطا لب به بیستم مشکوة صدق که زیاد طول داده مختصر شکن

اربعة — تا ایه در این باب بسته دلالت شده بر انکه بعضی احکام شرع در زمان پیغمبر شما نسخ شده و این معنی ندارد چه در شرایع دیگر هم امر و نهی وارد شده تا اخر ان شریعت باقی بود و ابدا تغییر و تبدیل بالنسبة بازمان و اشخاص نداشت

لا ادر — در این خبر هیچ نمی نمیدانید که احکام از روی مصالح و مفاسد باشد اگر مصالح و مفاسد بالنسبة بازمان و اوقات و اشخاص فرق میکند و طعن در احکام شما است که ادعا میکنید که اوامر و نواهی شریعت ما ابدا تغییر و تبدیل بالنسبة با اوقات و اشخاص پیدا نکرد زیرا که واضح است که مصالح و مفاسد بالنسبة با اوقات مختلف خواهد بود این بود که هر وقتی باقتضای ان وقت احکامی مقتضی بود لذا خداوند پیغمبری را فرستاد چون باقتضای وقت مقتضی دیگر میامد پیغمبر دیگر میفرستاد که احکام اول را نسخ کند و احکام دیگر جاری کند اگر همیشه وقت یک اقتضا داشت تعدد رسل و احکام و کتاب معنی نداشت مگر انکه شما بگوئید احکام ما از روی مصالح و مفاسد نبوده است بعد به چنین حکمی ابد الدهر باقی باشد لکن هر روز کسی هم مخالف میشود بر خلاف است

کرنف — یه چه میگوئی در ایه اول ما ننسخ من ایة او ننسها نأت
بخیر منها او مثلها الم تعلم ان الله علی کل شی قدیر — که خداوند فرموده
ما نسخ نکنیم ایه‌ئیرا یا از یاد نکنیم از قلب تو ای پیغمبر مگر انکه ایه بهتر از ان
یا مثل ان نازل کنیم مگر نمیدانی که خداوند بر هر چیز قدرت دارد

لاقدیر — من چه میگویم این ایه با این معنی که کردی بکلی ظاهر میشود در
وقتیکه خداوند با قدرتی هر وقت از روی مصلحت ایه نازل کند بعد با قدرت
وقت دیگر از روی مصلحت دیگر او را نسخ کند یا زایل از قلب رسولش یا دیگران
کند و ایه بهتر یا مثل ان بفرستد واقعهٔ الحال امروز میکرده

کرنف — مسئله کننده عزیز در این ایه تفسیر این ایه سه نکته می‌بینم

لاقدیر — بیا بگو همین کلام مشکوة صدق الله که سه نکته او هستم میخواهی بگوئی

کرنف — نکته اول ان بسیاری از مشرکین و یهودیان بر دین اسلام طعن
میزدند و گمان میکنم صاحب انصاف باشد و نبیند که این طعن از دو جهت بوده

جهة اول — اینکه اهل عرب با قبیله که در قول خود مشهور اند چنانچه در کرم
نیز شهرت یافته‌اند پس صورت نزدشان ناپسندیده ترست از اینکه
قول خود را تغییر بدهند و وعده‌های خود را خلاف کنند پس چون دیدند
که محمد ص در انچه گفته بعد تغییر و تبدیل میداد بعض از قولش که حکم قبل داده بعد بر
خلاف و نسبت نمود دادکم انچه را که دیروز ذکر کرده امروز منع کرده بجهة اداء
انکار او از امور وی نفرت کردند زیرا که بخلاف عادت عرب میبود دین

اسلام سه بار بهم گذاشته که پیره‌زنی ان برای شخص عاقل مناسب نباشد کردن

وجهة دوم — این بود که یهود چیزی شنیدند از ان در شریعت حقه نیافتند و مانند ان
در پیغمبران پیش نیافته بودند زیرا که هیچ امر و هیچ نهی از اوامر و نواهی شریعتی که بموسی عطا
شده بود و بزبان او و بزبان یوشع که خلیفه وی بود منسوخ نگشت و جمیع
پیغمبران بعد از موسی تا عیسی شریعت موسی را چنانکه فرو فرستاده شده بود بدون
هیچ تغییر و تبدیل تصدیق میکردند پس چون یهود دیدند که محمد ص با انکه ادعای نبوت
میکردند فقط بعض از احکام توراة را منسوخ میکرد بلکه بسیاری از ان احکام که
که ادعا میشود که انها از جانب خدا فرستاده شده بجهت اختلاف وقت و محل
منسوخ میکردند انکار ادعای وی را داشتند و گفتند چونکه ان عمل در اثر چیهای
بسیاری منتشر دیده

لاقدیر — اولا خود رای عرب و خود رای یهود که صفت مذمومه است و ما گفتیم که
احکام و اقوال هرگاه از روی مصالح و مفاسد باشند تابع مصالح و مفاسدند
هرگاه مصالح و مفاسد نفس الامریه از اول شریعت الی اخره متحد باشد تغییر
نکنند بلکه از اول دنیا تا اخر دنیا احکام و اقوال همه به متحدات والا تغییر
خواهد کرد و انچه گفتی از دلالت اعراب بر رفض تصدیق چیست همانا بعد
نه در حکم و ثانیا یهود که گفتی در شریعت حقه نسخ نشنیده بعضی [illegible] در اوایل

لاقدیر — صاحب [illegible]

هم بسیار روی در خود ... [illegible]

دیگر بعضی بلکه بدانید جمله شرع حضرت [illegible] ناسخ شریعت حق جل بعضه بهائی و چه
که برونده [illegible] بخواستند حق فسخ در این شریعت نه حق کنند زیرا که فرقی نیست در نسخ بالنسبة
تا چهل سال در تورات [illegible] بانتهاء زمان رسالت و در بعض شریعت چه احکام تمام از جانب [illegible]
ذات مقدس پروردگار باشد و عجب قیاس نمی بعضی نمود که چون نسخ نزد شریعت
حضرت [illegible] گفته باید در این شریعت باشد با آنکه میدانسته که این شریعت
ناسخ تمام شرایع است و بنا نمی نسخ در شرع حضرت دلیل عقلی بر آنکه نسخ نیست

کشف

نکته دوم اینستکه چنین اتیان ناسخ بر ضعف قائل
حق دلالت میکند و حاشا که ضعف با عجز بر خدا وارد آید

خبر

اول تشریع نماز خداوند در شبانه روزی پنجاه رکعت واجب نمود
در لیلة معراج که حضرت ختمی مآب صلی الله علیه برحسب الخواهش حضرت موسی ع
خواهش تخفیف نمود از ذات مقدس پروردگار خداوند تخفیف داد به آنحضرت
الجناب تا حدیکه در شبانه روز صلوة واجب هفده رکعت شد بخواهم از اینجا
بپرسم این مطلب را از شما که تو بفرمائی که دلالت بر ضعف قائل کند
و هم چنین نماز رو به بیت المقدس در اول بعثت چون قلوب مسلمانان
بزبان [illegible] المعتاد خداوند چنین امر فرموده بود که [illegible]
عفة و مسلمانان قوت گرفتند [illegible]

حتم

قبله تبدیل شد بکعبه چه ضرر دارد و مثل در هر شریعت الطاهرة تبدیل
برحسب مراتب مردم بوده است که در اوائل بعثت هرگاه کعبه را قبله
مینمود مردم متنفر میشدند

و نیز کم کردن زمان عده استشان تا الان صاحب چه ضرر دارد یا یکنفر [illegible]
مقابل ده نفر در اوائل امر و یک نفر مقابل دو نفر اما خر چه مانع دارد از جهت
قوت و ضعف مردم خلاصه تبدیل احکام یا از جهت استشان [illegible]
یا از جهت تغییر احوال امت یا جهتی دیگر که باعث تغییر و تبدیل مصالح نفسی
الامر بگردد ابدا ضرر ندارد و اینگونه تغییرات و تبدیلات بالنسبة
تمام اوامر و نواهی سلاطین و جمیع عرفیه موجود است و ابدا نقصی نیست
اگر صاحب شریعه باعث نقص است انستکه در یک موضوع در زمان واحد
بالنسبة بشخص واحد دو حکم یا زیاده تشریع شود یا یک واقعه مختلف نقل کنند
مثل اختلافاتیکه در انا جیل ذکر شده

پس نتیجه نکته دوم صاحب باطل شد این کلمات [illegible]

کشف

نکته سوم درباره فراموش گردانیدن و منسیات که این امر
اختلافات بعض از ایشان میگویند که خدا امر فرموده تا آنچه فراموش
کرده شده است از قرآن [illegible] و بعض از ایشان بر آنند

که آنچه فراموش شده است در علم و نه در تلاوت ممنوع کرده‌ایم و بعضی از آنها
برانند که این نسبت به او نیز در تورات و هم در علم عیب شده است آنرا حفظ
او و لفظ منسوخ بود این طور بیان میکنند که چنین کرد این که آنرا کاملاً
آنرا فراموش کند و تو آنرا فراموش کنی یعنی قرآن جبرئیل و بعضی از آنان
میگویند که آنرا چه با الفاظش و چه بدون آن زائل میگردانیم یا حکم آنرا زائل
میکنیم و تفاوت آنرا بر میداریم یا آنرا تأخیر میاندازیم یا آنرا از عقب تو
از [illegible] میکنیم پس احتمال نیست خواه هر کدام که از این یا ما تردید اعتقاد
[illegible] و کدام تغیر بو قبول کنی

لا غیر هم هم هم هم

کریسف — مسلمان چرا سخن ملائی بو چه شد

قدیر — صاحب از عبارت متن کتاب مشکوة صدق شما سخنم حفظ بود
سخن فروش بیارید عبارات این کتاب بو پاک کنه معلوم نیست ترکی میگوید
یا هندی این الفاظش آنها معلوم [illegible] این جواب معلومات بو گفتم
به هم صاحب اجماع امت اسلام مانع الدمعتین مامور التوانه است و آیات
منسوخ که در قرآن است قرائه آن نسخ شده و قرائه واجب از آنها خیلی یار
آیات است آنها را فائده ندارد غیر از حکم احکام الله آن نسخ شده و دیگر ته کمی

ضرر

ضرری که نیز نه چنانچه یهودیها از پیغمبر سؤال نمیکنند در این باب که چگونه
میشود روزی حکمی و روز دیگر حکمی دیگر جواب فرمودیم چگونه روز شنبه حرام نکرده
و روز بعد نداریم و حالا اینکه هر گاه امروز مصلحت اقتضا حکمی کند فردا
نکند ضرر ندارد نفی و اثبات حکم بحسب اقتضا مصلحت من دیگر طول نمیدهم
من دیگر رجز نمیخوانم من دیگر نقاری صدا نمیزنم شما میگویم بر این قبیلم که فرمودید
بعضی آیات را از عقب پیغمبرشی یا از لوح محفوظ زائل کرده که این سخن فراموش است
خوب معلوم است که این الفاظ زائل شده دیگر در قرآن نیست برفرض
هم که باشد چه ضرری نیز نه این نکته میشود در [illegible] اعجاز قرآن پیغمبر تا تحدی
تمام قرآن نمود و اعلان داد که هر کس قدرت دارد یک سوره مانند آن بیاورد

کریسف — پس چونکه آیات منسوخه از قرآن زائل شده است لهذا آنها
در قرآن همیشه باقی بمانند و مسلمانان بخلاف مذهب اهل [illegible] خوانده بودند
اینکه تلاوت آنها مأمور نیستند

قدیر — واقعاً صاحب شما خود گفتید یا اینکه حفظ ما [illegible]
[illegible] شما [illegible] که آیات منسوخه مامور القرائه نیستند [illegible]
هر منسوخ الحکم منسوخ القرائه نیست و منسوخ القرائه در [illegible] نیست
خوب این چه تا [illegible] شما بیان میکنید نهایت [illegible] باطل

تا اینکه مسلمانان جز قرآن نمی خوانند تمام عمر بخیره میخوانند مطلب
همان بهتر که نشر گفتم اینقدر را ازاین عبارات ملاحظه صدق اعتماد میکنید

کرینف

ونیز اگر لفظ ننسها بمعنی ننسئها میباید یعنی باین معنی
که آن ایه از ذهن شنونده و خواننده رفته باشد که گویا نشنیده و نگفته شده است
برحسب روایت که ایات ما سوره میخوانند و چون جمع شد انرا فراموش
کرده بعضی وچطور این سوره منسوخ نیست در مصحف قرآن خوانده و شنیده نمیشود
میشد پس قول او ننسها کی میباشد زیرا که آن فراموش نشده است و علاوه براین
هم ایا این ایه که گمان میبرند که انرا فرود فرستاده شده برای الزام کردن اهل اسلام است
که از آن طعن برحق ازرده شده بعضه زخم نو تیغ ترساخته است و بعضی
از آتش دردم جوش ساخته اند پس نمیدانم که چطور ممکن باشد که مسلمانان
از ادعا کردن این ایه و تغییر از اصلاح شفا دهنده آن طعن فرض نمایند بر رد فاسخ
آن اعتراض میتکلا رد

لاقدیر

اولا چون نسیان در حق پیغمبران داوصیاء فرض
نشود پیغمبر ما و معصومین از امت نسیان در حق ایشان فرض نشود بلکه
در حق ایشان رفع ایه است از قلب ایشان چنانکه گفته شد سنقرئك
فلا تنسی الا ما شاء الله ان ینسیك فرفع عن قلبك ذكره

ونیز نسیان

ونیز نسیان معصوم باین قسم است در درگاه خداوند از قلب معصومین
وسیر ایه یا ایه بایش محو و دوباره ثبت وضبط شود بدل آن ایه دیگر نازل
کند مثل ان یا بهتر و بروایت هم بر اهل سنت محمول است پس دیگر
ایرادی باقی نیست بنا بر فرض باطل میکنید میخواهید نتیجه صحیح
بگیرید فرض کرده است فراموش کنند و در دفاتر ثبت باشد و هنوز نسخ
این معنی فراموش صحت نیست وقتی صادق است که در دفاتر هم نباشد
شما مطالب را آتش دردم تعمیر معترض نیست

کرینف

ونیز در ماندن افق جزوی یا عضوی از اعضای مرکب است
و آوردن عضوی مانند آن یا بهتر از آن چیزی نمیباشد که بر قدرت باهره
خداوند دلالت کند بنوعیکه درباره آن گفته نقد ایا منه اند که خدا بر همه چیز
توانا است بلکه نفسه آن ابهه دلیل ضعف مؤلف میباشد که تالیف
خود را به برداشتن و تغییر و تبدیل دادن جملها و کلمات اصلاح مینماید
برحسب حالت مؤلفین بشری

لاقدیر

رفع ایه از قلوب امت وقلب مبارک پیغمبر و معصومین
است که هرگز فراموش براینها فرض نشود و هم از دفاتر و مکتوبات

انما بجهة انزال آیه دیگر مانند آن یا بهتر نهایت قدرت پروردگار مشاهده میشود

کرسف — ایرجیم واذا بدلنا آیة مکان آیة والله اعلم بما ینزل قالوا انما انت مفتر بل اکثرهم لایعلمون قل نزله روح القدس من ربک بالحق لیثبت الذین آمنوا وهدی وبشری للمؤمنین

ابن عباس میگوید که چون آیه نازل میشد که در آن سختی بود و بعد آیه آسان تر از آن نازل میشد کافران قریش میگفتند قسم بخدا جز این نیست که محمد اصحاب خود را مسخره میکند امروز امری را بچیزی مامور میسازد و فردا از آن منع میکند و همانا این چیزها را نمیگوید مگر از پیش خود پس خدا این آیه را فرستاد

هقدیر — خوب صاحب قول کفار شنیدنی است از برای شما بسیار بود هم خیلی نسبتها بمسیح دادند چرا قول انما را دلیل خود میگیرید ابدا تمام از کفار قریش کاش نمیآورید مقصود چیست

کرسف — مقصود آن است که ابومسلم اصفهانی گفته نسخ در این آیه واقع نشده و مراد از این آیه واین است که نسخ شرایع سابقه است لکن سایر

مفسرین

مفسرین میگویند واقع شده است

هقدیر — پس بنا بر مذهب ابومسلم اصفهانی نقض شما باید بگیرد زیرا که بنا بر آن مذهب که خود شما نقل میکنید باب نسخ از میان میرود

کرسف — بنا بر مفسرین که گفته اند واقع شده شما تصدیق میفرمائید

هقدیر — بنا بر من گفتم واقع میشود لکن شما تصدیق نمیفرمائید زیرا که باز بعد مطلب سابق را تصدیق میکنید جز اینکه ملاحظه کنم که میشود

کرسف — خوب شما هر چه در عقیده خود است بگوئید که دیگران نه اینکه باشید

هقدیر — اگر ساعت حکم نسخ شود و حکم دیگر تشریع شود و اول منسوخ باشد ضرر که ندارد دلیل نهایت قدرت است نه دلیل نقص و این در واقع نسخ نیست بلکه تمام شدن حکم اول در سبب موضوع حکم ناسخ است چنانچه علما گفته اند من حکیم باکنه رفع شما و تنفیذ زمانی که مطلب جزئی ملائی قرار طول میدهید اخذ از در کل مانند آیه و دیگر مطالب باب سیم تمام شده من شما گفتم شاید باشد خطاء باشد جواب شما همین است که چون احکام تابع مصالح و مفاسد نفس الامریه است نه چنانکه شما گمان کرده تابع هوا و هوس امر و حاکم و منوط الکه مصالح و مفاسد

بحسب اوقات و ازمان و اشخاص مختلف میشود و هر زمانه تغییر و تبدیل احکام

چون کلام باینجا رسید گریف قدری شبهای خود را ... کند گفت بس است بس است

دیگر فردا دیگر فردا من برخاستم خود را ... دادم ... نشسته وارد

بیرون

صبح ۵ شنبه ۱۴ باز ... حرف نو ... تا رسید خانه گریف در ب

خانه ... گویم ... گریف ... در یک خانه ... اسقف

همه ... دادم گریف کلاه بر ... این ... نهادم



گریف — لاقید شما باب سیم را تمام ... گذشته ... کتاب ... صدق ...

ملاحظه میکردم ... پنج ورق دیگر باقی است ... روز گذشته ... مطلب باب

سیم تمام شده کی تمام شد

لاقید اگر خاطر تان ... جواب باشد من روز اول جواب ... کتاب شما داده دادم

لکن چون

کلی چون با شما ملاقات بکنم باز شما میگوید باز هم جواب میدهم این عیب

در کتاب شما است من گفتم اول این هرگاه منسوخ شده ... شما جواب اینکه

ذکر کردید یک آیه دیگر هم در کتاب شما ... بگوید جواب میدهم

گریف — آیه واللاتی یأتین الفاحشة من نسائکم فا

ستشهدوا علیهن اربعة منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت

حتی یتوفیهن الموت او یجعل الله لهن سبیلا

ترجمه زنانیکه بیاینده بکار زشت از زنان شما پس گواه بگیرید بر آنها چهار گواه از

شما پس اگر گواهی دهند پس نگاه دارید ایشان را در خانه‌ها تا آنکه بمیرند یا خدا

راهی از برای آنها قرار دهد

بعضی اهل تفسیر گفته اند این آیه نسخ شده بحدیث عبادة ابن صامت و ...

نسخ شده بقوله تعالی الزانیة والزانی الخ

البته از این آیه و تفسیرش چیزهای عجیب تعجب آمیز پیدا میشود که ... احکام

لاقید — از چه جهت تعجب ... از این جهت ... که ... ناقص

... شما ... بصورت ... که شما در کتاب ... تحریف

شده که نسبت بحضرت موسی میدهید و ... [illegible] ... خدا اورند

از این کتاب نسبت زنا داده اید بحضرت نوح که ... با دختر خود زنا ...

بعد از خوردن شراب در صورتیکه مشقت‌ها ابی بشه البته از شنیدن حدود از
برای عامل این همه تعجب دارید بسیار تعجب‌آور است

کریف چرا اشتباه میکنید این نسخ شدن قرآن است به اخبار و نسخ شدن اخبار است
بقرآن یعنی یکی از اینها آن دیگر را نسخ میکند پس با این مناقض که با هم اخبار و قرآن
چه خواهی کرد

داکتر صاحب اینکه مناقض نیست مناقض آن جاست که شرط است که در
اناجیل شما واقع است که یک مطلب تاریخی را هرکدام طوری نقل میکنند باز این که بقول
شما مناقض نیست منسوخ با ناسخ مناقض و تقریبا همیشه چه زمان منسوخ
چه زمان ناسخ کم میکنم و کمی اثبات بیشتر نیست که با شیء اثبات و نفی ضد آن هم
کرده از همه انجیل این شیء انجیل انتخاب شده والا انجیل همه تر میشد

کریف پس شیء این است قرآن و حدیث هرچه در باره این مسئله و شیء میشود
که هر یک از اینها قرار داده دارد که آن دیگر را خواهد ساخت

داکتر نه شیء آن نیست بلکه احکام و قوانین شریعت اسلام از چهار دلیل
ثابت میشود کتاب و سنت و اجماع و عقل که در سنت بیان کتاب میکنند مثل این
که خداوند بعد تعلیق را بر همه جنس زانیه به جمل سیر و در اخبار و روایات حد صد و گوه
سیر قرار داد و اقسام حد زدن زناکار هم بسیار سخت است خدا نصیب شان نکند

که این هشت

که این هشت قسم از مجموع آیات و اخبار ثابت شده و دلایلی در کتاب
حدود ذکر شده اول کسی که با محرم است مثل زنای با محارم که نسبت بحرمت
نوع مبین معلوم باید شکم کیم سنگسار است دوم زنای با محصنه است
با شرایطی که ذکر شده است سیم صد تازیانه است از برای زنای با غیر محصنه یا در
چهارم در زنای غیر محصنه صد تازیانه و سر تراشیدن و نفی بلد پنجم پنجاه
تازیانه حد غلام و کنیز است ششم حد کسی است که جزئی از آن آزاد باشد
و جزئی از آن مملوک و آن بر حسب آزادی و مملوکیت است که جمع بین الحدین
کنند بر حسب آن وجه هفتم حد مریض است که با ساخته که بقدر عدد حد شاخه
داشته باشد بر او زنند با شرایط معروف هشتم حدود مذکوره با عقوبت
زیاده که هرگاه عمل شنیع در اوقات و امکنه متبرکه از او واقع شده که بنظر
حاکم است از صاحب شما که حضرت مسیح در تورات و انجیل شما این حکایات
هست یا آنکه هر تاریخ بد فایده است

کریف در نظر مسلمانان هیچ چیز در قرآن از مسئله ناسخ
و منسوخ غریب تر و مشکل تر نیست بیشتر پس تعجب نیست که صحبت
سر این مستولی کرده و قطعه نظر دقیق خالی از شبهه غرض بر این مسئله
بنماید

قدیر — مگر شما شیر از دماغ خورده اید که نمی توانید نگفته مگر
زبان [illegible] که هوش ندارید اخر چه برهان حق دارید بر هستی آن
شیخ با این سخن که دارید فهم که حق قول شما است اخر قرآن مجملات دارد
مطلقات دارد شما بچه ابراد دارید که کار یکی نیست بی معنی خلاف قرار داد
خدا انه خود اگر شما تصدیق نبوت آن جناب بکنید دیگر چه حرف دارید من نمیدانم
مقصود شما چیست

یوسف — نمی گویم عیسی بن مریم بنده کرده که اولیت نرمی و رحم و اخلاق محمودی
مردم مشهور است و دعوت کردن محبت و اعمال اقتضای دیگر دیده و دوجواهی
خواهیم دانست خوش نبود و مرتبه سکونت دشمنان خود محبت نماید و در آن یعنی
کنند کمان حضرت بطبیبه ما که از شما نفرت کنند چنانکه دیده و مرکز شما
نفس نمی رسد و رفتار رساند و در آن حاضر کنید

قدیر — این مجرد قول است بلکه عیسی نزد ما شرکرده بجز اینکه احسان
بدو کردیم با اذیت کرد در هر هیچ خود چه شدیم دیگر اشرار دیدیم که قول
هر چه باطل بیدانید و اعتقاد بر این که حضرت عیسی با دشمنان خدا
دشمنی نمود و آنچه از دشمنان به سیاسه درباره دشمنان خدا اگر تا پیمان نمود
صاحب لازم دوستی با خدا دشمنی با دشمنان خدا است و حضرت

عیسی

عیسی را چه بود که به نمود با دشمنان خدا لکن انبیاء سلف بر حق گفتم
که سبب این از آنها خلف و جدال با کفار نمودند
یوسف — نمی گویم مجادله با کفار بد بهت لکن چه منفعت و چه حرف
عظیم تر از این مسئله ثابت میشود نهی لا اکراه فی الدین و دایمی را می دانم
حتی لا تکون فتنة و یکون الدین لله
قدیر — ابراهیم فاتحه دارد و سابقه هم گفته و رد قول در دین اجرا از او می
شوره لکن بعد از اتمام حجت بر کفار و اظهار معجزات به حد و شمار و بیان
مجادله و گالچ و بیزاری شده در بیت ۱۳۸۱ ابیات جهاد دارد شده چه بیان تا حق
چه منفعت چه احتیاج دیگر این همه طول دادن در کتب مثل و [illegible]
مرتب و کلام خود اجرا کرده و تصنیف وقت که طلب نمودن طلب [illegible]
گفتم باب چهارم که یوسف امروز دیگر وقت ندارم [illegible]
درس عقب آن رده طلب کار [illegible] اورده دیگر فردا که در
نظیر است صحبت که طولانی میلیم این طفیلیت دیگر که ....
روی میز برداشته به هم چه جلب برداشته دادم



صحبت باب ٤
قدیو کتاس
اسقف اوان

در حفظ داشتند و از روح پیشه بسینهٔ دیگر رسیده و از آباء و اجداد و برهمنان که طالب حق بودند محفوظ
داشتند و بنا بر این خود تعلیم میکردند و چون نزدیک بظهور حضرت رسول صلعم شد بجزئیات پیشینیان
ول تیمله بعد از مسیح تبلیغات عیسویه رتبه ترقی نموده بودند چنانچه اکثر از رهبانان اغلب ال
از مردم و در اطراف انطاکیه و اسکندریه اشتغال میداشتند که در حضور انجیلها نمایند مشغول
قدوم شریف انجیل بودند و بعد از ظهور اسلام با غلبه خود با انجیل رسید چونکه [illegible]
از انجیل نسخه ها با بیان آوردند و بعضی از آنها هم بحافظه دینشان خود آن مضامین را کتمان کرده
و تحریف نموده بعض صفات و در الواح شدند با ظهر مسلمین متفق بودند که آینه کتمان را تحریف
انجیل صحیحست و لا در وقایع اختلاف شد و اقعه نصارای نجران میگفتند بروید انجیل را بیاورید
و بعضی از نصارای ایمان آورده بودند حاضر بودند مطابق نسخه بود که داشتند قبول کرده اند
چون ممنوع شده بود که این کتاب انجیل نزول یافت و انجیل نزول در آن وقت عبارت بود از محفوظات
احبار نصاری آن انجیل نزول کرده که چنانچه در این ایام و تورات هم یکی بجمله بعضی سوی آن
دو کتاب نزول کرده محفوظ باشند نه آنکه تورات و انجیل عبارت از این دو کتاب باشد اعتقاد
مسلمانان است این است و هیچ آیه از آیات قرآنی دلالت ندارد که این دو کتاب که در تصرف
یهود و نصاری است تورات و انجیل است

که منه آیه اولی سوره بقره آیه ۳۹ ولا تلبسوا الحق بالباطل وتکتموا الحق
وانتم تعلمون ای یعنی نپوشید حق را بباطل و کتمان حق نکنید و حال آنکه شما دانا باشید
ملاحظه نمائید که بعضی مفسرین بزرگ دو جان این آیه متفق الرایند که تلبیس و کتمان
مذکور عبارت از تاویلات و معانی فاسد است نه تحریف و علاوه بر این میگوییم که

چونی

حفظ در مقام آن جمله یهود و نصاری در مقام تغییر دادن کلام خدا بعضی از آنها
برآمده شد حتی محمد جمله را در شنیده آیات قرآنی باشد و تغییر دادن آن در نزد عوام
باشد شما اعتراف که آیات قرآن را میخواهید تغییر دهید و آیات مطابق میل خود معنی
کنید تغییر دهید با این تفاوت ~~ساختگی~~ که معنی طمع دارم تو معنی آن کنی

که منه آیه ۳ ولما جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ
فریق من الذین اوتوا الکتاب کتاب الله وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون
ترجمه یعنی چون آمدند ایشان را پیغمبر یهود و نصاری که از جانب خداوند که تصدیق
میکرد او را که کتابیکه در نزد ایشان بود انداختند طایفه از اهل کتاب خدا را عقب پشت
سر خود گوئیا ندانستند

مسلمانان در این آیه دلیل ادعا نمیتوانند حرف بزنند که در این آیه هم صراحت تصریح کرده
سبب نزول آن این گفته شد که بعضی از احبار کتب کتاب خدا را پس پشت انداختند
عبارت از این جمله است زیرا که دلیل نبوت محمد بود که چنانچه کتمان میکنند در آن کتاب
مندرج بوده است و انکار میکردند تا آنچه بود که از این حیثیت پس انداختند انکار کردند و این
و این نیست که آیات را از کتاب خارج ساختند

قدیمه بعد از آنکه ثابت شد تورات و انجیل زمان رسول عبارت بود از محفوظات
و ملفوظات احبار یهود و نصاری نه آنچه در این دو کتاب که مسمی بتورات و انجیل است
چنانچه ذکر شد که این در آن قصه موثوق نبوده تمام کتب برائت [illegible] ولکن [illegible]

فرض اول انست که بتدریج از اینکه یک ایه و دو ایه تو تغییر و تبدیل [illegible]
همان مطلب سابق تو تائید میکنند یعنی بعد از نزول قرآن بر محمد بن عبدالله صلی الله علیه واله
یهود و نصاری بعد از انکه قرآن [illegible] نمودند [illegible] عبد الله بالمره اگاه بودند از بشارت
انبیاء سابق و کتب [illegible] برای [illegible] خود که فقرات نزله بر [illegible] ظهور بود و اخبار انبیاء
اجبار و اوصیاء سابق بود بعد در سینه لا حقین تبلیغ نموده و سفارش کرده بودند که همان
بشارات متروک شده بود [illegible] روز از روز بجا [illegible] استطراق [illegible]
و چون بعضی از لاحقین ملاحظه جاه و قطع [illegible] از انها تمام این بشارات تو کتمان
حساب نمودند بنزعیشه بالمره منکر شدند که چنین ایات بما نرسیده که اینکه در قرآن بیخ
مطلب تصریح شده در سوره [illegible] بیرون ولا احبار بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء
که تورات در ان عصر عبارت بود از محفوظات ربانیون و احبار [illegible] شده و در روزه [illegible] تورات
و [illegible] کتابه [illegible] ایه [illegible] تورات [illegible] بانیکه [illegible] خوانده [illegible] عهد [illegible] بالمره [illegible]
ولیکن [illegible] قرآن هم اشاره [illegible] دارد در سوره [illegible] الصفات [illegible]
تورات نموده خداوند [illegible] [illegible] بود و [illegible] [illegible]
[illegible] بخیال خود [illegible] [illegible]
بر [illegible] [illegible] [illegible]
در [illegible] [illegible] [illegible]
غالب [illegible] [illegible] در جزیره العرب بود [illegible] [illegible]
و حکایت [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]
[illegible] رسول خدا [illegible] [illegible] واضح [illegible] [illegible] ظهور اسلام
محفوظات تو تورات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
که بعد از ظهور رسول خدا از یهود عده تبلیغ باقی ماند

کذ

[illegible]

کشف

دینی سوم اینکه یهود و نصاری مدرک کتاب خودشان اینگونه بی اعتراض نمودیم
که اعراض از کتاب خود کنی با این تفصیلی که در قرآن ذکر شده که پشت انداز یم

هدیه

خدا این کتابه است و فرق نکنند تغییر و تبدیل و عمل نمودن یا دور انداختن
تمامش بی اعتراض است و چون بزرگان یهود ترسیدند قطع وظیفه انها شود
اتفاق نمودند ایات بشارت تو تغییر و تبدیل دادند یا انکار نمودند
کشف خوب جنینی حساب کن ایه چهارم ان الذین یکتمون ما انزل الله
من الکتاب ویشترون به ثمنا قلیلا اولئک ما یاکلون فی بطونهم
الا النار ولا یکلمهم الله یوم القیمة ولا یزکیهم ولهم عذاب
الیم ترجمه بدرستیکه انهائیکه کتمان نمودند انچه خداوند نازل نموده بود از
کتب اسمانی و فروختند انرا [illegible] از انها کسانی هستند که شکم انها پر شود مگر
از اتش و خداوند در قیامت با انها تکلم نکنند و [illegible] انها را امرزیده نشود
و از برای انهاست عذاب دردناک خلاصه تفاسیر
هدیه صاحب کلام تغییر و تبدیل بالاتر از فروختن است اشاره است
بمطلب حقیقت نقل از اخبار یهود شد که دینی خود فروختند [illegible] که

لاقدیر صاحب ... ازیهود دم شنند و ترسیدند قطع شود و ریاست انها برود

کوصف اولا اینکه تحریف شدن توراة وانجیل ممتنع بوده است

ازاین جهة که انها بنهایت شهرت و تواتر بود بطوریکه انجیل نسبت

بانها عملی نبود

قدیر سابقا بشما گفتم که تواتر در توراة وانجیل نکوئید چه تواتر انستکه

ازاول تا اخرش جماعتی باشند که محال باشد تعمد کذب انها و خطا و اشتباه

انها واین امر نسبت بتوراه وانجیل معقول نیست اما توراة بعد از قتل بخت

النصر یهود که دوازده نفر بیشی از عدد یهود باقی نماند چگونه این عدد کم

عدد تواتر است واما انجیل خود شما گفتید حین مصلوب نمودن مسیح شش

نفر تابع بیش نداشت پراکنده از ترس بنی اسرائیل در زوایا پنهان بودند

من نمیدانم شما این شش انجیل یا مختصر انجیل همه که نسبت بمسیح میدهید

و میگوئید از اسمان بر مسیح شش انجیل یا مختصر انجیل مختلف در مطالب

نازل شد یا انکه این شش نفر محفوظات خود را جمع نمودند عجب حال

نسبت بمسیح نمیتوان باین حال داد چگونه دیگر دعوی تواتر انرا

کنید و الحق که مصنف این دو کتاب معلوم نیست و توراة و انجیل عبارتست از جعلیات

کوصف و ثانیا اینکه پنهان داشتند معانی چند از کتاب مقدس را

باین معنی که انها را بطور فاسد تاویل میکردند و انها را از جهال صحیح نا

میکردانیدند پس این دو امر دلیل اینستکه اهل کتاب نه فقط جرأت

نکرده اند که کتاب او تعالی را تحریف نمایند بلکه در حفظ کردن انها

انچنانکه فرو فرستاده شده بود امین هم بوده اند

توراة و انجیل میکوئید از توراه و انجیل اسم انها تا انجا که ... و مسیح نازل شده که ترسیدند ان جمع

کوصف همینکه امروزه در دست یهود و نصاری است لاقدیر اینکه گفتم تصنیفات و اینها و علماء یهود است و اعتبار توراة و تحریف و تبدیل ان اهمیت ندارد و تعبیر و تبدیل ان فقرات از توراة و انجیل که انبیاء بجا اثر بدلیل قطعی اخبار داده انرا تغییر و تبدیل کلام الهی را در توراة است نه این دو کتاب که شما انها مسمی کرده اید توراة و انجیل قرار داده کوصف همین دو کتاب از زمان تصنیف ان تا حال تغییر نکرده و قطعی است

م

قدیر

قدیف هرچه شما ... میگوئید منهم باز همان جوابرا میدهم شما خود

قبول کردید که این توراة و انجیل منزل نیست واحتمال داده اید که شاید توراة

وانجیل منزل بوده از میان رفته اند از قتل بخت النصر مطابق اغلب تواریخ

از ملت یهود دوازده نفر نشده تا چه مانده انها هم پراکنده شدند که انها

از میان رفته و اما بعد از مصلوب شدن هم شش نفر شاگرد که دیگر حضرت

عیسی را هم نداشت انها هم خائف بودند پراکنده کی نقل کتاب بودند

کی مصف بجا ... نیست اما ... شما ... که امده اند

باز توراة را از حفظ ... بنده و هم ... نصاری

انجیل را خبر داده

لاقدیر صاحب ثابت شد از این انکه صحیح بود باید اعتراف خواهید

چگونه احتمال صحت میدهید ... انجیل را که نسبت بعیسی دادن این اعتراف

دلیل قطعی بر بطلان ان کتب ... بعلاوه با احتمال بر جعلیات ...

مصلوب شدن ... بعلاوه باز هم امدند نصاری و یهود ... نمودند

کوصف شما که ... یهود را اهل کتاب میدانید ...

شما خطاب یا اهل الکتاب بیهود و نصاری شده مقصود کدام کتاب است

لاقدیر در نسبت ... ثابت ... شما ... میدانید

... یهود و نصاری ... عیسی ... از یهود و نصاری [illegible]

م



توریت و عیسی که از نزد خود شما هم قبول دارید

لا عذر در حق خود عبارت است توراة و انجیل شهادت میدهد که این توراة و انجیل

بعد از موسی و عیسی نوشته شده چنانچه خودت لفظ در تمام انا جیل

اخبارات بعد از صلب عیسی که نوشتهم و انجیل عیسی پیدا بوده شما

انصار انجیل دارید این دو کتاب مثل این دو روزنامه جمله در این نگارشته [illegible]

مانند که یکی بمنی توراة است و یکی انجیل

کشف این تذکرات در اول کتاب گذشت باز شما اگر

بگویید همان حرفها جمله گفته شد

عذر شما اگر بگویید ما هم اگر بگوییم اگر شما جواب شما را داده اند

باز دجال بیلی که [illegible] خودت [illegible] به قرار [illegible]

از میان رفته هم [illegible] و دیگر که از [illegible] انوقت میخواهید

اما اگر بگید باز بر ان اصلح بوده بر این جمع باز بگیند نمیشود

مثل این دو روزنامه که از [illegible] هم توراة و انجیل اشتهار

داده میشود هر چه در ان هست کلام خدا است احکام مذهب

شما هست [illegible] ما هم [illegible] هم جمع یهود [illegible]

اسم جمع از نصاری [illegible] پس اینها هم یهود و نصاری

میباشند

چنانکه شد شما و یهود دو کتاب [illegible] که زمان موسی و عیسی

نازل شده و انهو بر مردم [illegible] و نمودند [illegible]

هم در زمین بعضی از [illegible] و از انجمله [illegible]

که مشغول [illegible] و ظهور پیغمبر خاتم انبیا صلی الله علیه و اله [illegible]

در [illegible] بودند و بمقصود خود رسیدند [illegible] واقع [illegible]

یهود و نصاری [illegible] معلوم [illegible]

کشف ایه پنجم یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله و انتم

تشهدون ترجمه ای اهل کتاب چرا کافر شدید بایات خدا که مشاهده

نمودید و از این معلوم میشود که ایات بشارت پیغمبر شما در توراة و انجیل

بوده و معاینه انکار مینمودند دیگر چگونه تحریف کرده اند

عذر خداوند در این ایه ملامت میفرماید یهود و نصاری را که انکار

کلیه ایات خداوندی [illegible] از پیغمبر مشاهده نمودند کافر شدند

و انکار نمودند و ایات و مطالبیکه [illegible] انکار نمودند

[illegible] معجزات [illegible]

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل حق را بباطل [illegible]

[illegible] صاحب شمار نفاق [illegible] نمودند

هم تحریف نمودند هم تغییر [illegible] از سلف [illegible]

ایات و معجزات [illegible] انکار نمودند و هم معجزات و خارق عاداتیکه

از رسول خدا [illegible] دیده و شنیده بودند انکار نمودند و از این ایه تمام اینها

[illegible] و امانت اهل کتاب که معلوم شد خیانت [illegible] توراة و انجیل [illegible]

[illegible] انکار نمودند [illegible]

[illegible]

کومف ایشٔم وان منهم لفریقا یلوون السنتهم بالکتاب
لتحسبوه من الکتاب وما هو من الکتاب ویقولون هو
من عند الله وما هو من عند الله ویقولون علی الله
الکذب وهم یعلمون ترجمه و بدرستیکه از اهل کتاب هر آینه طایفه هستند
که میپیچیدند زبانهاشان بکتاب تا پندارند او را از کتاب و نیست
او از کتاب و میگویند او از نزد خداست و نیست او از نزد خدا
و میگویند بر خدا دروغ و حال آنکه ایشان میدانند اما معنی این آیه
هویداست چه دلالت بر تغییر ندارد و چون این آیه مانند آیه
[illegible] قبل از آن ذکر شده است که بعضی از یهود [illegible] تورات را
تحریف کرده بودند ولی این است که کلام را از زبان [illegible] خود خلاف
آنچه در تورات بود تلفظ میکردند آه

عذر بد این آیه مانند آیها [illegible] دلالت کند [illegible]
محتاج بتفسیر و تاویل نیست بر اینکه بنابر اهل کتاب شما یهود را
از روز اول بر تحریف و تبدیل و دروغ گفتن بر خدا و رسول بوده
و شما خود [illegible] اندازه تحریف را قبول دارید و کلام را بزبان خود خلاف
آنچه در تورات بود تلفظ میکردند یعنی تحریف و تبدیل است پس
بقول شما چون در این مقام از روز اول بوده باید [illegible] محل
اعتناء مسلمانان نیست علاوه بر مطالب بسیار خلاف عقل قطعی است
که [illegible] قول شما [illegible] قول [illegible]
و کلام [illegible] کلام [illegible] میگوئید و کلام مخلوق را
کلام خالق میگوئید [illegible]
[illegible]
کومف

کومف این مطلب که شما میگوئید عقلی نیست زیرا که کتب [illegible] چند میلیون
تبعه داشته باشد چگونه ممکن شود بجود دلخواه یکنفر دو نفر تغییر و تبدیل
آن دهند و اجتماع این عده بر تغییر هم محال است
عذر بد شما تارة دعوی کردید در قرآن شما آیاتی دلالت دارد بر عدم
تحریف تورات و انجیل و اخری میگوئید راس این مطلب محال است
فعلا در مقام اثبات از آیات قرآنی هستید تا بحال شش آیه خوانده اید
تمام نفی است بر تحریف تورات و انجیل و نیز آیات دیگر که میخوانید و آنها
که بنظر شما نرسیده دلالت دارد بر تحریف تورات و انجیل صاحب اجماع
مذهب ما است بر اینکه بعد از نزول قرآن از کتب منزله دیگر [illegible] نیست
و انجیل است تحریف شده است بر فرض هم که نبود خود مطالب این دو کتاب شاهد
عقل قطعی است بر اینکه این مطالب و خرافات از جانب خدا نیست
و اما کیفیت تحریف آنها مکرر در مجلس [illegible] گفته ام که شما نسبت تواتر
تورات و انجیل [illegible] بعد از قتل بخت النصر دوازده نفر از یهود باقی
بودند و این عده هم [illegible] از آنها امکان دارد و کذلک نصاری
[illegible] حضرت مسیح عده اقل از آن بودند پراکنده هم [illegible]
در ازمنه میتوان داد علاوه بر اینکه سابقا ذکر شد فعلا انجیل نسبت
بمسیح داده اند شما این شش انجیل را [illegible] با آنکه معلوم است که
انجیل منزل بر مسیح یکی بوده و اینها قطعی از تصنیفات [illegible]
خود شما هم [illegible] میدانید [illegible]
[illegible]

گویند اینکه شما میگوئید و بعضی از علماء شما در کیفیت تحریف توریت
و انجیل گفته شاید و لعل چنین و چنان بوده در قضیه که مبنای انکار شاید
و لعل باشد اعتنا نیست چونکه این دلیل و برهان نمی‌باشد
عذر اما علم ما بتحریف توراة و انجیل شاید و لعل نیست بلکه بادله
قطعیه قول خدا و رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین
که دلیل صادق مصدق‌اند بعلاوه اختلافاتی که در کتاب شما و حکایات
و احکامیکه مخالف با شرایع و ادیان و عقل قطعی است که عقل حکم میکنند
قطعی و بنا بر اینکه این کتب من جانب الله نیست و اما کیفیت تحریف
و تبدیلات شاید و لعل در کیفیت و وقت آن است بحسب اخباراتیکه رسیده
که بعض از آن سابقا گذشت که جمعی از یهود بجهت خوف از قطع شدن سالیانه
از ما بعضی آیاتیکه دلالت داشت بر نبوت خاتم انبیا و اوصاف آنجناب
از توراة تحریف نمودند و منافی نیست که در موارد دیگر را تحریف شده بلکه تحریف
در تحریف هم ممکن است بهر حال بودن این دو کتاب از موسی و عیسی
علیهما السلام نزد ما قطعی است از شما دلیل را به معنی میکنند
گویند آیه هفتم واذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتاب
لتبیننه للناس ولا تکتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا
به ثمنا قلیلا فبئس ما یشترون ترجمه و چون گرفت خداوند
پیمان آنانیکه کتاب بآنها داده شده تا آنکه اظهار آن بمردم بیان کنند
و کتمان نکنند او را پس انداختند آنرا پشت‌های خود و فروختند

اولو

او را بقیمت کمی پس بد معامله نمودند
بما ما محمد رافضی میگوئیم که بر یهود و نصاری امر شده بیان کنند کتاب یعنی توراة
و انجیل را ظاهر کنند و ایشان از آن در عمل بکتاب مقدس ننمودند و برکت شان
نگفته‌اند این توراة آن نیست که بر موسی فرو فرستاده شده و این انجیل آن
نیست که بر عیسی فرو فرستاده شده
عذر اما گفتی که اقرار دارند شما با اهل کتاب دلیل بر عدم تحریف نیست
در القاب در ضمن نسبت کافی است بجهت اینکه شما با کتاب ۲ در دست آیه که مثلا
شما با اهل کتاب میگوئید اگرچه سابقا بما گفتم مسلمانان شما با اهل کتاب میگوئید
و اما انجیل اختفا آن با عقیده بعض اشاره بتحریف است و کذلک در خفی
بثمن کم مطابق روایتی که وارد شده که بعضی از بزرگان یهود بطمع ترک سالیانه
آیه ۴ از [illegible] تحریف نمودند چنانچه سابقا گذشت بعدم میآید دیگر باره
[illegible]
کلمات شما صاحب اراده است

مخصوص کلمات صح

گویند آیه هشتم من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه و
یقولون سمعنا وعصینا واسمع غیر مسمع وراعنا لیا بألسنتهم الآیه
ترجمه آنانیکه یهود شدند تحریف کلمات نمودند از مواضع او و میگویند
شنیدیم و مخالفت نمودیم
این آیه هم در سوره دیگر یحرفون الکلم عن مواضعه است و در تفسیر این دو آیه
که یک چیز میباشد سه مذهب هست اول تبدیل لفظ بلفظ دیگر ۲
تاویل فاسد ۳ پوشیدن و پنهان داشتن
عذر این سه مذهب در حق شما و برادران یهود واقع است بلکه

[illegible] و جعل [illegible] و نسبت دادن با نبیاء [illegible]
گفت که [illegible] در بهشتم [illegible] داخل در نجات یابد و بیرون [illegible] خواهد
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible] خلیفه در وقت نماز
[illegible]
[illegible] در بهشت [illegible]
[illegible] نجات یابد [illegible]
[illegible]
[illegible]

کریمه آیه دیگر وکیف یحکمونک وعندهم التوراة فیها حکم الله
ثم یتولون من بعد ذلک وما اولئک بالمؤمنین

یعنی چگونه یهود ترا [illegible] حال آنکه [illegible] توراة نزد ایشان است
و در توراة حکم خدا است پس از حکم آن [illegible] و ایمان نخواهند آورد [illegible]
این آیه با تفسیر [illegible] اول [illegible] یهود [illegible]
که توراة نزد ایشان و در آن حکم خدا بود و این شهادت [illegible] در باره
تحریف توراة باشد منقطع میسازد [illegible]
که از جانب یهود [illegible] تحریف در توراة [illegible] این آیه وعندهم
التوراة فیها حکم الله [illegible] که توراة که نزد یهود بود
حکم خدا و هدایت و روشنی [illegible]
[illegible]
[illegible]

درم

[illegible] بیان [illegible] هدایت از [illegible]
در [illegible] صحبت [illegible]
[illegible]
[illegible] توراة [illegible]
[illegible]
[illegible] توراة [illegible]
توراة [illegible]

[illegible]
[illegible]

از جمله معجزات پیغمبر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] توراة [illegible]
[illegible] یهود [illegible]
[illegible] توراة [illegible] حکم خدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] توراة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

واین معنی اینکه خدا به [illegible] این آیه دلالت دارد بر اینکه تورات که نزد ایشان بود

[illegible] تورات [illegible] تورات [illegible] حکم [illegible]

[illegible]

[illegible] بعد [illegible] تورات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تورات [illegible]

[illegible]

[illegible] شد

و لیحکم اهل الانجیل بما انزل الله فیه ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون یعنی باید که حکم کنند اهل انجیل [illegible] خدا نازل کرده

در انجیل [illegible] حکم نکنند بانچه خدا نازل کرده پس ایشان [illegible]

[illegible] انجیل از تحریف و تصحیف

[illegible] حکم کنند بانچه [illegible] خدا [illegible]

محمد [illegible]

[illegible] تحریف [illegible]

[illegible] خدا [illegible] حکم کنند اهل انجیل بانچه

[illegible] تحریف [illegible] احکام تورات [illegible]

[illegible] اوّلا [illegible] انجیل از [illegible] تحریف

جدا [illegible] حکم [illegible]

[illegible] و چون این [illegible]

[illegible] خدا [illegible]

انجیل [illegible]

[illegible] اینکه

[illegible]

[illegible] انجیل [illegible]

[illegible] تحریف [illegible]

[illegible]

[illegible] نقل [illegible]

[illegible] این آیه [illegible]

[illegible]

[illegible] احکام تورات [illegible]

[illegible] انجیل [illegible]

[illegible] احکام انجیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از برای این فرقه که در زمان ظهور قرار داده [illegible] خداوند میفرماید بهمه اولین و آخرین که [illegible]
الله فرض [illegible] تشریع میفرمود ولکن حقیقی احقاق احکام را [illegible] قرار داد که مرور زمان
معلوم شود [illegible] قرآن [illegible] مطابق [illegible] نازل شده باشد [illegible] احکام [illegible]
[illegible]
صاحب این جمله تفسیر [illegible] ایشان است [illegible] یعنی میفرماید
[illegible] احکام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] داده

[illegible] عدید [illegible] حکیم [illegible] حاکم [illegible]
[illegible] عدید [illegible] احکام [illegible]
[illegible] احکام توراة [illegible] مطابق [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] احکام [illegible] مطابق [illegible] خود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] احکام خود [illegible]
و [illegible] مقام [illegible] قرآن [illegible] علم خداست

الف ایه ۱۲

[illegible] ایه ۱۲ مثل الذین حملوا التوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا
بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله والله لا یهدی القوم الظالمین
یعنی شرح حال کسانیکه حفظ نموده اند کلمات توراة را ولی عمل بآن نکنند [illegible]
[illegible] آیات خداوند [illegible]
[illegible]
[illegible] توراة [illegible]
[illegible]
[illegible] توراة [illegible]
[illegible]
[illegible] آیات [illegible]
[illegible]
[illegible]
توراة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بعید تر است از تفاوت [illegible]

غلط یعنی — صاحب اشتباه شما از این جمله فعال اراده اید که یهود در کتاب توراة او به پشت خود انداخته

و ملحوظ نکرده چه بسا بوده از ثبت خداوند این یهود اشتباه با نظر خود نموده نه مراد این نیست جمل توراة

مراد حفظ ایات توراة است بلکه سبب از مفقود شدن توراة اول یهود بعضی از ایات مهم توراة را حفظ نکرده

و ملان بودند چنانچه در ایه قرآن والاحبار بما استحفظوا من کتاب الله و بعضی از ایات توراة که از نبی

نبی ما خبر بود بعد بدیده بود با جهد یهود در ان ایات عظم از ایات بشارت به حضرت خاتم بود و چون ایشان

ایات هدایت شده از یهود و نصاری که طالب حق بودند و از یهود شده در اقل از اخفی تا مشرف خدمت انحضرت

شدند و ایمان اوردند و بعضی دیگر کتمان حق نمودند و انرا اظهار نکردند تا خود ایمان اورند و مانع ایمان

دیگران شدند بعضی مو حفظات دینی به خداوند این طایفه بوده که حفظ ایات توراة بودند تشبیه بحمار نموده

که کتاب حمل و باو یش اراده اند چنانچه حاصل از خر از ان دانش کتابها حمل برده ان مسئلها حافظ ایات

توراة است هم حافظ از ان ایات بردوده واقع نکوهیدن ایات خدا نموده و ظلم کرده و دیگران انرا نداده

این ایه چه دلالت دارد بر اینکه در وقت یهود زمان رسول و قرآن نزول بوده که کسی تحریف نیافته و توراة

امروزی با جهان مطابق است و با یهود مشاهدت از انکسته وصلت ان هم با ان زمان است که بلکه

مضمون ان دلالت دارد که توراة نزول در کار نبوده و از یهود جهال توراة را به یهود پشت به ایات

بشارت که در ان بوده خنثی نموده چنانچه برای اثبات حلم زنا را که در زمان رسول رجم فرستادند و منع نمودند

ورقه را به دست او کنند که بنابر حکم توراة است با چیز دیگر را که غیر از نبی که سیدانه این از او ده است

سابقا هم بیان شد که این توراة و انجیل ملعوبه جعل حواری یهود و نصاری است و متقدمین ان

جا و ضبط شده حاصل در این نشیئت به مفقوطات ایات توراة نزول است نه اینکه این کتاب

مجهول که در دست دارید شما وجود را تعمیم اراده که این توراة نخیل و این انجیل

نزول نیست بلکه شما حمیت مسلمان را نکرده اند و این حقیقت ابدا شماها دخلی از قرآن نیست بر تمام

کتاب امروزه اصلا حد کلام این توراة و انجیل امروزه نیست که شما فقط بجهت

تکیه اینها که در تمام تحریف کرده اند که از تعمیم کرده اند و نظیف ان ... کرده‌اند

کشف ایه ۱۴۳ — الذین اتیناهم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین

خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون ترجمه انها یکه داده شد ایشان کتاب بیشتر سند

ان که نزد خیانت بر این سیر امیشه سند انها یکه زیان زدند بخود ... ایمان

نمی‌آورند

غلط یعنی — صاحب این ایه چه دلالت دارد بر اینکه این توراة و انجیل که در دست یهود و نصاری است

توراة و انجیل نزول است این ایه فقط میگوید که کلام خدا با کلام مخلوق فرق دارد هر که

او بشنود درک شده میفهمد که قرآن کلام خدا است و انجیل کلام نصاری است که هم باز نموده اند

و مخلوقهم با نفسه اند چنانچه در قرآن بلکه از جانب غیر خدا بود در قرآن هر اینه اختلاف بسیار

اشاره به بعضی اختلافات انجیل است که بیان کرده ایم سوره هود که میداند ملاحظه و نفی توضیح میدانند

هر کسی که و عیسی میدانند هر کس میداند که کلام مختلف که نسبت به یک شخص نداده اند

کشف مسلمانان چرا سعی نمیکنند هر کلام را تحریف به این کتاب نقل کنم و جوانات از ان که نمیشود و مردود

لا یعنی نیز اشاره در هر کتاب نیز راز بر سند چه دلیل بر فرض که از دست شما بر معنی که را ده بود در شما

کاری از اوهمش بر بسیار دروغ معصوم نیست که خوشی خورده چه زند بانکه کلام او هم دروغ است

لکن چون شما اشتباه اراده ایه تحمل انکه بر او نه معجزه بسیار در رسول خدا و خرخی نیست انرا

در بیان انرا نیست اخر جلو ایه که موافق با کلام بر سر اهیم خدا نیست

کشف علماء شما گفته اند که ضمیر یعرفونه بر میگردد به پیغمبر ما و مقصود از اتیناهم الکتاب

اهل کتاب یهود و نصاری میباشند

غلط یعنی — بر فرض که چنین باشد باز ضرری نمی رسد یعنی از که کتاب توراة و انجیل نزول است

یعنی علماء یهود و نصاری که حاملین آیات منزله تورات و انجیل و آیات بشارت او را حفظ
بوده اند و ظلماً اسقف با آن صفات و اخلاق پیغمبر مشتبه بوده اند که برای ایشان گفتند چنانچه
ابناء خود را می شناختند چنانچه از حکایات که وارد شده در حالی که پیغمبر طالب حق بوده اند ولی
مسافت نمودند و خود را به مدینه رسانیدند و شهر بشهر و دیار بدیار و خانه بخانه رفتند تا اظهار بعثت او را
پیدا نمودند چنانچه ابناء هم اراده خود را کرده بودند که از آن جمله سلمان که در جمله اوصیاء حضرت
عیسی بود بطلب پیغمبر از فارس به مدینه در جهت ... پیغمبر بود تا در حضور حضرت تشریف داشته
و ... شناخت و سؤال و جواب نمود و ایمان آورد و هم چنین دیگران ... بجهت اسلام
خود تا ... رسید

کوعف لاعذر اختلاف شما ملتفت شید در قرآن ... در همین دو آیه اختلاف است که در آیه
سابقه ذکر شده یهود و نصاری کتاب نزد ما مثال ... کتاب ... نموده ... جزئی از آن
کتاب ... یهود و نصاری ... خبر از آیات بشارت او از کتاب ... بخواهید ... ودر این
آیه ... کتاب ... پیغمبر ... می شناختند ... ابناء خود ... اختلاف
نزد ... از این اختلاف ... از این دو آیه ... از اعلام
لاعذر ... شما ... واقف ... خیلی ... بلازم ... بر ...
از ... حال ... از ... بر ... نزول ... از ...
خواهید ... که ... از ... نزول ... از ... نزول ندارد

کوعف ... اختلاف ... در ... آیه ... کتاب ... از ... هنوز
و ... از کتاب خود پیغمبر ... بوده ... باشد

لاعذر ... بعض ... آیات تورات و انجیل ... حفظ ... علم ...
تعلم و تحفظ کشیده ... بوده ... خود ... بار ...

بزده ... آیه ... کتاب ... معلومات خود از آنچه حفظ ... از آیات تورات
و انجیل که از انبیاء سلف ... بیشتر ... و از ... نزده ... بوده ... قبل از ...
بزبانت چنانچه ... نوشته ... چنانچه این سلام ... حضرت ... کرده ... از جمله
... بوده ... پیغمبر ... خود ... در ... اعتقاد ... که
... باشد و این اعتقاد ... حضرت ... از علم ... علم الیقین ... علم
... علم شرعی ... ظن ... باشد ... و ظلمات ... الیقین و ...

نزد ... لازم ...

کوعف آیه ۹۴ فان کنت فی شک مما انزلنا الیک فاسئل الذین یقرؤن الکتاب
من قبلک لقد جاءک الحق من ربک فلا تکونن من الممترین [آ] ترجمه ... در شک
از آنچه خبر دادیم از قصص و حکایات سلف و حکایات انبیاء بنی اسرائیل و غرق شدن فرعون و ...
و ... در وقت ... سؤال کن از ... کتاب ... ترا ... خوانده ...
... از تفسیر این آیه ... ادراک ... این آیه ...
خود ... از ... کتاب ... حکم ... ما ... تاویل کنند ...
... که ... این آیه ...
که ... از ... بعضی از ... که این خطاب ...
... از ... بعضی از ... بوده ... ایشان ...
و این ... از بعض این آیه ...
عذر ... واقف ... شما ... از ... معلوم ... بوده ...
... بوده ... و ... خود ...
فی واضح و نور هدایت ... کنند ... این آیه ... اهل کتاب ...


صحبت باب ۵

کتاب مقدس چه چیز میباشد جز اطلاق [illegible] بر [illegible] و [illegible] قرآن بران [illegible] و یا شخص که چنین عمل نموده باشد
لایق این [illegible] و [illegible] آسمان [illegible]

فائده [illegible] این قدر [illegible] عقل [illegible] میکنند [illegible] میرد [illegible]
[illegible] از این [illegible] قول خود [illegible] الفاظ توراة و انجیل که این توراة و انجیل [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] تحریف [illegible]
خلاف [illegible] توراة و انجیل [illegible]
تصرف یهود و نصاری [illegible] خدا [illegible] نسبت داده اند [illegible]
ندارد [illegible] دلیل قطعی [illegible]
[illegible] این توراة و انجیل [illegible]
روز [illegible] کلام [illegible]

کشف
[illegible] قرآن دلالت میکند که نبوت [illegible] مخصوص بنی اسرائیل [illegible] یا بنی
اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم وانی فضلتکم علی العالمین ترجمه ای پسران یعقوب
یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و بدرستیکه شما را [illegible] دادم شما را بر جهانیان [illegible] عالم [illegible]
[illegible] خداوند [illegible] یعقوب [illegible] تا روز قیامت بر [illegible] زیاده بر تمام عالمیان [illegible] نبوت [illegible]
در این [illegible] باشد و [illegible] از بنی اسرائیل بود

فائده [illegible] و تفسیر [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible]
خداوند نعمت خود [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] نعمت [illegible]
[illegible] خداوند [illegible] نعمت [illegible]
[illegible] فرعون [illegible] دادم [illegible]
[illegible] اطفال [illegible] زنان [illegible] نجات دادم
[illegible] و در مقابل [illegible]
[illegible]

شما

شما را که [illegible] در خداوند [illegible] و در قرآن این قدر [illegible] این [illegible]
داود بر [illegible] بنی اسرائیل [illegible] نبوت [illegible] نعمت دلیل [illegible] تفضیل [illegible]
خداوند [illegible] نعمت [illegible]
نعمت [illegible]
[illegible]
این چه دلالت دارد [illegible] بنی اسرائیل [illegible] قرآن [illegible]
که [illegible] حضرت عیسی [illegible]
در دنیا و آخرت [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
که [illegible] بنی اسرائیل [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] بنی اسرائیل [illegible] حضرت [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] خداوند [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible]
حضرت عیسی [illegible] بنی اسرائیل [illegible]

کشف [illegible] قرآن [illegible] دلالت [illegible] نبوت [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] (۹۰) ووهبنا له اسحق و یعقوب کلا هدینا [illegible] ترجمه و بخشیدیم
ابراهیم را اسحق و یعقوب [illegible] هدایت [illegible] ووهبنا له اسحق و یعقوب [illegible]
[illegible] ترجمه [illegible] ابراهیم را اسحق و یعقوب [illegible] (۹۲) ووهبنا
له اسحق و یعقوب وجعلنا فی ذریته النبوة والکتاب ترجمه و بخشیدیم ابراهیم را اسحق و یعقوب

اینجا [illegible] دلالت میکند بر اینکه خداوند بخشید بابراهیم اسحق و یعقوب را و نبوت را در ذریه او

قرار داد و ذکر از اسمعیل نشده [illegible] پسر ابراهیم نبوده [illegible] و یعقوب که

پسر او بوده بیان نموده و ذکر از او نشده و این مقصود [illegible] در کتاب مشکوة صدق ذکر شده

[illegible]

در اولاد اسحق باشد [illegible] نبوت باید

[illegible] از اولاد اسمعیل [illegible] از اسمعیل [illegible]

[illegible] در کتاب مشکوة صدق [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت ابراهیم [illegible]

[illegible] اسحق و یعقوب [illegible]

[illegible] اسمعیل [illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible]

که میفرماید الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل و اسحق [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] اسمعیل [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] نبوت [illegible] اسحق و یعقوب [illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] نبوت [illegible]

[illegible]

ووهبنا له اسحق ویعقوب نافلة وکلا جعلنا صالحین

وجعلناهم ائمة یهدون بامرنا واوحینا الیهم فعل الخیرات واقام الصلوة وایتاء

الزکوة وکانوا لنا عابدین [illegible] ابراهیم [illegible] اسحق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اسحق و یعقوب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اسحق و یعقوب [illegible] اسمعیل [illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] اسحق و یعقوب

[illegible]

[illegible] خواهرش [illegible] اسمعیل [illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] اسحق و یعقوب [illegible]

دو بنده اسمعیل و اسحق [illegible] پس سبب این [illegible] طبیعت و عادت بوده

در این مسئله جهت

فقره [illegible]

[illegible]

[illegible] پس [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] اسحق و یعقوب [illegible]

[illegible]

فقره [illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] اسحق و یعقوب [illegible]

[illegible]

فقره [illegible]

[illegible]

اولاد ابراهیم برادر [illegible] و اولاد [illegible] که [illegible]

که [illegible] حرف تحریف کتب مشهوره یعنی توراة و انجیل [illegible]

و [illegible] در قرآن [illegible] که [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] که [illegible] خدا [illegible]

و [illegible] کتب [illegible] جمع [illegible]

این حرف [illegible] بلکه [illegible] یعنی [illegible] ابراهیم [illegible]

که [illegible] قرآن [illegible] ابراهیم [illegible] و لا ابتداء [illegible]

[illegible] شریعت ابراهیم و اسمعیل [illegible]

[illegible]

کوشف [illegible]

و [illegible] ابراهیم [illegible] برادر [illegible]

[illegible] توراة [illegible]

[illegible] (باب [illegible] آیه [illegible])

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] قرآن مجید [illegible]

[illegible] توراة و انجیل [illegible]

[illegible]

کوشف [illegible] موسی و عیسی و تورات و انجیل [illegible]

[illegible] موسی و عیسی [illegible] توراة و انجیل [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] موسی و عیسی و توراة و انجیل [illegible] مصطفی صلی الله

علیه

علیه و آله [illegible] شریعت ابراهیم [illegible]

کوشف در موسی و عیسی و در تورات و انجیل [illegible]

موسی و عیسی [illegible] شخص [illegible] موسی بن عمران [illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] موسی بن عمران [illegible] شخص [illegible]

[illegible] مصطفی صلی الله علیه و آله [illegible] عیسی [illegible]

[illegible] شخص [illegible]

[illegible] اسمعیل [illegible]

کوشف آیه (۶) وقال انی ذاهب الی ربی سیهدین رب هب لی

من الصالحین فبشرناه بغلام حلیم فلما بلغ معه السعی قال یا بنی انی

اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ما تؤمر

ستجدنی ان شاء الله من الصالحین فلما اسلما وتله للجبین وناديناه ان یا ابراهیم

قد صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین ان هذا لهو البلاء المبین وفدیناه

بذبح عظیم وترکنا علیه فی الآخرین سلام علی ابراهیم کذلک نجزی المحسنین انه

من عبادنا المؤمنین وبشرناه باسحق نبیا من الصالحین وبارکنا علیه وعلی اسحق

ومن ذریتهما محسن وظالم لنفسه مبین [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible]

خور نشد که بود [illegible] چون [illegible] بود [illegible]
می ورد و ذبح [illegible] سوختنی [illegible] ابراهیم گفت [illegible]
می جوید [illegible] گفت [illegible] که
بیلوکه [illegible] ابراهیم [illegible]
و ذبح [illegible] بر [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible]
بعد اسحق واز ذریه [illegible] ابراهیم
مطلب [illegible] ذبح [illegible] اسحق [illegible]
خود [illegible] اسحق و یعقوب [illegible] آیات [illegible]
[illegible]
در عمر [illegible] مبعوث نشده بود [illegible] گفت
[illegible] تفسیر [illegible] بود

لاغدید [illegible] صریح قرآن [illegible]
[illegible] ذبح [illegible]
[illegible] اسحق [illegible]
[illegible] اسمعیل [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible]
اسحق داده شده [illegible] وقت [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] اسمعیل [illegible]
[illegible]
[illegible] لابد است

که [illegible] ذبح [illegible] صریح قرآن [illegible] ذبح [illegible]
پسر [illegible] ذبح [illegible] حضرت اسمعیل [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] یعنی اسمعیل [illegible]
[illegible] اسمعیل [illegible]

کو سوره ص آیه (۴۵) واذکر عبادنا ابراهیم واسحق ویعقوب اولی الایدی والابصار انا اخلصناهم بخالصة ذکری الدار وانهم عندنا لمن المصطفین الاخیار واذکر اسمعیل والیسع وذا الکفل وکل من الاخیار (آ)

ترجمه و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب صاحبان قوت و دیده ما [illegible]
[illegible]
و یاد کن اسمعیل والیسع و ذوالکفل [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] ابراهیم و اسحق و یعقوب [illegible]
[illegible]
[illegible] ابراهیم و اسحق و یعقوب [illegible]
[illegible]

لاغدید [illegible]
[illegible] حضرت اسمعیل [illegible]
[illegible] داود و سلیمان [illegible] اسحق [illegible]

[illegible]

ابهمه

بمناسبت میخواهید باید بهرات انرا بفرما و نیز مناسبت باذکر حضرت ذبیح سرخوارد که انبیا حضرت
محمد خواهد شد و فضل اسمعیل همان بس است که از ذریه او سرور انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وجود آمده
و ابراهیم مراد [illegible] اسمعیل [illegible] عیسی [illegible] الهی [illegible]
[illegible] [illegible] عیسی [illegible] و اینکه مسیح [illegible] شده
چه شرافت و فضلی دارد و بوجود اینکه مریم [illegible] از ذریه داود و عیسی از نسل داود بود

که مصنف [illegible] از اینجاها اینکه در این باب پیش اوردم و از تفسیر [illegible]
اول اینکه [illegible] افضل عالمیان [illegible] پیغمبران و رسولان را
[illegible] کلمة الله و [illegible] مسیح کلمه الله و پسر [illegible] خدا [illegible]
به کلمه [illegible] کلمه [illegible] افضل [illegible] امده
بر جمیع [illegible] مذکور شده [illegible]
که بر [illegible] هدایت [illegible] و هدایت [illegible] شده

اعلم [illegible] معلوم شد [illegible] ایات معلوم شد اینکه بود [illegible] از اول خلق شوند
و [illegible] لعنت نموده [illegible] و [illegible] مسخ نموده و [illegible] ذلت [illegible]
تا یوم قیامت قرار داده و [illegible] انقدر معصیت و نافرمانی خدا کردند و انبیا خدا را کشتند
و عیسی [illegible] بودند و [illegible] تورات منزل و انجیل [illegible] باطل نموده و از میان بردند
که یهود و نصاری [illegible] تورات [illegible]
زیاده [illegible] کتاب [illegible] انجیل [illegible] حضرت مسیح [illegible]
[illegible]
[illegible] خداوند [illegible]
[illegible] ایات معلوم شد [illegible]
که مصنف دوم اینکه [illegible] خدا [illegible] در نسل ابراهیم از اسحق و یعقوب [illegible]

که ایشان [illegible]

که ایشان دو بخشش خدا [illegible]
لا محمد [illegible] معلوم شد [illegible] وجود خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله
که از صلب مبارک حضرت اسمعیل ذبیح الله که از نسل ابراهیم که خلعت اسحق و یعقوب [illegible]
[illegible] و ذکر شد حدیث شریف [illegible]
[illegible] بطفیل وجود مبارک سرور انبیاء محمد مصطفی [illegible]
افضل [illegible] انبیاء [illegible]
که مصنف اینکه آن ذبیح [illegible] خدا از اولاد ابراهیم اسحق بوده است [illegible]
اول اینکه [illegible] از نبوت و کتاب [illegible] فرستاده شده است [illegible]
فرزندان یعقوب [illegible] کتاب [illegible] اینکه [illegible] خدا [illegible]
لا محمد [illegible] معلوم شد [illegible] حضرت اسمعیل [illegible] خلق شده [illegible]
خلق اسحق [illegible] معلوم شد [illegible]
بلکه [illegible] انوار نبوت خاتم انبیاء [illegible]
و از اینکه [illegible] حضرت ذبیح الله [illegible]
و [illegible] انکار [illegible]
[illegible] حضرت اسمعیل معلوم شد [illegible]
که [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] بطفیل وجود خاتم انبیاء [illegible] حضرت ذبیح [illegible]
[illegible] اسحق و یعقوب [illegible]
[illegible] خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله [illegible]
حضرت [illegible] ابراهیم [illegible] محمد مصطفی [illegible]
و یعقوب [illegible] کتاب [illegible]
شریعت ابراهیم [illegible] الامی [illegible]



صحبت باب

بر آتش [illegible] خدا [illegible] اورده‌اند

کوشف [illegible]

لاعذر [illegible] سوره [illegible] وقالوا اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات

وما في الارض الآية ترجمه و گفتند نصارى خدا [illegible] پسر [illegible] خدا [illegible]

[illegible] در آسمانها و زمین است

کوشف [illegible] آیات [illegible]

[illegible] نقل [illegible]

لاعذر [illegible] سوره مریم [illegible] ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي فيه يمترون ما كان لله ان يتخذ

من ولد سبحانه اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون ترجمه این عیسی پسر مریم است [illegible]

[illegible] خدا [illegible] پسر [illegible]

[illegible]

کوشف [illegible]

لاعذر [illegible] سوره مریم [illegible] وقالوا اتخذ الله ولدا لقد جئتم شيئا

ادا تكاد السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ان

دعوا للرحمن ولدا وما ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا ان كل من في السموات

والارض الا آتي الرحمن عبدا ترجمه و گفتند [illegible] خود

پسر بتحقیق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کوشف [illegible] سوره آل عمران

اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى ابن

مريم وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين ويكلم الناس في المهد

وكهلا ومن الصالحين ترجمه [illegible] فرشتگان [illegible] خدا [illegible]

[illegible] مسیح عیسی پسر مریم است [illegible] در دنیا و آخرت و از نزدیکان

و سخن [illegible] مردم [illegible] و از شایستگان است

[illegible] حقیقت [illegible]

[illegible]

[illegible] سوال اول عیسی بن مریم [illegible]

[illegible] سوال دوم [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible] خدا [illegible]

[illegible] خداوند [illegible]

[illegible] کلمته

[illegible]

[illegible]

[illegible] لقب اول [illegible] لقب دوم [illegible]

اول [illegible]

لاعذر [illegible]

[illegible] حضرت آدم [illegible]

[illegible] مسیح [illegible]

[illegible]

و مراد از [illegible] کلمه در وجود [illegible] مسیح خالق خواهد بود [illegible] مراد مسیح خالق نیست [illegible]

شاید مراد مسیح [illegible] مراد مسیح [illegible] مسیح [illegible] بجز مسیح گفتن دلالت

ندارد مسیح خوانده خدا که جسم نیست [illegible] مسیح او گفته بجز اینکه [illegible] از او کلمه [illegible] در وجود ام شد

دلالت ندارد که [illegible] خدا [illegible] کامل [illegible] چیزی [illegible] نازل [illegible] دیگر [illegible] مثل

[illegible] خود او [illegible] مسیح [illegible] در وجود [illegible] نازل [illegible] با قوه

[illegible] مسیح این [illegible] خدا [illegible] دارد [illegible] دارد [illegible] عیسی

[illegible] روح [illegible] جهت [illegible] نازل [illegible] روح [illegible] خدا است

قرار داده [illegible] خداوند [illegible] ندارد و حضرت عیسی [illegible] عبودیت

[illegible] و [illegible] عیسی [illegible] قوت [illegible] عبودیت [illegible] از اینکه عیسی

[illegible] کلمات [illegible] صادر شود [illegible] از اینکه [illegible] انجیل [illegible] بیکره [illegible]

[illegible] در [illegible] خداوند [illegible] مثل عیسی عند الله مثل ادم

چنانچه ادم [illegible] شد حضرت عیسی هم [illegible] شده این [illegible] نسبت بحضرت

پروردگار

کشف لا عذر له

[illegible] مسیح اختلاف است [illegible] از این [illegible] بجهت [illegible]

[illegible] او مسیح ملقب شد [illegible] روغنی ممسوح شده بود

[illegible] چیز [illegible] است و [illegible] بروغن و [illegible]

[illegible] این چیز [illegible] اراده شده و [illegible] در [illegible]

ممسوح [illegible] بروغن [illegible] روح القدس شد [illegible] در انجیل مکتوب است [illegible]

[illegible] داده شد [illegible] روح القدس [illegible] خواهد امد و وقت حضرت [illegible] خواهد

و از آن جهت [illegible] مقدس [illegible] خوانده خواهد شد [illegible] باب اول [illegible]

او در [illegible] ممسوح شد [illegible] این [illegible] شخص [illegible]

[illegible] خدا [illegible] شده [illegible] از این [illegible] گفته شده است

لا عذر له

لا عذر له [illegible] این کلمات [illegible] صدق [illegible] از اینکه [illegible] روح [illegible]

ممسوح بود [illegible] روغن [illegible] ممسوح [illegible] از اینکه [illegible]

ممسوح شده [illegible] بروح القدس ممسوح شده [illegible] روح القدس [illegible]

ممسوح [illegible] عیسی [illegible] خدا [illegible] ممسوح [illegible] عیسی [illegible]

[illegible] نسبت [illegible] حضرت [illegible] خدا [illegible]

[illegible] جهت [illegible] خدا [illegible] مقدس [illegible] خوانده [illegible] الشیطان

[illegible] و خدا [illegible] حضرت [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حقیقت [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] جمع [illegible]

[illegible] عجب [illegible]

[illegible] بیاید [illegible] عقد [illegible]

باید تفصیل عقد [illegible]

[illegible] حضرت مسیح [illegible] ندارد [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] عیسی [illegible] چیزی [illegible] بود [illegible]

که در [illegible] اند [illegible] ادم [illegible]

[illegible] حضرت خدا [illegible] عیسی [illegible] شود

[illegible] بعد [illegible] کلمات [illegible] عجب [illegible]

[illegible] وقت [illegible] مسیح [illegible] ندارد [illegible] مسیح [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] خدا [illegible] وقت [illegible] شود [illegible]

[illegible] وقت [illegible]

[illegible]

کو مصف ۱ لا غفر به مجعف [illegible] بی سیمان پس [illegible] وصف مسیح [illegible]

[illegible] وصف از [illegible] قبل از آن آمده است [illegible]

و این جمله [illegible] خواست مسیح [illegible]

[illegible] مسیح [illegible] مسیح عجیب [illegible] در ولادت [illegible]

پیدا شده پس [illegible] لا غفر

لا غفر [illegible] مسیح [illegible]

[illegible] که [illegible] پس [illegible]

کو مصف ۲ اذ قال الله یا عیسی بن مریم اذکر نعمتی علیک وعلی والدتک

اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد وکهلا واذ علمتک الکتاب

والحکمة والتوراة والانجیل واذ تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی فتنفخ

فیها فتکون طیرا باذنی وتبرئ الاکمه والابرص باذنی واذ تخرج الموتی

باذنی واذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینات فقال

الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین ترجمه [illegible]

پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر تو [illegible] روح القدس [illegible]

[illegible] ورنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اولا غفر [illegible]

[illegible] چنین [illegible] مسیح [illegible] چنین [illegible]

شده و [illegible] مسیح [illegible] عالیه قدسیه

میباشد

می شد که خدا [illegible] نسبت داده [illegible] خود شرف و معظم [illegible]

آن [illegible] روح القدس [illegible]

بروح القدس [illegible] روح القدس [illegible] روح القدس [illegible] و اما مسیح

[illegible] نزد خدا [illegible] روح [illegible]

[illegible] معجزات تقویت نماید [illegible]

[illegible] جایز نیست

لا غفر [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] مسیح شده [illegible]

که [illegible] یوم یجمع الله الرسل الخ این حکایت [illegible]

داده شد که [illegible] این سؤالات از مسیح میشود که چنین [illegible] نعمت [illegible]

[illegible] حکایت [illegible] تو [illegible]

[illegible] حکایت [illegible] بیان نعمت بر حضرت عیسی [illegible]

[illegible] حضرت مسیح [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت مسیح [illegible]

[illegible] حضرت مسیح [illegible]

[illegible] حضرت مسیح [illegible]

حضرت مسیح [illegible]

بجواب و اینست که [illegible] بجهت تکلم در خاطر شریف [illegible] تا روز وقف

قیامت الحق است و اینکه [illegible] حاصل است نه روح [illegible]

بروح القدس است روح [illegible] لقب مبارک الحق است [illegible]

[illegible] فرق با القاب دیگر ندارد و آنکه در این آیه بیان شده که [illegible] بروح القدس

بیان آن است که روح القدس همراه حضرت مسیح میشود [illegible] خدا و این نهایت مقام

عبودیت مسیح است

کوشف روح القدس جبرئیل بود یا روح طاهر [illegible] بیان علوم که [illegible]

بیان مخصوص [illegible] این دو وجه [illegible] در تفسیر [illegible] مراد از روح القدس احتمال میدهد

و میگوید که این خاصیت شریف بود که برای [illegible] حاصل و برای همه کرام از انبیا [illegible]

بعد از [illegible] حاصل شد

لاغدیر باز خود تو [illegible] مراد بروح القدس [illegible]

[illegible] جبرئیل فوق الملائکة [illegible] انبیا [illegible]

که در سوره قدر وارد شده در شب قدر بر امام زمان نازل میشود [illegible]

و این روح القدس مخلوقیست از مخلوقات پروردگار [illegible] با مسیح [illegible]

[illegible] از کلام [illegible] از خصایص مسیح [illegible]

[illegible] همه کرام از [illegible] نبوت [illegible]

که در زمان [illegible] شریعت [illegible] کتاب [illegible] نازل شد [illegible]

[illegible]

کوشف و علاوه بر این [illegible] آیه و تفسیر [illegible] دلیل عظیم است [illegible]

[illegible] مسیح [illegible] از جمیع انبیا [illegible]

[illegible] مخصوص کرده است

لاغدیر

لاغدیر [illegible] معلوم میشود که [illegible] که از حضرت مسیح [illegible] سؤال

میشود از همه کرام انبیا [illegible] سؤال میشود [illegible] که حضرت مسیح [illegible]

[illegible] که باعث [illegible] خاطر [illegible]

[illegible] معلوم شد [illegible] مسیح

[illegible] خاصه مسیح

[illegible] روح القدس [illegible]

[illegible] روح القدس [illegible] سؤال از مسلمانان

در کتاب [illegible] کلام [illegible]

آیه شریفه دلالت [illegible]

کوشف ۳ یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق

انما المسیح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته القیها الی مریم و روح منه فآمنوا

بالله و رسله و لا تقولوا ثلثة انتهوا خیرا لکم انما الله اله واحد سبحانه ان

یکون له ولد له ما فی السموات و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا

[illegible] مسیح [illegible]

[illegible] مریم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اهل کتاب [illegible]

از تحریف کتاب خود [illegible]

[illegible]

در کتاب خود برده نسبت ابنیت به مسیح داده از وقت این خطاب به اهل کتاب کنند و حال آنکه در انجیل
و این تعبیرات شده و نظیر اینها هم در خود قرآن وارد شده کلمة الله و روح الله پس عوض اینکه رجوع
و این پیغمبر باید به اهل کتاب بخشی کنند در دوستان سبب به پیغمبر اهل کتاب کتاب خود را نزد او
بیاورید تا در آن حقیقت یا بطلان ادعای نصارا که عیسی بن مریم خدا یا ابن الله است بر هم

لا عقد به — اولاً آنکه در باب چهارم معین شد که به وجود آنکه خطاب به اهل کتاب دلالت ندارد بر
اینکه کتاب ... و کتاب ... و غیره کتاب حواریین جمله در دو فقره ادعای نبوت کاتبان
باشند و آنکه اهل انجیل نوشته اند تفسیر ... شده و تا اینها خبر بود عبارت این تعبیر خوب بود نصارا
این زمان کتاب الجدید را بسیار دیدند بر ... که شاهد ... دادند که ما هم در دین خود شمرده
و ... و ... و طرف او ... بطرف دانند پس معلوم می‌گردد
طرفین قرار داده شد که این کتب انجیل منزل نیست که طرف او قانع باید و مسلم بود که این کتابها را
از خود درآورده اند و آنچه رسول خدا صلی الله علیه وآله خبر داده بود از جانب خدا بیش تا مطابق با انجیل
منزل بود و شاید آنچه پیغمبر ... بطلان تثلیث و نفی ولد از حضرت مسیح مطابق عقل و نقل
بود که هر یک ... ادله بطلان تثلیث و ... و نسبت ... عیسی او قائل می‌شود
و ... تعبیر ... و روح الله ... ... و دلالت بر ... بودن
و غیره ندارد و این ... نصاری ... مسیح ... نمی‌شود پس باید ... خدا باشد
... در مقابل ... و ... ان مثل عیسی عند الله
کمثل آدم ... ادم ... خطاب ... مسیح ... و ... و حیثیت
خلق شد

کوسف — اینست که نقض ... شده نصارای نجران ... محاجه

محاجه نمودند بعد از شنیدن این آیه که ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم الآیه هر گاه واقعیت داشت
و نصاری مخالف کتاب خود از خود درآورده بودند خوب بود محمد ... بگوید نصارای نجران
کتاب الجدید را بیاورید و ملاحظه کنند هر گاه در انجیل تغییر یا غیر از این شده بود از وقت با نصارا
جدل نماید و خوب بود که در قرآن اسم ... چند قبیله عاقب و سید اسقف که از نجران آمده و ذکر
نماید که معلوم باشد آنها چه کسان بوده اند

لا عقد به — الجواب الجواب خوب بود نصارای نجران که در حضور پیغمبر صلی الله علیه وآله آمده بودند
بلکه در آن کتابها انجیل نسبت به مسیح ... همراه خود آورده بودند که ... جرح ... و جزیه قبول
جزیه نمیشدند اما ذکر شدن اسم ... قبیله همراه اسقف آمده بودند باعث انکار
اصل واقعه نمی‌شود زیرا که یهود هم این مطلب را نوشته اند و در معجزات آنها ذکر شده
از آن تمام میدانند که آنها خودشان مراجعت نمودند بلکه مباهله امر و مخصوص کشف حال ...
مشاهدات معجزات باز شبهات نمودند تا اینکه منجر به مباهله شد که یوم مخصوص از ... معلوم
حاضر ... با اهل بیت خود ... ظاهر بین خود حاضر شدند در ... چون ... با ... مباهله
حرکت پیغمبر و اهل عصمت او نمودند آثار عذاب مشاهده نمودند و ترک نمودند مباهله
و قبول جزیه نمودند یا ... جزیه دادن ... مراجعت او ... از ... بیان ... راهب ... بیرون
... با اسقف ... نمودند و قبول جزیه در جواب گفت هر گاه مباهله کرده بودیم آثار ...
که ... از نصارای ... دیگر ... روی زمین نمی‌ماند

کوسف — معنی این دو لفظ که در قرآن شما نسبت به مسیح او کلمة الله و روح الله تعبیر شده
چیست و این همان تعبیریست یا قریب با آن که در کتاب الجدید نسبت به پسر خدا و ... که ...

برای اینکه لفظ نموده بعضی از آن معنی ترتیب بیت با آنچه در انجیل بیت از انجمله آن است که
گفته اند که مراد از اینها اینست که مسیح بروح من الله مفتخر شده زیرا که او سبب حیات خلق
در ادیان شان و از این جهت نیز که در رحمت از خدا بر خلق بود ما میگوئیم که هیچ شخصی بعید از آن
قادر نیست که بتواند این القدر مانند که مسیح از این سبب که قدرت بر احیا نمودن خلق در ادیان شان
داشت موصوف بروح منه شد بلکه بعکس ما این امر برای شخص بعید میدانیم بجهت اینکه او
روح منه بود و چون او روح منه بود از آن جهت قدرت بر احیا نمودن خلق داشت
پس ما تعجب داریم از این معنی که چگونه آن آیه ها را متعلق بسبب زنند و حقایق را از نتیجت
خود میسنجند یعنی با اینکه ایشان این امر میدانند که سبب موصوف شدن مسیح بروح منه
این بوده است که او مرده ها را زنده میساخت و تعجب بنظر این است که شخص
نداند این سبب را که او روح منه بود و کسی نمیتواند خلق را از قدرت روحانی ایشان [illegible]
خواند جز روح خدا و یا پسر خدا و لفظی دیگر یعنی مسیح سبب احیای خلق [illegible] در ادیان شان
میباشد چه قدرت شما حجت دارد با آنچه در انجیل درباره وی گفته شده است که من آمدم تا ایشان
حیات یابند و آنرا زیاده تر حاصل کنند انجیل یوحنا باب ۱۰ آیه ۱۰ و نیز قیامت هستم
هر که بمن ایمان آورد اگر مرده باشد زنده گردد انجیل یوحنا باب ۱۱ آیه ۲۵
لا اعتراض [illegible] عجب اینکه دارای صاحب [illegible] آنچه ما میگوئیم برکت نمیدهد روح منه [illegible]
[illegible] لقب خدائی [illegible] نموده [illegible] از وجود اینها باذن
پروردگار اظهار کارهای خدائی میشود چون حضرت مسیح مردگان را زنده میکرد بر خدا [illegible]
[illegible] مرده میکرد [illegible] بروح شده [illegible] روح [illegible]
نیست بخدا داده اند [illegible] وجه [illegible] عنوان چند جهت [illegible]
و این اختلاف [illegible] نیست مثل مرده زنده [illegible] اختصاص بمسیح داشت مثل انبیا

باذن

پروردگار مرده زنده کرده اند بهم [illegible] قرب [illegible] کفار را زنده میکردند که هم
باذن پروردگار [illegible] میدانند هم زنده [illegible] این لازم [illegible] که تو بگوئی که [illegible]
مرده زنده میکرد پس باید عیسی پسر خدا باشد خداوند که خیلی [illegible] ذات است [illegible]
لازمه حیوان و جسم است که خدا جسم نیست باز میخواهم در [illegible] طلب [illegible] خود [illegible]
حرف و [illegible] صحیح [illegible] این [illegible] مال [illegible] مردم [illegible]
خیال میکردند خدا [illegible] در دل گوساله که از طلا ساخته بایستی که خود ساخته تر خیال [illegible]
که بحضرت والا ظل السلطان لقب دارند و [illegible] سایه سلطان [illegible] ناصرالدین شاه [illegible]
[illegible] لقب [illegible] وجود [illegible] سایه سلطان قرار داده [illegible]
[illegible] دیوار [illegible] تعجب دارم از تو که دنبال چه چیز [illegible]
[illegible] خدا [illegible] خدا [illegible] روح [illegible]
[illegible] طول [illegible] در کلام [illegible]
[illegible]

آیه ۴ در سوره ۴ وقولهم انا قتلنا المسیح عیسی بن مریم
رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولکن شبه لهم وان
الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم الا اتباع
الظن وما قتلوه یقینا بل رفعه الله الیه وکان الله عزیزا حکیما
ترجمه و گفتن ایشان [illegible] که کشتیم مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خدا بود و حال آنکه

نکشتند او را و بدار نزدند او را و لیکن مشتبه شد برایشان و بدرستیکه آنانکه
اختلاف نمودند در کشتن او هر آینه در تردیدند در او از برای ایشان علم نیست مگر دنبال احتمال
و حال آنکه او را نکشتند قطعا بلکه بلند کرد او را خدا بسوی خود و خداوند عزیز و حکیم است)
اگر چه در این آیه اشاره بسوی الوهیت مسیح یافت نمیشود چنانکه در آیاتیکه پیشتر از آن
در این باب مندرج است یافت میشد اما این آیه لاجرم بر علو مرتبت عیسی نزد خدا که فوق درجه
همه انبیاء و مرسلین است دلالت میکند زیرا که خدا او را وقتیکه [illegible] بود برغم انف
دشمنانش و آنانیکه در قصد قتل او بودند باسمان مستقر ساخت

لاهوتیه شما چرا خود تانرا معطل میکنید چرا از محل نزاع خارج میشوید قول اول
این باب در کتاب مشکوة الصدق عنوان کرده که آیات قرآن دلالت میکنند بر الوهیت مسیح
و اینکه او پسر خداست و تبدیل انجیل از آیات ذکر شده بر خلاف مدعای تو دلالت نمود
و تقریبا تمامی قرآن در توحید و نفی شرک و اینکه عیسی نمیتواند [illegible] بنده خاضع
پروردگار و در قیامت بیزاری و برائت میجوید از کسانیکه اینچنین نسبت او با و دهند
بلکه این عنوانات باعث خجلت و شرمساری الجناب در قیامت است و اینکه خودت میگوئی
این آیه دلالت ندارد بر مدعای خود و دست از عنوان اول باب برداشته عنوان دیگر
میگوئی که آنهم دلالت ندارد بر غلبه انبیا [illegible] باسمان برده بلکه پیغمبر ما که سرور انبیا و
آیات معراج برده که معراج ضروری مذهب است دلالت بر علو منزلت او دارد اما بر
انبیا دلالت ندارد بلکه ادریس او [illegible] امر واقعه و رفعناه مکانا علیا بالاتر برده از عیسی

محمدی خوب دلالت نداشته باشد حیف در صدد آنم که این اختلاف بین صریح
قرآن و ما بین قول یهود و نصاری و کتب انبیا که در دست ما و یهود است بلکه صریحست
عیسی او صلیب مقتول نمودند جواب بگوئید هست چه کتابها قبل از ظهور مسیح

وجه

وجه احد انبیاء سلف و صحف عهد عتیق خصوصا در نبوتهای شعیب و دانیال دیده
میشود یعنی کتاب شعیب باب ۵۳ و کتاب دانیال باب ۹ آیه ۲۲ الی ۲۴ و مسیح خودش از
موت خود بارها اشاره داده و پیش خبر داده که او را خود در دنیا بیشتر به یهود تسلیم شود
پس او را صلیب زده مقتول خواهند نمود و در روز سوم بر میخیزد و خصوصا موعظه
که رسولان و رسولان [illegible] آنچه از افراد دینی میخوانند درباره او میگویند دایم
که او بدست یهود مصلوب شده مرده و برای گناه گناهکاران فدیه شود

لاهوتیه تعجب نمیکنم از سخنان [illegible] و کتب سابقه خبر از این واقعه داده بودند عجب
پس چرا یهود ایمان نیاوردند و این عمل از ایشان سر زد و در صورتیکه ابراهیم و اسحق
که اینچنین مطلب مسلم باشد ایشان دیگر ایمان نیاوردند
خود صاحب تو نشنیده بودیم و دلیل قطعی با احتمال معارضه کند عجب حالکه [illegible] قطعیه
نبوت خاتم انبیا را معتقد شدیم و صریح قرآن دلالت نمود بر اینکه حضرت مسیح را
بدار نزدند و نکشتند بلکه مشتبه شده دیگر احتمال اینکه یقین داریم بدون تو
موجود و بقول [illegible] در مقابل قرآن کلام الله چه فایده دارد

محمدی علاوه بر اینکه قرآن هم معارضه با آن احادیث ندارد این خبر قرآن که خبر داد قطعیست
و اینها [illegible] کشتی [illegible] و ظاهر و واقع معارضه ندارند
شود که [illegible] خبر میدهد که حضرت ابراهیم او [illegible]
[illegible] هم میگویند [illegible] که خبر از واقع دادیم [illegible]
[illegible] این معارضه ندارد چنانچه خداوند قصد [illegible] او خبر داد [illegible]



کو مف [illegible] در واقع [illegible] چند نفر بودند

لاعذیر از الطرف گفتند حضرت مسیح سی سال مشغول [illegible] بوده و [illegible]
دعوت میفرمود [illegible] سال هم [illegible] میفرمود و در این مدت [illegible]
زنده میکرد کور [illegible] شفا میداد مبروص و مفلوج و [illegible] شفا میداد هر گاه که
بقول تو سی و سه سال در میانه خلق از ابتداء تولد [illegible] این همه معجزات از او
بروز کند [illegible] کور [illegible] که چشم [illegible] و همان مرده [illegible] زنده [illegible] و همان مفلوج
و مبروص [illegible] هر گاه ایمان آوردند [illegible] شرح صدر [illegible]
[illegible] ایمان نیاوردند پس چه شد که در این مدت [illegible] تابع [illegible] نمود و پیغمبر
صلی الله علیه و آله بقول تو معجزه [illegible] زمان [illegible] ده سال بعد از [illegible]
[illegible] چند [illegible] تابع [illegible] پس معلوم میشود معجزات و خوارق عادات پیغمبر ما
صلی الله علیه و آله مراتب از حضرت مسیح [illegible] بیشتر بوده

کو مف [illegible] که قرآن شما تصدیق نموده که از هر [illegible]
و میگفت شفا میدهم اکمه و ابرص [illegible] مرده زنده میکنم [illegible] قرآن [illegible]

لاعذیر [illegible] قرآن [illegible] مسیح گفت مرده زنده میکنم باذن خدا اکمه [illegible] شفا میدهم
باذن خدا ابرص و اکمه شفا میدهم باذن خدا و ان [illegible] مقام [illegible]
حق بوده هر روز و هر ساعت [illegible] خانه [illegible] خدا [illegible]
خدا [illegible] زنده میکرد و [illegible]
و مراتب پیغمبر ما صلی الله علیه و آله معجزات او [illegible] از همان جهت که
بحکم عقل باید چنین باشد و چنین هم وارد شده

کو مف اذ قال الله یا عیسی
انی متوفیک ورافعک الی ومطهرک من الذین کفروا وجاعل الذین
اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمة ثم الی مرجعکم فاحکم بینکم
فیما کنتم فیه تختلفون ترجمه را [illegible] گفت خدا ای عیسی [illegible]
و [illegible] کننده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عیسی [illegible]
[illegible]
[illegible] خدا [illegible]
خدا باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]

لاعذیر [illegible] مسیح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

رفع او و نزول بعد او و علاقه در مقام بیان این چند خبر است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] عیسی [illegible]

[illegible] خداوند [illegible]

حضرت مسیح [illegible] خداوند [illegible] روح [illegible]

[illegible] در مقام [illegible] بیان [illegible]

[illegible] در مقام بیان این چند خبر است [illegible]

کشف [illegible] از این قرآن [illegible] مطلب [illegible]

باشد [illegible]

لا غیر [illegible]

[illegible]

[illegible] عیسی [illegible]

[illegible] در مقام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قدرت [illegible]

کشف [illegible] عیسی [illegible]

[illegible] وارد شده [illegible]

[illegible] از مفسرین [illegible] کیفیت [illegible]

خداوند [illegible] مسیح [illegible]

[illegible]

لا غیر [illegible]

[illegible] خداوند [illegible]

[illegible] جهات [illegible] او خداوند از مسیح رفع

این مخلوق [illegible] ملکی [illegible] جبرئیل از جهات [illegible]

نموده که او را گمان نمودند عیسی او مصلوب و مقتول نمودند خداوند [illegible]

نهایت [illegible] در جهات [illegible] در جهات [illegible] مطلب دارد و اصل مطلب

رابطه [illegible] این جهات [illegible] شده [illegible] جهت [illegible] باشد جهات

که در قرآن وارد شده [illegible] جهات [illegible] در خود مطلب [illegible] علاوه [illegible]

جهت [illegible] شد این قدر [illegible] این مسئله عیسی [illegible]

کشف حاصل [illegible] که در این باب [illegible] این مسئله عیسی [illegible]

بر جمیع مخلوقات به نه امر امتیاز داد اول اینکه بدون پدر تولد یافت

لا غیر اینکه آدم هم بدون پدر تولد یافت و این امتیاز نشد اینکه پدر [illegible] نداشته باشد [illegible]

باعث امتیاز نمیشود چنانچه حضرت آدم این جهت باعث امتیاز او نشود

کشف دوم اینکه او کلمة الله است و کلمة [illegible] بیان فصل اول و فصل سوم این باب

لا غیر و در این هم ذکر شد که این لقب [illegible] کلمة الله و خلیل الله و کلیم الله و حبیب الله [illegible]

هم لقب [illegible] بالاتر است [illegible] کلمات [illegible] وارد شده

کشف سوم او روح الله است [illegible] شده

لا غیر این ذکر شد که این هم باعث برتری او نمیشود از انبیاء [illegible] از انبیاء

[illegible] وارد شده نفخ روح [illegible] خداوند [illegible]

کشف ۴ اینکه اسم او مسیح است لا غیر اسم ابراهیم [illegible] هم ابراهیم است

سابق [illegible] این اسم مسمی شده و نظیر او [illegible] مسیح [illegible]

کشف ۵ اینکه او صاحب جاه است در دنیا و آخرت لا غیر [illegible]

جاه [illegible] در دنیا و آخرت کشف ۶ اینکه او [illegible]

لاعذیر جمیع از انبیاء و اولیاء مخصوص ائمه اثنی عشر مخصوصاً امام دوازدهم سخن گفته
اند که در رحم مادر بودند و چون بدنیا آمدند زبان بکلمه توحید جاری نمودند و ذلک شهادت الخ امتیاز
حضرت مسیح که سابقاً نقل از اهل تفسیر نمودیم اندر خصوص آن بود که کتب و نبوت بوی
داده بودند با آنکه صبی بود و ملکی تکلم او در گهواره این باعث امتیاز او نشده ولکن [illegible]

کشف ۷ اینکه او از جهان بجهان دیگر رفت

لاعذیر تمام انبیاء از این گونه معجزه از آنها صادر شده حضرت ابراهیم که در قرآن بجمله طیور را
جان داد و اما زنده نمودند از ائمه اثنی عشر جمیع نظایر آن واقع شده حضرت رضا ع شکل شیر را که
اشاره نمود شیر شده آن دشمن امام را درید و خورد و بسیار نظایر آن در اخبار وارد است [illegible]

کشف ۸ اینکه او از مردگان برخاست   لاعذیر ابداً اطلاعی از معجزات انبیاء
ندارد تمام انبیاء بروح [illegible] احیاء اموات نمودند بلکه تمام اولیاء چنین نمودند ۲

کشف ۹ اینکه او زنده بود باسمان بالا برده شد   لاعذیر کفت [illegible] سیر انبیاء
[illegible] باسمان رفته معراج سرور انبیاء [illegible] در دین اسلام است

کشف ۱۰ در تفسیر روحانیت و صاحب جاه بودن و رکفته شده [illegible] اورا
از خدا نیغ او از خدا صادر شده و اینکه او بروح [illegible] مردگان و تلویح
زنده میکرد اینند و در دنیا صاحب جاه بود زیرا که او از آن [illegible]
نسبت داده میرا بود و در آخرت نیز صاحب جاه است بسبب کثرت [illegible] و علو درجه
که نزد خدا [illegible] دارد و در دنیا از این جهة که [illegible] میشود و مردگان را
میشناسند [illegible] و در آخرت زانرو که خدا او را شفیع
امت بر حق خود میکرداند

لاعذیر اگر دل کوتاهی نمیکند و ذهن کوتاهی میکند و [illegible]
که سابقاً بتو گفتم این جمله [illegible] مسیح [illegible] زنده میکرد و این جهة
ایشان [illegible]

[illegible]

مسیح بود در این صورت معلوم که یهود که دعوت میشنود و این همه مرده زنده کرده و اینقدر
کورها را زنده و چشم دار نمود و بیماران زمینی را یوسف وار [illegible] بود ایمان نیاوردند
و ملت از آن عیب که میدادند برخواسته و انچه [illegible] در این صورت معلوم که مرده زنده
کرد و شفا داد و برکت و قلوب بآنها که روشن نمود هرگاه [illegible] چند او را با بیدار زنده
کننده مسیح و شفا دهنده مسیح و چشم دار کننده مسیح و تغییر داده قلوب آنها باشد
چرا باید بعد از این صورت [illegible] باشد اهم [illegible] پس تمام پیغمبران [illegible]
حق باید در این جهات بمراتب از مسیح برتر و بیشتر باشد [illegible] هرگاه [illegible]
پیدا شود [illegible] دیده باشند [illegible] هرگاه [illegible] پیدا شود او را [illegible] کنند
چنانکه در ایران [illegible] پیدا میکنند [illegible] پیدا میکنند و [illegible]
آنکه [illegible] سال شب و روز [illegible] این باشد و ابدا [illegible] واقع نشود عاقبت هم او را [illegible]
زنند پس این امتیاز [illegible] نشد تو هرگاه قطع نظر از اخبار و قرآن کنی ابدا
یک معجزه از برای مسیح ثابت نخواهد کرد زیرا که با این [illegible] خواهد کرد
پس اینکه گفته ~~[illegible]~~ آیا این اثبات واقعه که [illegible]
دلالت بر این میکند که او البته شخصی عجیب غریب در طبیعت و [illegible] میباشد که [illegible] ۳۳ سال
[illegible] ایمان [illegible] جمیع بایه [illegible] کدام یک از انبیاء
معجزات [illegible] از او بروز کند [illegible]

کشف لاعذیر پس از این همه آیا باید مسیح [illegible] نمود از این جهة
که ایشان [illegible] کتاب مقدس [illegible] مسیح ایمان دارند و [illegible]
بیبن کتاب انجیل متی باب ۱۶ آیه ۱۶

ترجمه قران	عبارات انجیل در وحی
چون ملائکه گفتند فرشتگان ای مریم بدرستیکه	و در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب
خدا مژده میدهد ترا بسخنی از جانب او	خدا بشهری از جلیل که ناصره نام داشت
نامش مسیح عیسی پسر مریم است صاحب جاه	فرستاده شد نزد باکره نامزد مردی مسمی بیوسف
است در دنیا و آخرت و از نزدیکان است	از خاندان داود نام آن باکره مریم بود
و سخن میگوید مردم را در گهواره و در حالت	پس فرشته نزد او داخل شده گفت سلام بر تو
کهولت و از شایستگان است گفت پروردگارا	ای نعمت رسیده خداوند با تو است و تو در میان
از کجا میشود برای من فرزند و حال آنکه مس نکرده مرا	زنان مبارک است و چون او او را دید از سخن
بشری گفت همچنین خدا میافریند	او مضطرب شده متفکر شد که این چه نوع
هر چه خواهد و هرگاه حکم کند امری را پس جز این نیست	تحیت است فرشته بدو گفت ای مریم ترسان
که میگوید او را بشو پس میشود	مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته و اینک حامله
سوره آل عمران آیه ۴۵	شده پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید
	او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود
	و خداوند خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد
	نمود و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی
	خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود مریم
	بفرشته گفت این چگونه میشود و حال آنکه
	مردی را نشناخته‌ام فرشته در جواب وی گفت
	روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت

لا تعد بر تو دلالت از حکم عقل قطعی طبیعی خود بر دانسته در کتاب … که خود میگوید
مصنف آن کتاب کتابت یعنی دارای انجیل منزل نیست انجیل منزل که … نمیشود
پیدا بوده انم نیز خدا جسم نیست حیوان نیست تولید و تناسل ندارد این خدا یعنی چه بود از
این بیانات شد که سرور انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نموده و آن معجزات و اخبار
لاتعد و لاتحصی باز حکم عقل قطعی لوازم بوده کتاب … البته …
که در قرآن شده … دین خود … از اول کتاب تا اینجا انجیل … استدلال نمود
برخلاف مدعای تو دلالت نمود از آیات و اخبار چنانچه ذکر شد و از خارج معلوم و محقق شد که
سرور انبیاء محمد مصطفی مراتب معجزات و خارق عادات انجیل زیاده از همه انبیاء حضرت
مسیح … شد که … حکم عقل بود که در مدت ده سال چندان تابع پیدا نمود
و حضرت مسیح بعد از سی و سه سال … شاگرد … چنانچه باب دوم هم دلالت نمود
که اراده بعد از بیان … باید باشد و آنچه از مسیح نسبت داده اند که … نبی …
تسلیم بود … بیان شد چنانچه باب سیم که اظهار … ناسخ
منسوخ در قرآن … معین شد ناسخ منسوخ در قرآن نیست … شده در انجیل …
شکایت چنانچه در باب چهارم معلوم … شد که حضرت اقرار و اعتراف نمود
که تورات و انجیل منزل … و این معنی … شاگردان مسیح نسبت به مسیح
داده اند و نیز در باب پنجم معلوم شد که … مسیح … خداوند
انها لعنت نموده و باعث … شده … باید دل پر درد از انها داشته
که سبب … مسیح شدند چنانچه در باب ششم معلوم شد که عیسی بنده از بندگان خدا است
و در قیامت برائت میجوید از آن نسبت … دادند …
مسیح … نصارا … اند که ظلم انها … مسیح … از ظلم انها …
مسیح … نمودند و معلوم شد مثل مسیح مثل آدم است که خداوند بدون پدر …

[illegible]



ایرادات بر انجیل دروغی	ایرادات بر انجیل دروغی
[illegible]	[illegible]

در اختلاف و اتحاد توجه قرآن با انجیل دروغی	ایرادات بر عبارات انجیل دروغی
[illegible]	[illegible]

کلمات انجیل دروغی	ترجمه قرآن
+ و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر (انجیل یوحنا باب اول آیه ۱۴ برای انجیل خدا که سابقا وعده آنرا داده بود بواسطه انبیاء خود در کتب مقدسه درباره پسر خود که بحسب جسم از نسل داود متولد شد رساله رومیان باب اول آیه اول ۳ و جامه خون آلود در بر داشت و نام او را کلمه خدا میخوانند (مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیه ۱۳ زیرا خود پدر شما را دوست میدارد چونکه شما مرا دوست داشتید و ایمان آوردید که من از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان وارد شدم انجیل یوحنا باب ۱۶ آیه ۲۷ عیسی بدیشان گفت اگر خدا پدر شما میبود مرا دوست میداشتید زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده ام .... آمین آمین بشما میگویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم انجیل یوحنا باب ۸ آیه ۵۸	سوره نساء آیه ۱۶۹ این است جز این نیست مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خدا است و کلمه خدا است که تلقین مریم نمود

ایرادها بر انجیل دروغی	ایرادات بر انجیل دروغی
خود یعنی در سر در کتب مقدسه یعنی تورات درباره پسر خود که بحسب جسم از نسل داود متولد شد و چون یهود در این تورات چیزی با این مضمون نیافتند و از نسل داود هم پیغمبری که انجیل را شهرت یافته از مسیح تو بگوئید که بحسب جسم از داود نبوده و بجز آنکه نامزد یوسف نامی از ذریه داود مریم را که عیسی تولد جسم از نسل داود محسوب شود و بجز این رابطه رومیان خبر داشته قطعی نشود در اولاد کلمات خدای محسوب خواهد شد — ۳ — فقره سیم و جامه خون آلود در جنبه بر داشت یعنی از جنین مادر که مسیح متولد شد با لباس خون آلود بوده یعنی چه قطعی حضرت مسیح که متولد شده با آن ... بوده و خون آلود نبوده که منافات با شهرت او دارد و نام او را کلمه خدا میخوانند یعنی چه	این عبارات ضعیف شش جهت دارد بعبارت دیگر از ... بیان بشنید که مفهوم چیزی نیست و بجز لفظ هیچ کلمه از مقصود صحیح صادر نشده — فقره اولی یعنی اینکه یوحنا خواب دیده و این نقل خواب خود او هست که بطور ... در خواب دیده که کلمه جسم شده چون دانسته خواب و ... یعنی اینکه در خواب خیال آره میشود کلمه جسم شود و بعد از جسم شدن آمده کلمه در دوره ما نشسته پر از فیض و راستی و جلال او را دیده مثلا شکل جمره در نقاشی آمده که پر از ... چیز بوده که در عالم خواب گمان آرد یعنی فیض هست و یا راستی و یا جلال که جلال شایسته بوده و در عالم خواب گمان کرده که این کلمه که جسم شده شکل جمره ... بوده و آمده پر از فیض و راستی و جلال او را دیده پسر یگانه جمره دیگر بوده ... — ۲ — بر کلمه هست فقره ۲ رومیان ... بجز نوشته چیزی ... بوده برای انجیل خدا که سابقا وعده آنرا داده بود بواسطه انبیاء

ایرادات بر انجیل دروغی

یهودیها میخوانند یا بت پرستها خوانند
اولو ذکر نکرده

۴ فقره چهارم اظهار می میکند
که خود پدر شما را دوست میدارد نه بتنهائی
پدر زیرا که این تهدید و رفق میکنند که
نوعی نشود که بتنهائی پدر دوست کی باشند
چونکه شما مرا دوست میدارید و ایمان
آورده اید که من از نزد خدا بیرون
آمدم یعنی از آن رفعیکه آمدم خدا آنجا
بود معلوم میشود که مسیح از چنین [illegible] بیرون
آمده و این لفظ اینکه خدا در شکم
مریم بوده و هرگز چنین الفاظ کفرآمیز
از حضرت مسیح صادر نشده و این تعبیرات
زشت و این الفاظ است الوهیت نمیرساند
قطعی

۵ عیسی گفت که از خدا پدر شما
یسوع مرا دوست میداشتید که من از جانب
خدا صادر شده ام و آمده ام
کلام کسی است که ابدا شعور نداشته باشد

ایرادات بر انجیل دروغی

ست باشد دیوانه وار سخن گوید حرف
بی سر و پا میزند ایضا این فقره معلوم میشود که یعنی
از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم یعنی چه
بعد [illegible] معنا [illegible] که معلوم نشود از برای این لفظ
یعنی من پیغمبر [illegible] بوده ام که پیغمبر [illegible] اولاد
ابراهیم [illegible] است و چون پیغمبر [illegible] اولاد ابراهیم
آید من پیغمبر هستم که این بشارت بنبوت
پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله باشد
[illegible] و اختلاف در این کلمات
است که معلومی نمیشود این کلمات و
بشخص واحد نسبت داد
گاهی میگویند عیسی [illegible] شده به [illegible]
همگی [illegible] گذارده قطع نظر از اینکه
جایز است یا جایز نیست خوب [illegible] علما
نزاع در این [illegible] نیست خوب [illegible] عیسی
[illegible] پسر خدا گذارده گاهی تعبیرات دیگر
میشود که غیر مقام تشبیه است و گاهی [illegible]
الوهیت برای مسیح قائل میشوند
و گاهی میگویند از جانب خدا آمده

عبارات انجیل دروغی

۶۳ عیسی بدو گفت منم قیامت و حیات
هر که بمن ایمان آورد اگر مرده باشد
زنده گردد و هر که زنده بود و بمن ایمان
آورد تا ابد نخواهد مرد
چون این را گفت باواز بلند ندا کرد ای ایلعازر
بیرون بیا در حال آن مرده [illegible] دست و پا
بکفن بسته [illegible] انجیل یوحنا باب ۱۱ آیه ۲۵

ایرادات

پس معلوم میشود [illegible] از زنده و مرده [illegible] عیسی
ایمان [illegible] و هر گاه ایمان آورده [illegible]
حال آنکه [illegible] عالم بود [illegible] آدم [illegible]
[illegible] ایمان [illegible] بقول
نصاری که مسیح [illegible] هر گاه
کسی [illegible] ایمان آورد [illegible] بمیرد
و هر گاه [illegible]
[illegible] حضرت آدم [illegible]
یعقوب [illegible] داشت

عبارات انجیل دروغی

۵ که هیچ یک از شما که مرا [illegible] ملزم میسازد
[illegible] سخن راست میگویم چرا مرا باور نمیکنید
انجیل یوحنا باب ۸ آیه ۴۶
باز [illegible] بیرون آمد [illegible] گفت
[illegible] نزد شما [illegible]
[illegible] عیسی [illegible] انجیل یوحنا باب ۱۶ آیه ۴
عیسی چشمان خود را بالا [illegible] گفت
ای پدر [illegible] که سخن مرا شنیده
[illegible] میدانستم که همیشه سخن مرا میشنوی
انجیل یوحنا باب ۱۱
آیه ۴۱

ایرادات

خوب اولا که زنده [illegible]
که عیسی زنده [illegible] مرده [illegible]
[illegible] زنده [illegible]
[illegible] در عالم مشهور باشند [illegible]
مشهور [illegible]
[illegible]
[illegible]

ایرادات بر انجیل [illegible]	ایرادات بر انجیل [illegible]

واقعی هیچ بار حیات نمیخواهد این سخن که
در این چند ادوار نصاری [illegible] شده [illegible] زنده
که بعد مسیح زنده شد و خودش گفت
تا ابد خواهد مرد معلوم میشود همان ایمان
[illegible] هیچ کفایت نمیکند چرا که اگر زنده
که [illegible] مسیح او را زنده [illegible]
[illegible] ایمان اورده و این ناقض
نشود [illegible] زنده کنند [illegible] که نصرانی
[illegible] زنده [illegible] دیگر از
کلام [illegible] این عبارت [illegible] که
ایمان اورد تا ابد زنده باشد [illegible] زنده
سوال و جواب [illegible] ثابت میشود
[illegible] تا ابد زنده باشد [illegible] بود و
دنیا [illegible]
[illegible] حیات آنها
ایمان مسیح [illegible] از ایمان خدا بالاتر میشود
در ایمان خدا این اثر نخواهد بود عجب [illegible]
[illegible] گفته [illegible]
[illegible] اوست [illegible] که [illegible]

در دست دارم چون [illegible]
این عبارت هم [illegible] مسیح گفته [illegible]
زنده شد ایمان اورد تا ابد زنده خواهد بود
و دیگر [illegible] زنده ایمان اورد
زنده [illegible] شد و این [illegible] از زنده
زنده [illegible] مسیح ایمان [illegible] که تا ابد
زنده باشد [illegible]
[illegible] چهارصد سال [illegible] مسیح ایمان اورده
این هزار سال [illegible] مسیح ایمان اورده،،

و این عبارت منافات [illegible] دارد با [illegible]
[illegible] گفته اند [illegible] که او
[illegible] او [illegible]
زنده [illegible] ایمان [illegible]
خداوند [illegible] زنده [illegible]
زنده [illegible] زنده [illegible]
[illegible] زنده [illegible]
[illegible] تا ابد زنده [illegible] خواهد نمود
[illegible] عبارت انجیل [illegible]
[illegible] داده اند همان [illegible]
مضمون [illegible] است

ایرادات بر انجیل [illegible]	ایرادات بر انجیل [illegible]

۵) عجب تو[illegible] عقلی [illegible] که منافات [illegible] دارد
[illegible] او [illegible]
از این عبارت معلوم میشود که [illegible]
[illegible] و خارق عادت [illegible]
همان [illegible]
ظاهر [illegible] باشد
ثابت کنند [illegible]
[illegible] در [illegible] باشد [illegible]
[illegible] این [illegible] است

فقره [illegible]

[illegible] گفته اند [illegible]
[illegible] از او [illegible]
و قول [illegible]
[illegible] ثابت نمایند این
در مقام [illegible] یهود [illegible] مسیح [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] صحیح [illegible] دارد
و [illegible] مسیح [illegible]
و شخص [illegible] در [illegible]

اظهار نکنند و این هیچ منافات دارد
با مفاد [illegible] در قرآن بود که [illegible]
و [illegible] و [illegible] نسبت داده اند که [illegible] این عبارت
[illegible] در قرآن [illegible] کلام با
این [illegible] که [illegible] لفظ تو
در [illegible] کلام [illegible] و [illegible]
[illegible] باشند [illegible] مفاد [illegible]
با مفاد این [illegible] منافات [illegible] دارد

فصل [illegible]

عجب [illegible] بلفظ [illegible] بعد نموده
[illegible] معجزات [illegible] گفت
این [illegible] مسیح [illegible] نکنند
[illegible] مسیح همان دعا باشد که [illegible]
از [illegible] مسیح [illegible] که [illegible] وارد [illegible]
که [illegible] عرض [illegible]
خدا را [illegible] خدا [illegible] از غیر خدا
و میشود [illegible] دعا [illegible] کننده [illegible]
خدا [illegible] خدا و خدا
[illegible] که [illegible] دو [illegible] و [illegible]

فحص [illegible]



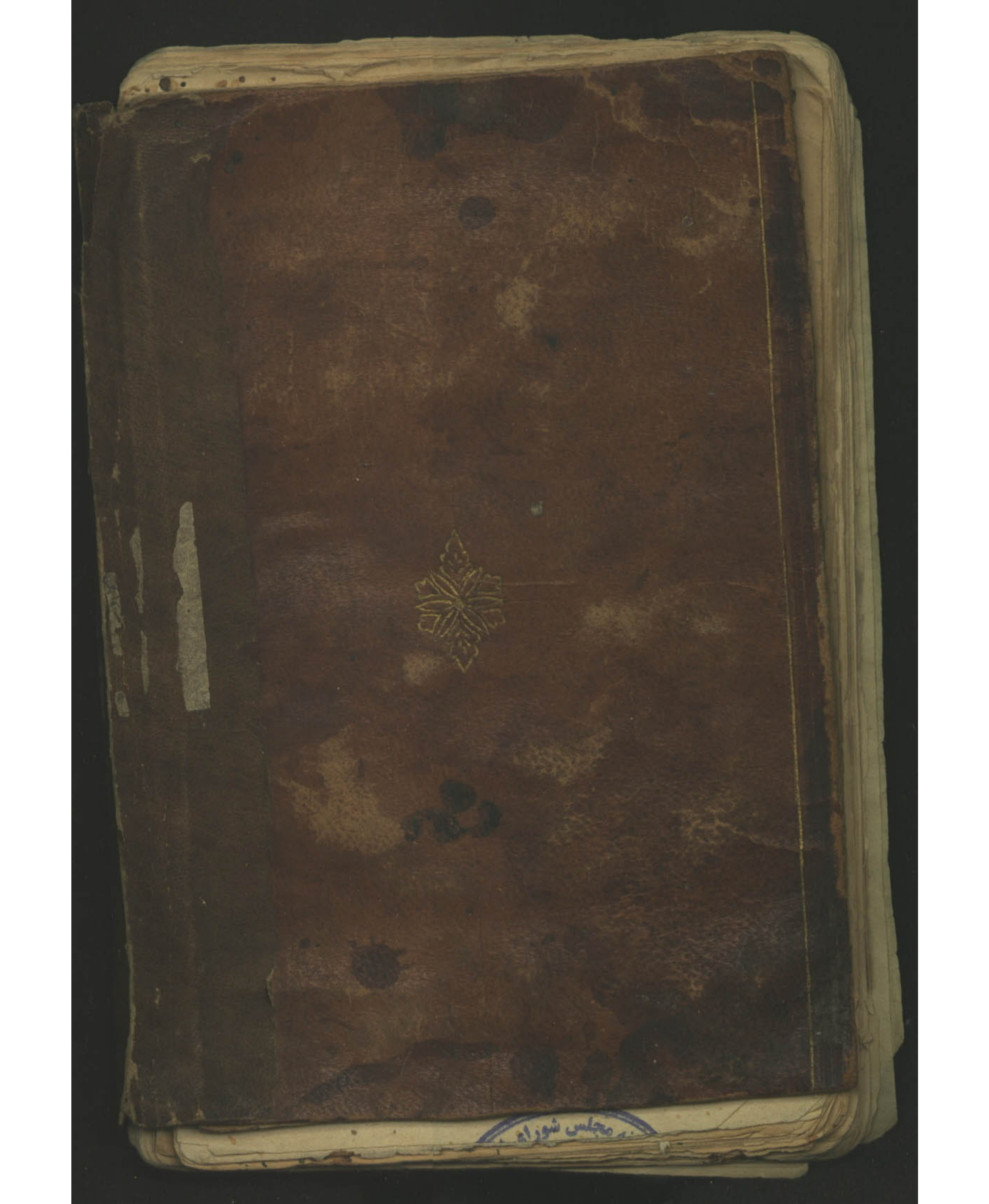
ایرادات بر انجیل دروغی	ایرادات بر انجیل دروغی

ایرادات بر انجیل دروغی	عبارات انجیل دروغی

عبارات انجیل دروغی	ایرادات بر انجیل دروغی
(۹) ما دامیکه در جهان هستم نور جهانم این را گفت و اب دهان بر زمین انداخته از اب گل ساخت و گل بچشمان کور مالید و به وی گفت برو در حوض سیلوحا بشوی پس رفته شست و بینا شده برگشت انجیل یوحنا باب ۹ ایه ۵ (۱۰) پس او را مصلوب نموده رخت او را تقسیم نمودند و بر انها قرعه انداختند عیسی باز باواز بلند صیحه زده روح را تسلیم نمود انجیل متی باب ۲۷ ایه ۳۵ و ساعت سوم بود که او را مصلوب کردند پس عیسی اواز بلند بر اورده جان بداد انجیل مرقس باب ۱۵ ایه ۲۵ و عیسی باواز بلند صدا زده گفت ای پدر بدستهای تو روح خود را میسپارم این را بگفت و جان بداد تسلیم نمود انجیل لوقا باب ۲۳ اما چون نزد عیسی امدند و دیدند که پیش از ان مرده است ساقهای او را نشکستند انجیل یوحنا باب ۱۹	(۹) اولا سوال میشود این کلام که است که از عیسی نقل میکنند کلام عیسی نیست [illegible] زیرا که هرگاه کلام عیسی بود چنین بود که این را گفتم و اب دهان بر زمین انداختم و از اب گل ساختم و بچشمان کور مالیدم و به او گفتم و کلام خود خدا هم نیست زیرا هرگاه کلام خدا باشد باید برای عیسی بگوید و ان اولا خود عیسی میداند چه اراده [illegible] حاصل و بیان واضح نشکند [illegible] از کلام خدا و دیگران غیر عیسی هم خداوند بیان نمیکند زیرا که لازم میاید ان [illegible] باشد که وحی نازل شده پس معلوم میشود که این تاریخی است نقل کار عیسی میکنند و مصنف ان معلوم نیست و ثانیا این وضع اظهار معجزه نیست که اب دهن در خاک انداز و بر وضع [illegible] ... این اثر ان خاک کرده یا اثر حوض سیلوحا باشد خوب ان کوری رفت هرگاه کور مادر زاد بوده که چشم دارد [illegible] او را نا بینا کرده این کلام هم دلالت ندارد که عیسی معجزه اظهار نموده شدن [illegible] میگوید مداوای نمود چشم او را زیرا که اب گل بچشم او مالید و گفت در حوض سیلوحا بشوی

شده این [illegible] اعجاز [illegible] باید علاجی [illegible] که چشم او را دید از اب دهن خاک مخصوص گل ساخته
و در حوض سیلوحا که اب ان معروف بوده رفته شسته خوب شده این چه ربطی بمعجزه دارد اگر
از عیسی نقل میکنیم که دست مبارک بچشم کور مالید روشن شد و اب دهن در چشم کور انداخت و [illegible]
شد چنانچه از معجزات [illegible] نقل شده که ... اب دهن بچشم کور مالید روشن شد و دست مبارک
بچشم علی مالید درد ان ساکت شد و دفع علت شد و اب دهن در چاه بی اب انداخت چاه پر از اب شد
و الان هم ان چاه موجود است در اصفهان که معروف به [illegible] است و در اطراف ان هر چه چاه
کنده اب ندارد و ان چاه که کمتر از عمق چاههای دیگر است پر از اب شیرین و گوارا است و این چه
ربطی دارد با انچه در قران است که از گل طیر ساخته و انرا بگوید روح ساخته
و این ایراد مطرد است بر غالب مراتب عبارات انجیل که اشتباه [illegible] تاریخ است که ابا دارد از انکه
کلام خدا باشد یا کلام عیسی و چه قدر مناقضه دارد این کلمات یکی میگوید او را مصلوب نمودند
و رخت او را تقسیم نمودند و بر انها قرعه زدند که ظاهر ان این است که بمجرد مصلوب نمودن عیسی رخت او
که رختی تقسیم شد باز بعد از مردن و تقسیم رختی او از نموده و صیحه زده و روح را تسلیم نمود
و در جای دیگر میگوید که در ساعت سوم که او را مصلوب نمودند جان بداد
و جای دیگر میگوید باواز بلند گفت ای پدر بدستهای تو روح خود را میسپارم ۱۵ مگر عیسی خوف داشت
که یهودیها روح او را ببرند که روح خود را بدست خدا سپرد و خیلی خوف احمقانه است که درک نکرده
روح چیست که خلق [illegible] بدست کی بسپارد و در این مراد تصریح میکنند که مرد و در بی تصریح
نموده که [illegible] عیسی مرد مطلب اول باقی است
و در مطلب اخیره که چون امدند دیدند عیسی پیش از ان مرده ساقهای او را نشکستند چه ربطی
دارد مردن با ساق نشکستن مگر مرده را باید ساقش بشکنند که انها که ... نمودند یا در
نمودند بر مرده عیسی واقع چه کلمات [illegible] نسبت بخدا و عیسی میدهند

واصلا منافات هیچ را از رابطه این تر آنکه سیاق این مطالب چنین جمله بیان شد که
حالات عیسی بیان شده وهم چنین اخباریکه در آن جمله اخبارات بعد از صلیب بودن
عیسی جمله یقین که جمله کلام عیسی نیست قطعی و کلام خدا بعینه هم نیست زیرا که اخبارات
وخطابات قطع شد بعد از صلیب پس آنچه نقل کرده در انجیل متی باب ۲۸ آیه ۵ فرشته بزنان
گفت شما مترسان من میدانم که عیسی مصلوب را میطلبید در اینجا نیست زیرا که
چنانچه گفته بود برخواسته است) که از قطعیات جمله این کلام عیسی نیست که هرگاه
کلام عیسی بود دیگر سخن از کلام شده بود ومیگفت من عیسی هستم بعد از مردن برخواستم
وکلام خدا بعینه هم نیست زیرا که چنانچه گفته بعد از رفتن عیسی بیان ... اولو مرده
نکرده که خدا ... ونیز آنچه در انجیل مرقس باب ۱۶ آیه ۶ عیسی ناصری مصلوب را میطلبید
او برخواسته در اینجا نیست) بطلان معلوم قطعی کلام عیسی نیست وکلام خدا نیست
وهم چنین آنچه در انجیل لوقا باب ۲۴ آیه ۵ چرا زنده را در میان مردگان میطلبید در اینجا
نیست بلکه برخواسته است)
ونیز آنچه در انجیل لوقا باب ۲۴ آیه ۳۰ پس اتفاق افتاد هرگاه با ایشان نشست نان گرفت و
عید کرده آن نانرا برکت داد و چنین شد که در حین برکت دادن نان ... ازو نان را
گشته ... بیان ... ساده شد پس اولو برگشتی کرده با خوشی عظیم تو او پیشتر رفتند
بجهت ازلی که ادنی شود داشته این الفاظ مذکور او نسبت بعیسی ... یا بخدا
انکه نقل از نقل عیسی میکند که از ... اولو شکسته دوباره زنده شده ...
تا امروز لو رفته از وقت ... بعد از آن او برکت دار ... چه مراد شما از برکت دادن
یعنی دعا از ... دعا با ... همراه شد ... اولو برگشتی کرده ... بدون نان
تو بود ... که هم ... اتفاق ... کرده ... درست ... گفته ... کلام ...
از روی ... هر دو ... در ... گفته وهم ... آنچه در اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸


مجلس شورای